



کشتکول

۱۳۹۰۰

بیت من

کتابخانه عمومی
کشتکول
۱۳۹۰۰

اضار الاوائل

تحت عنوان



نام کتاب	تاریخ ثبت دفتر
۱۳۵۸	۱۳۵۸
شماره عمومی	شماره مخصوص
۱۰۵۴۸	

نام کتاب
 ۱۲۵۸
 ۱۰۵۴۸

این تازه رقم که زده زمانه
 بر لوح بقای جاودانه

هذا
 كتاب الخيارات
 وهو من ارباب الفضائل
 من مؤلفات بحر الفوائد
 الفضائل في خواصها واولئها
 الجامع لشرافة السيادة والتجانبه الاوحد
 المؤيد جمال الدين السيد محمد الواعظ فريد
 عزه وعمره ابن قدوة العلماء العاملين وزبدة الفقهاء
 الكاملين سيد المحققين والمدققين
 و سلطان الواعظين سمي ثانی السبعین
 الحاج سيد حسين الحسني الحسيني
 الطباطبائي الميرزا آقا
 طبع في
 سنة ۱۲۵۸

مفتاح خزائن کمال است
 مصباح زجاجه جمال است



بسم الله الرحمن الرحيم

هذا هو الكتاب

المسمى اخبار

الاوائل

٤٧

١٨٤

٧٨٢٨

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله المعالي عن الضد والمثال والمقتل لعباده بالجمال و
الجلال والتوحد في حريم كبريائه في كل حال نجي له الرمال وتجد
له الطلال وتذكرك له الجبال وخلق الانسان في احسن تقويم واتم
اعتدال والصلوة والسلام على اول المخلوقات الذي هو مكل
الكال ومعدن الكارم والمخضال وصاحب الاضام والافضل
وكريم الاعمال والاحوال سيد الانبياء وسند الاصفياء وخاتم
واظمم واخرهم محمدا المختار المبعوث على البرية لازالة الجهل
وتربية الجاهل ونسئله القربى والرضاء في جميع الافعال
والاقوال وعلى اهل بيته الأطهار من الأولاد والأل الذين
انطاب افلاك الجود والنوال سيما على عليه السلام امير المؤمنين
واول المسلمين وخير امام ووال واللغة الدائمة على اعدائهم

واول ظالمهم المستوجبين للخط والنكال وبعد جنين كويد
اين بند ضعيف ذليل وملته يبعفو وكرم خداوند جليل جمال
الدين محمد بن العلامة حسين بن مرتضى الحسيني الطباطبائي
الواعظ اليزدي الحائري بلغه الله الى ما يتمناه وجعل عقباه
خير من دنياه كه برضا ترهوشمندان اسرار وخرمندان عالي
مقدار وصيرفيان عيون جواهر اخبار پوشيد نما ناد كه اين جنيست
در بيان اوائل اخبار واثار ذكرى شود مطالب غريبه وسوانح
عجيبه فريد كه كتر بسمع دانشمندان عالم رسيد بمجواهش بعض
از فضلاء ابرار وادباء اخبار بمقتضاي الميسور لا يسقط بالعصور
بقلم تاليف وخامه تحرير در آورده وحصول اين نامه از اشر
عصرهايون ودولت روز افزون اعلي حضرت ناصيد عشرت
كيوان رفعت خورشيد رابت بهرام صولت مشري سعادت
جشيد حشمت فريدون حكمت سكندر مهت فيروز بخت
سلطان سلاطين زمان دارا دربان كسري نشان كيهستان
قوام ملك وملت دوام دين ودولت السلطان بن السلطان
والخاقان بن الخاقان السلطان ناصر الدين شاه قاجار الازالت
اعدا فساطيط جلاله مرفوعة والطاب خيم سلطانه مشدودة
اللهم متع المسلمين بجلود ملكه وابود دولته ونصرة عساكره
ما بقى الليل والنهار ومتلاطم البحار ونجى الانهار وناميد
ابن ازجيل وفهرس شريف رابه اخبار الاوائل ومونس

۴
 ارباب الفضائل و تاریخ شروع در این رساله از مصرع اخیر ظاهر
 بین نفر کتاب که بتاریخ اخبار و ائمه شد موسوم
 است چنانست که در نظر دانشوران موقعی عظیم و مقامی کریم
 بهرسانند در نظر ارباب غرض الدین فی قلوبهم مرض سعد گوید
 منه کوثر در قول صاحب غرض که از کینه در سینه دارد مرض
 رجاء و اتقوا انستکه طالبان حدیث و خبر و صاحبان اثر و سیر
 بنظر حقارت بر این نامه خورد و ننکند و خورده نکیرند و اگر
 سهو و غلطی بیابند شان اکابر انستکه بخامه عفو از در اصلاح
 در آیند و العذر عند کرام الناس مقبول و لعل الناظر فی هذا
 الكتاب المنوج علی ذلک المنوال بعد الملاحظة علی الانصاف
 والتأمل الصادق بلا اعتساف یصدق بما ذکرناه و من الله
 المتعال الاعانة فی کل احوال والتوکل الیه والتوسل الی اولیائه
 فی المبدء والمال وها انا اشرع فی المطلوب بتوفیق العالم بما
 فی القلوب والغیوب وهو اصل المطلوب فی جمیع الاعمال اول
 چیزیکه خدای تعالی خلعت خلقت بروی پوشانید نور و مقدس
 سیدانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه و اله بود چنانچه در رؤیة
 الصفا و مناجی الطالبین و حبیب السیر و تاریخ و دیگر کتب احادیث
 مستطوره است که روزی جابر بن عبد الله انصاری عرض کرد
 یا رسول الله اول چیزیکه خدای تعالی خلق کرد چه بود آنحضرت
 فرمود نور نبیک اخبار و احادیث مختلفه در این باب وارد

شد

۵
 شد و کما قال اول ما خلق الله القلم اول ما خلق الله العقل فقال
 له اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر فقال وعزنی و جلالی ما
 خلقت خلقا اکرم علی منک بک اعطی و بک امنع و بک اثبت
 و بک اعاقب و قال اول ما خلق الله اللوح و قال ایضا اول ما خلق الله
 الروح و فی الخبر فلما خلق العقل وهو اول الروحانیین در جواهر
 الاسرار تصنیف شیخ نور الدین حمزة بن علی الطوسی آمد بدانکه
 اول شیئی که از موجود حقیقی صادر شد عقل اولست بدلیل
 اول ما خلق الله العقل و فی روایة جوهره و فی روایة دزه و فی روایة
 اول ما خلق الله العشق و فی روایة العلم و اینها مختلف نیست
 بحسب معنی بلکه همه عبارت از یک چیز است یعنی جوهره که در وقت
 ثناء و حدثت اسم محمد صلی الله علیه و اله است و چون این
 حقیقت را معانی بود اسم او درة آمد و چون حق و محیی بود اسم
 او روح آمد و چون ظاهر و مظهر بود اسم او نور آمد و چون
 مدرک کلیات بود اسم او عقل آمد و نارا الله که در وی محبت
 موقد گشته بود اسم او عشق آمد پس جوهر اسم ذات او باشد
 و ما بعد اسماء و صفات او بود گفته اند نخستین آیتش عقل
 کل آمد که در وی همیوبای بعمل آمد و نیز خواجه نصیر الدین
 طوسی در گفته اول زمکونات عقل و جانیست و اندر پی او
 نه فلک گردانست و اینها چه کذر کنی چهار ارکانست پس
 معدن و پیر نبات و پیر حیوانست و در جای دیگر وارد شد

که اول ما خلق الله جوهریست که چون مخلوق شد نظر کرد خداوند
 با و بنظر هیبت پس از هیبت خدا گذاخته شد و کرم گردید و از او
 کفی هم رسید و دخانی برخواست پس افرید از دخانش همواترا و از
 گفتن زمینها را و علماء فن اخبار و آثار در باب این احادیث تا ویلها
 چند کرده اند و نیکوتر از همه تا ویلها که شبیه تا ویل اول است
 آنکه عبد الله بن علی بن اسعد الباقفی الیمنی در کتاب نوادر المعانی
 این وجه را قلم داشته که مراد حضرت رسالت پناه از این عبارت
 یکجوهر است بنا بر آنکه آن جوهر بخود ظاهر است و مظهر غیر و فیا
 کمالات بر ذات مقدس بنوی از صید اله بوسط وی واقع گشته
 از انور گفته اند و خود اضافت فرمود باعتبار آنکه نقاش علوم را
 بر لوح محفوظ بر صفحات نقوش معبر بقلم کشت و از این جهت که
 مخترع خویش و ذات خود و سایر اشیا را تعقل نموده موسوم
 بعقل شد و بواسطه آنکه محل نقوش اعیان ثابت است لوحش
 گفتند و از این حیثیت که حتی بالذات و محیی غیر است روحش
 خواندند و این معنی از اجل بدیهیات می نماید که تعداد اسماء
 موجب اختلاف مستی نیست در هر وضه الصفا مؤلف گوید
 این روایات مختلفه عبارات متناقض نیستند چه تواند بود
 که همه اشاره بحقیقت واحد باشد که حقیقت محمدیه است که
 قبل از تکوین عالم شهود و تزین نقوش موجود قوله قم و ما
 ان سلناک الا شاهدا و مبشرا و نذیرا صوت اول که الف نقش است

بر در محبوبه احد نشست اگر چنین نکوفی جمع میان احادیث نبوی
 نخواهد شد و تناقض لازم آید و انجناب اجل شان است از اینکه
 تناقض در کلامش باشد که در بعضی روایات عقلی و در بعضی
 روحی و در بعضی القلم و در خبر نوری است همه اینها مقصود نور
 خاتم النبیا است و از اینجا است که در خبر آمدندای حضرت
 احدیت رسید لولاک لما خلقت الافلاك خلقت لولاک شد
 از قامت او مقصود همچنان کافلاک از تشریف هستی کامیاب
 چه نیکو گفته شاعر نور اول هم گرومی خواندند لیک از تفسیر
 او و اما نداند روح اول هم فرقی گفته اند که هر معنی در آن
 ناسفته اند قوم دیگر از ازل لفظ قلم بهر نام پاک او کرده علم
 قال ابو جعفر علیه السلام یا جابر ان اول ما خلق الله خلق محمد و عترته
 الطهارة المهدیین فكانوا اشباح نور بین یدی الله ثم بعث حضرت
 امام محمد باقر علیه السلام فرمود ای جابر اول آنچه خدا خلق فرمود
 خلقت محمد صلی الله علیه و اله و اولاده و هادیه مهدیه او بود پس
 آنها را ببدان اشباح نوری پیش خدا موجود بودند فی الکافی
 و شیخ غریز نفی گوید و قسمی دیگر اند اگر چه بعالم القیات
 ندارد و در شهود قیومیت شیفته و متخیرند اما ایشان حجاب
 بارگاه الوهیتند و وسائط فیض ربوبیتند و این طائفه را
 با اصطلاحی دیگر اهل جبروت گویند و سید و رئیس ایشان
 روح اعظم است و در ملاء اعلی از وی عظیمتر روحی نیست

اورا باعتباری قلم اعلی خوانند که اول ما خلق الله ثم العالم فی مقصد
الاقصى مؤلف گوید باید دانست که در اول ایجاد و ابداع یک
وجود بفضاء شهود آمد و تمام کسرات عقلیه و حسیه منجما
و مرتبا از مشیت اولیه خلعت هستی پوشیدند پس بجهان ترتیبی
که در عالم اول اظهار فرمود خلاصه از نبی آدم و اهل عالم را در این
عالم رحمت و شهادت نیز آشکارا ساخت یعنی نور حضرت مولای
مستقیان علی علیه السلام از نور خاتم رسل عقل کل محمد صلی الله
علیه و آله نام او در نامه ایجاد حرف اولین ذات او در دفتر
توحید فرد انتخاب و نور حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها
از این هر دو نور و نور و سید شباب اهل بهشت امام حسن
و امام حسین علیهما السلام از نور صد یقه کبری ظاهر گشت
و در این عالم مانند آن عالم با همان ترتیب و تدریج بمرحله عالم
تکوین قدم نهادند آنچه اول شد پدید از جیب غیب بود نور
جهان او بی هیچ ریب بعد از آن نور مطلق زد علم گشت عرش
کرسی و لوح و قلم یک علم از نور پاکتر عالم است یک علم در تیر
اند است نور او چون اصل موجودات بود ذات او چون معطی
هر ذات بود واجب آمد دعوت هر دو جهانش دعوت ذرات
پیدا و نهانش میان او و میان این دو پاک هیچ واسطه نیست مگر
تفسیر او چنانکه فرموده است اول ما خلق الله روحی او نور
یعنی اول چیزی که خدا خلق کرده است او را روح با نور من است

و مقصود

و مقصود از همه افعال قادر متعال است چنانچه در حدیث
قدیمی فرموده لولا که لما خلقت الافلاك اول بقعه که ایزد
متعال در زمین خلق فرمود کعبه بود چنانچه در کلام مجید خود
میفرماید ان اول بیت وضع للناس للذین ببكة مبارک و گنا
و هدی للعالمین در تفسیر صافی از امام محمد باقر علیه روایت شده
که فرمود لما اراد الله تعالی ان یخلق الارض امر الريح فضر بر من
الماء صار موجا ثم ازید فصار زبدا و احدا فجعله فی موضع
البیت ثم جعله جبلا من زبد ثم دجی الارض من تحته و هو
قول الله تعالی ان اول بیت وضع للناس للذین ببكة مبارک و گنا
شعبی گوید خانه کعبه شرفها الله را اول آدم بنا کرد و مرثیت
پس ابراهیم پس اسمعیل پس قریش پس عبدالله بن زبیر که شاور و
و حجر داخل کرد پس حجاج بن یوسف بموضع اول ساخت و گویند
اینکه امر و نهشت بنای حجاج است مؤلف گوید در کتب تواریخ
بنظر رسید که در روز نوزدهم شعبان هزار و سی و نه سبیل عظیم
آمد و تمام دروازه ها و خانه های مکه را خراب کرد و داخل
بیت الله شد و بقدر یک قامت و نیم آب بلند شد و دیوار را گرفت
بود و حجر الاسود از خانه جدا شد سلطان مراد رابع عثمانی
فرستاد تعمیر کردند و سید زین العابدین کاشی هجره الاسود را
نصب نمود و فراغ از بناء شد از هجره بود و رفع الله قواعد
البیت تاریخ او است و بناء حجاج از جانب شامیه ساقط گشت

والآن که این بنا ظاهر است از سلطان مراد است اول کسیکه
از صوامع جبروت بتج بیت الله آمد روح القدس جبرئیل
امین بود فی سماء و العالم اول صیدیکه در شیکه وجود افتاد
بحکم فرموده خلق الله الارواح قبل الاجساد باربعه الاف سنة
حقیقت روح بود فی نفائس القنون لولا ناهمود الدین اول
پیغمبران آدم صفی است اول وحق انبیاء شیت بود اول کس
که از اولاد آدم عذارش بمحاسن مشکین مشک اکین کشت اول
کس است که بعد از آدم صفی الله بتعلیم معضلات حکمت و تنبیه
ضروریات شریعت پرداخت و بنا بر این حکماء او را اوریا می
اول گویند چه او را ببلغة سریانی معلم است فی حبیب التیر
و غیره اول کسیکه درخت خرما نشا سیدانوش بن شیت بود
و اول کس است که صدقه بر مساکین افشاند در تاریخ بنا کتی
و حمد الله مستوفی اول کسیکه بسوزن جامه دوخت شیت
بود و اول کس است که بقلم نگاشتن فرمود و اموخت اول
کسیکه از پوست روباه جامه دوخت خربز بن یافث بن نوح
بود از اینجا است که لباس خرفخوانند و اول کسیکه از منکس
نخل استخراج غسل اموخت در ناسخ اول کسیکه از پوست
سمور و سنجاب پوستین کرد بر طاس بن کاری بن یافث بن
نوح تم بود اول کسیکه اسم شاهی بروی اطلاق کشت کیو
مرث است ابی القاسم فردوسی گوید: تختین خد بویکه کثور کثور

سراج

سراج از آن کیومرث بود در نظام التواریخ است و غیره و
اول کسیست که در مملکت ایران بر چهار بال شریا طنت نشست
و کشید قوانین حکومت فرمود و با نفاق مورخین جهان اول
کسیست که بعد از طوفان نوح در عالم قانون جهانگیری نهاد
عکس قول شیخ ابو عامد محمد بن محمد بن محمد غزالی است که در
کتاب نصیحة الملوک گفته کیومرث برادر شیت بود شیت قانون
شریعت داشت و کیومرث قانون حکومت و سلطنت و هو
اول من نبی و سکن الدور و کانوا قبل ذلك یسکون الکهوف
و المقابر فی اخبار الدول و آثار الاول و اول کسیست که جغد را
مشتومر شده روزیکه عزیمت دیدار فرزند داشت در راه
جغد را دید که چند کورت اوازی مو حش کردن را بفال بد
گرفت چون بمکن سیامک شتافت و بر آگشته یافت لاجرم
جغد را مشومر دانست در ناسخ اول من تکلم بالعبرانیة شیت
و هو اول من لبس القلنسوة و الثقلین و اول من علم الکتابه
و علم الحساب و الثهور و السنین فی سبائك الذهب اول
کسیکه مقراض ساخت و قطع اثواب کرد متوشلح بن ادریس
بنی بود فرطاس حکیم گفته که اول مخلوقات هواء است و مجموع
اجرام علویه و اجسام سفلیه از هوا متکون شد چنانچه کواکب
و عقول و نفوس از هوای صافی مخلوق گشته اند و جمادات و نبات
و حیوان و انسان از هوای کثیف در وجود آمده اند فی خزائن

ملا احمد الزرقی اَوَّل قِتْلَةٍ فَلَهَا اللهُ قَمَرٌ وَأَنْ عَنَاقَ دُخْرًا مَرَّ
 أَوْ رَابِعًا نَكَشَتْ بُوْدُكُمْ دَر مَرَانِکَشْت دُونَاخَن دَاشْت وَهَرَاخَن
 رَا بَمِثَابَه دَامِی بَزْرُک دَاشْت وَهَر گَاه مِیَنَشْتِی یَاک جَرِیْب زَمِیْن
 رَا طَوَلَا وَعَرَضَا فَرَوِ مِی کَرَفْت فَلَطَّ اللهُ عَلَیْهَا اسْدَاوِشَا وَ
 فَرَا فِقْطُلُوْهَا دَر نَاخِی اَوَّل کَسِی کِه کِیْل وَتَرَاوِ سَاخْت
 شَعِیْب نَبِی بُوْد وَحَقِّ مَرْدَمَا نَزَا تَمَام مِی دَادَنْد قَوْمِ بَکِیْل اَوْ
 کِیْل مِی کَرْدَنْد دَر خَبَرِ اسْت کِه بَدَسْت خُود سَلَخْت وَچُون
 شَرِوع کُرْدَنْد دَر کِه دَادَنْ کِیْل وَتَرَاوِ وُود زُو دِی دَر اَوِیْس
 اِیْشَا نَزَا زُلُوم کُرَفْت وَبَان مَعْدَب کُرْدِیْدَنْد تَا اِیْن کِه هَلَاک
 شْدَنْد اَوَّل کَسِی کِه دَر تَر کِسْتَان رَا یَت جِهَان سَنَانِی بَر
 اَفْرَاشْت تَر کُ بِن یَا فْت بِن نُوح بُوْد دَر نَاخِی وَ اَوَّل کَسِی سَت کِه
 خَا نِهَا اَز چُوب وَ کِیَا سَاخْت اَوَّل کَسِی کِه اَخْتِرَاع خِیْمَه وَ
 خُر کَاه کُرْد طَرَا سَب کِیَا نِی بُوْد کِه نَسَب اَوْ بَکِی قَبَا بَمِی رَسَل اَوَّل
 کِی سَت کِه جَا مَه اَز چُوم حِیَوَانَات تَر تِیْب دَاد دَر نَاخِی اَوَّل
 سَر بَرِیْد کِه سَخْن کَفْت سَر بَیجِی بِن زُکْرِیَا بُوْد دَر عَجَلِ سَمِی رُوس
 پَادِشَاه فَر مَوْد بَار بِلِیْبَه خُود زَنَامَکُن اَوْ مَتَدَبَه شْدَه اَمَر کُرْد
 تَا سَر حَضَرْت بَیجِی رَا مَحَاک سَبَرْدَنْد اَوَّل قِتْلِی کِه وَاقِع شْد قَتْل
 هَابِیْل اسْت بَدَسْت قَابِیْل دَر تَارِیخِ اِبْن اِثِر اَوَّل مَر عَمَل
 الرِّجْم کُتَابِ الْمَلِک اَوَّل مَن اِسْلَم مَن الْأَنْصَار اَبُو رَافِع بِن
 مَالِک دَر سَبَائِک الذَّهَب اَوَّل مَلُوکِ اَشْکَانِیَان اَشْکَانِک اسْت

فِی خُبَارِ الدَّوْل اَوَّل کَسِی کِه رَسْم نَمَک دَر طَعَام پَدِیْد اَوْرَدْ
 فُوْد کُ خَا نِ لَیْسَر تَر کُ بِن یَا فْت بِن نُوح بُوْد کُو سِیْن دَر وِی فُوْد کُ
 دَر شَکَار کَاه لَقَه دَر دِهَان مِی کَزَا شْت اَز دَسْتِش رِهَا شْد دَر شُو
 زَاوِی اَفْتَاد وَ نَمَک اَلُوْدَه شْد چُون فُوْد کُ اَنْ لَقَه رَا بَر کُرَفْت وَ
 بَخُور دَان طَعْم رَا مَلَا یَمِر ذَاتِقَه یَا فْت اَز اَنْ پَس رَسْم شْد کِه نَمَک دَر
 طَعَام بَاشْد دَر نَاخِی اَوَّل پَادِشَاه سَر یَا فِی نَمِر وَ دِیْن کُوش بِن
 زَعَمَه بِن نُوح مَبُود دَر نَاخِی اَوَّل مَن سَن اَلْمَحْدَاء لِلْاَبِل مَضْرِبِن
 نَزَار وِکَان مَن اَحْسَن النَّاسِ صَوْتَانِی سَبَائِک الذَّهَب اَوَّل
 مَلِک نَضَب الْأَعْلَام وَ بَنِی الْأَمِیَال وَ الْعَلَامَات عَلِی الطَّرِيقِ وَ
 الْمَنَاهِل اَبْرَهَه بِن حَارِث بِن قِیْس فِی سَبَائِک الذَّهَب اَوَّل
 کَسِی کِه سَنَت صُومَر دَر مِیَان اَشْکَار سَاخْت طَهْوَرِ سِن دِیُو بِنْد
 بِن هُوشَنک بُوْد چِه دَر کُتَاب رُوضَه الصَّفَا وَ اَخْبَارِ الدَّوْل
 وَ اَنَارِ الْأَوَّل وَ نَاخِی التَّوَارِیخِ اسْت کِه دَر زَمَانِش قَطْعِی بَسِیَار
 عَظِیْمِی حَادِث کَشْت وَ عَلَامَتِی غَرِیْب رُوی دَاد مِی فَر مَوْتَا اَغْنِیَاء
 هَم دَر وَزَه کِیْرَنْد وَ طَعَام جَاشْت کَاه خُود رَا بَقْرَه اَمْجَشْت کُرْدَنْد تَا اَنْ
 بِلَا بَر خُوَسْت وَ دَر رُوضَه الصَّفَا اسْت دَر اَنْ اَوَان قَطْعِی عَظِیْم
 رُوی نَمُود چِنَا نَچَه کُرْدَه مَرْدَم اَب مِی شْد تَا کُرْدَه اَز تَوَر زُق
 مِی کَشِیْدَنْد وَ بَعْضِی بَدِیو اِیَان رُوز بَدِیْدَنْ قَرْمَن خُور شِیْد
 بَشَب مِی بَرْدَنْد وَ شَب بَمِشَاهِد کِلِیچَه قَسْم بَر وَز مِی رَسَا نْدَنْد
 غَدَا ی اَوَسْت کِه بِنِیْد وَ قَرْمَن شَب وَ فَر بَر وَز مِی خُور شِیْد وَ شَب مَر تَابَا

واول کسی که مرغان شکاری را صید نمود در روضه
 القضا واول کسیت که خط پارسی بر کتاب نوشت واول کسیت
 که ابرویشم از کرم قزاند وخت واول کسیت که حمل انتقال برد واب
 نمود واول کسی که تاج بر سر نهاد جشید جم بود واول کسیت که
 عید کرد ونام آن نوروز نهاد واول کسیت که لعل وکوه را از
 معدن برآورد واول کسیت که جامه های حریر بارنگهای مختلف
 ملون کرد واول کسیت که آلات حرب را چون شمشیر وخنجر
 و خود و مغفر بکمال رسانید واول کسیت که تمام بنا نهاد
 واول کسیت که در علم طب استنباط بدیع کرد واول کسیت
 که رسوم جادها در مسالك و معابر مقرر داشت واول کسیت
 که در زمان وی شراب ارغوانی پدیدار گشت واول کسی که
 رجعت خواهد نمود امام حسین علیه السلام بود در حق الیقین
 واول کسی که تاج ساخت و بر سر نهاد شاپور بن هرمز بود در
 حیوة القلوب واول کسی که نور اختراع کرد سلیمان بن داود
 علی نبینا و آله وعلیه السلام علی بن ابراهیم روایت کرده که از
 پیش از آمدن بلقیس سلیمان امر کرده بود جنیان را که خانه
 از شیشه برای او ساخته بودند و بر روی آب گذاشته بودند
 پس بلقیس آمد گفتند باو که داخل شود در عرصه قصر پس او
 گمان کرد که آب است جامه خود را از ساقهای خود بالا کرد
 پس ظاهر شد که موی بسیار در ساق او بود پس سلیمان گفت

این عرصه ایست نمران شیشه ساخته اند و آب نیست بلقیس
 گفت که من ستم کرده بودم بر نفس خویش که غیر از خدا را میپرستید
 و اسلام آوردن و منقاد شدن با سلیمان برای خداوندی که
 پروردگار عالمیان است و علی بن ابراهیم نیز روایت کرده است
 که پس سلیمان او را بعقد خویش درآورد و شیاطین را حکم
 فرمود که چیزی بسازید که مورا از پای وی زایل سازند پس
 جامه ها بعمل آوردند و نور را برای او ساختند پس تمام و نور
 از جنیه ها نیست که شیاطین برای بلقیس ساختند و همچنین
 آسیائی که آب میگردانند در زمان آن حضرت بهر سید
 پس معلوم شد که واول آسیائی که ساخته شد جنیان
 ساخته بودند و در حدیث آمده که چون بخواهید نوره
 بکشید در وقت آن انگشت خود را محاذی بینی برده بگوئید
 اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالتور و سلیمان واول
 کسیت که داخل تمام شد واول کسیت که باغت آدمیان و
 جنیان و وحوش و طیور و سباع و بهائم سخن گفت و متکلم
 گشت واول کسیت که بر براط نشست و عالم را سیر کرد و طواف
 کرد واول کسی که پارسی سخن گفت هوشنگ شاه بود واول
 کسی که با امام زمان در وقت ظهور بیعت کند جبرئیل امین
 بوده باشد واول کسی که بسم الله الرحمن الرحیم گفت و یاد نمود
 سلیمان بود واول کسی که سر نامه را مهر زد وی بود واول

کسیت که خانه مبارکه کعبه را جامه بافته پوشانید و خبر آن
جنابش جامه های مصر سفید بر خانه کعبه پوشانید اول
کسیکه مثله کرد ضحاک بود و اول کسیت که تازیانه زد و اول
کسیت که مرغان را بردار کشید اول کسیکه در شکم مادر
چهار ماهه بیش نزیت و چهار ماهه متولد شدی یونانک
پادشاه چین بود در ناسخ اول کسیکه از بطن مادر خسته کرده
بیرون آمد لوط بنی تم بود در رابع مجاز الانوار است از امیر
المؤمنین تم روایت میکند که فرمودند بمردی از یهود انتم
تقولون ان اول عین نعت علی وجه الارض العین التي فی
بیت المقدس و کذبتم هم عین الحیوة التي غسل فیها یوشع بن
نون السمكة فی العین التي شرب منها النحضر و لیس یشرّب
منها احد الا حق وانتم تقولون ان اول شجرة نبئت علی وجه
الارض الزيتون هي الشجرة العجوة التي نزل بها آدم من الجنة
معه اول من علت له الشیاط الا صبحیة حارث بن مالک بن
زید فی سبائك الذهب اول من ملک فی بنی عباد القاضی
محمد بن اسماعیل بن قریش بن عباد فی سبائك الذهب
اول کسیکه در علم طب سخن گفت اسقلینوس حکیم بود و اولاد
خود را وصیت کرد که این صفت را بفرباه و اجانب تعلیم ننمایند
تا عزت و شرف این علم مخصوص خانه دان او باشد و رای او
در علم طب تجربه بود و بقیاس و استدلال عمل میکرد و مدت

عمر او چهار صد و شانزده سال قول حکماء در مسائل طب بر
این منوال بود در روضه الانوار اول کسیکه در اسلام بر نیزه
رفت سر عمر بن الحمق انحرای بود که امیر المؤمنین تم او را خبر داده
بود در ناسخ اول کسیکه وارد بهشت میشود علی بن ابی طالب
علیه السلام است زیرا که لواء پیغمبر در دست او است و صاحب
لواء مقدم است در حق الیقین اول کسیکه در غدی بر خم بیعت
با امیر المؤمنین علیه السلام کرد عمر بن عبد کفیت بنی نعلک یا امیر المؤمنین
اصبحت مولای و مولا کل مؤمن و مؤمنة اول کسیکه بعد
از طوفان نوح در مملکت هند وستان لوای سلطنت بر
افراشت کشتن بن یورب بن هند بن حام بن نوح بود در ناسخ
اول کسیکه آهن کرم و در و د کوی بر بوم تلقین کرد بر آهن از
نسل بنک بن هند بن حام بن نوح تم بود در ناسخ اول کسیکه
فیل را بدست آورد و رام کرد و سوار شد کشتن بن هند بود
اول شهریکه در هند وستان بنا کرد شهر او بود در ناسخ اول
بنای نیکی آرض باشد بهشت شداد بن عاد بود بمصدق
ایه کریمه ارم ذات العمار التي لم یخلق مثلها فی الیاد اول
کسیکه اختراع ساز و چنگ را ساخت نبرد نمود قالع بن عابر
بود و قالع قاسم را گویند اول کسیکه برض فحشاء بر د اود
بنی بود که بر منبر جلست که در فی رابع مجاز الانوار اول زبانی
که آدم را و اولادش بدان تکلم میفرمودند سریانی بود در ناسخ

اول کسیکه امر کرد بوضع زربفت بجهن بن اسفندیار بود اول
ایه که بر رسول خدا نازل گشت ایة اقرء باسم ربك الذی خلق
بود در حیوة القلوب اول کسیکه پسرش بدو تخت فرستاد
قالع بود که برای هود علیه السلام فرستاد بجهن انم صبا حاو
ابیت اللعن در ناسخ اول کسیکه سپاه نشاند در همدان دارا
کیانی بود اول بادشاهی که دامن عصمت را از شهرت بمعصیت
ملوت کرد خسرو بن پارش بود که با خواهر خود زنا کرد اول من
امر تصنیف کتب الجدل فی الرد علی الزنادقه والملحدین محمد
مشت عباسی بوده که سوم خاندان استی سیانک الذی صلی
کسیکه کمر بند اختراع کرد و بر کمر بست او شیرین سامان بود و
اول کبیت که جاسوسان در عالم گذاشت اول کسیکه سبزه
در سفر گذاشت کیمشرون سیاوش بود اول کسیکه آهن از
سنگ بیرون آورد و در کمر گذاشت و از آن سلاح جنگ ساخت
هوشنگ بن سیامک بن کیومرث بود در ناسخ و اول کبیت که
سکان نازی را حید کردن اموخت و اول کبیت که کلان برآ
برای حفظ و مد معین ساخت و اول کبیت که خدمه را در نزد
خود بقیام امر کرد و اول کبیت که زروسیم و معادن بر آورد
و جوامع را داب استخراج کرد و اول کبیت که قطع شجره اموخت
و اول کبیت که پرداختن تخت و در ب ساختن اموخت و اول
کبیت که تصنیف کتابی کرد و نام او جاودان خود نهاد که اول

مرتبه کیمشرون اسفندیار که یکی از وزیران سلاطین عجم است
از فارسی قدیم زبان متداول ترجمه کرد و حسن بن سهل برادر
دور یاستین که وزارت مامون عباسی داشت بزبان عربی نقل
نمود و استاد عالم ابوعلی سکویه باحق حکمت های فرس و هند
و روم و عرب را انجام داد و نام آن ادا ب العرب و الفرس نهاد
و فقیران را دید امر و مطالعه آن دلیل ظاهر است بر حصانت
نفس و کمال و فهم و فضل و دانائی او این کتاب را هوشنگ
برای پسند و اندرز فرزند خود و دیگر ملوک تازی او ساخت
کنند نگاشت مؤلف گوید هانا عبارت بعضی کلمات آن
کتاب اینست که میفرماید از خداست آغاز و بدوست انجام
و بدوست توفیق و اوست ستوده کسیکه شتافت آغاز
را شاگرد و کسیکه شناخت انجام را مخلص شد و کسی
که فضل و کرم او را دانست موافقت و انقیاد پیشه کرد
و از راه مخالف بر کنار آمد اگر بخوایم تمام نصایح بنکارمان
مقصود خارج خواهیم شد اول کسیکه دار و هاب برای رنج
اسب ساخت بهرام بن بهرام ساسانی بود اول کسیکه
پوشش از پوست سمور و سنجاب و دیگر جلود کرد و دیگران را
نیز پوشانید هوشنگ شاه بود اول شهره که در زمین
بنا شد شهر چین بود که ترک بن یافت بن نوح تم بود که بنای
او مشتمل شد در حدیث آمده از حضرت صادق فرمود

اولنا محمد و آخرنا محمد و اوسطنا محمد و كلنا محمد في شرح
الزبارة وغيره اول كسيكه كاشه چوبي ساخت از برای شاميد
اب وغيره قينان بن انوش بن شيت عليه السلام بود اول كوهي
كه وضع كشت بر روی زمين كود ابو قيس بود در كشكول شيخ
يوسف اول مسجد كه بنا شد مسجد الحرام بود في كشكول اول
كسيكه در زمان جاهليت مال خود را در راه خدا داد عبدالمطلب
در روضة الصفا اول من تكلم بالعربية عابرا عنه هو النبي عليه
السلام اول كسيكه بزبان عربي سخن گفت يعرب بن قحطان بن هود بن
نوح و خود كويد انا بن قحطان الهام الا قبل يا قوم سيرا في الوعيد
الاول انا البدوي اللسان الهيل المنطق الابن غير مشكل
در ناسخ اول كسيكه طبل و زنك و دراي وضع كرد دي كوكا و
شي بود در ناسخ اول كسيكه در يمن در وجه سلطنت يافت و
از جمله ملوك بزرگ شهر ده شد حارث راش بود و او پسر قيس
بن ضفي بن سالار بن سبا الاصغر بن حمير بن سبا الاكبر در
ناسخ اول كسيكه در مهاد سخن گفت زاب بن طهماسب بن
منوچهر بود در تاريخ ناسخ الطالبين اول كسيكه علم نيرنگ
و سيمياء در عمل آورد كيقباد شاه بود در ناسخ و اول كسيكه
كه در راهها فرسنگ و ميل تعيين كرده اول كسيكه در جهات
كويه و ناله كرد حضرت آدم علي نبينا و اله و عليه السلام بود
اول كسيكه در عالم مرثيه گفت كيكاس بود همه پسر خود سيار

رسيل اول
بني هود بن
نوح

در ناسخ اول كسي كه از ما و لك خلايق را و عطا كفت كينسرين
سيارش بود در ناسخ اول العالم معرفة الجبار و آخر العالم
الاماليه في امثله عرب اول كسيكه جمع كرد مردم را در نماز حنينا
بر چهار تكبير عمر بن الخطاب بود و حال آنكه رسول خدا فرمود
بود بر جنازه پنج تكبير بگويند چنانچه ابن بطه كفت يعقوب
صلي الله عليه و اله و بر نفس حمزه سيد الشهداء پنج تكبير كفت در
اول كسي كه از اهل بيت اطهار شهيد شد عبد الله بن مسلم بن
عقيل بود في مخزن البكاء للبرغاني و روضة الصفا اول كسيكه
در روز عاشورا نير مجانب امام حسين عليه السلام را فكنند
عمر بن سعد بود كفت كواه باشيد كه اول كسيكه بطرف لشكر
امام حسين عليه السلام تير انداخت من بودم شحصه از شيعة
ان جناب جواب داد كه اول كسيكه از اين مردم بد و زخ خواهد
رفت تو خواهی بود در روضة الصفا اول كسيكه در روز قبا
بطلبند و در پيشگاه حضور خود خوانند حضرت نوح علي نبينا
و عليه السلام خواهد بود پير از او پرسند كه ايا تبليغ رسالت
كردی كويد بلي كويد كه كواهي ميدهد از برای تو كويد محمد بن
عبد الله بن نوح برون آيد و يا بر سر مردم گذارد تا بيايد
بنزد محمد صلي الله عليه و اله و او بر روی تلي از مشك و علي
نيز با او باشد و اين است معنی قول حق تعالي قل يا ايها الذين
آمَنُوا وَجَّهُوا وُجُوهَكُمْ لِلدِّينِ كَفَرُوا وَايَعِزُّونَ عَلَى رَأْسِهِمْ قُرْبَ و

منزلت نزد حق تعالی و بر بالای تل مشك در خدمت رسول
خدا بنشیند منتهی گردد و سیاه گردد روی کافران پس نوح گوید
یا محمد حق تعالی من کواهی طلبیده بر تبلیغ رسالت حضرت نبوت
گوید ای جعفر و ای حمزه بروید و کواهی دهید از برای نوح که او
تبلیغ رسالت کرد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که پس
جعفر طیار و حمزه شاهدان نبیاء خواهند بود بر تبلیغ رسالت
ایشان را و ای یوسف بن ابویوسف است گفت فدای تو شوم
علی در آنوقت کجا است حضرت فرمودشان و منزلت و جاه علی
از آن بالا تر و بزرگتر است که او را برای کواهی انبیاء بفرستند
در غایت المرام و حق البقین و غیره اول خلافیکه در اسلام شد
منع از کاغذ و قلم بود برای پیغمبر و این اول فتنه و فساد و خلافی
بود که در اسلام هم رسید در حق البقین اول کسیکه رده شمس
از برای او شد یوشع بن نون بنی اسرائیل چنانچه در اعدیه خبر
رسیده یاراد الشمس یوشع بن نون نور الشمس بعد از او بها
و در روایت دیگر اول کسیکه رده شمس برای او شد سلیمان بن
داود و بود خداوند میفرماید اذ عرض علیه بالعهده الصافنا
الحیاد و یاد کردن وقتی را که عرض کردند بر او در وقت
یسترا اسبان بخوبی بر سر دست و پامی ایستادند و از یکپاس
سم را بر زمین میکشیدند نیک رفتار و تندرو بودند و گفته
اند که هزار اسب نفیس بودند که از داود و یان حضرت رسید

بود و بعضی گفته اند که اسبان بال دار بودند که از دریا برای
ان جناب بیرون آمدند بودند فقال انی احببت حب الخیر
حق توارث با محباب یعنی پس گفت بد رستی که من دوست
میداشتم اسبان را تا بنیان گشت آفتاب در پرده یعنی پست
شد یا غروب کرده روزه علی فقطق مسحا بالتوقی و الاغنا
یعنی برگردانید اسبان را بر من پس شروع کرد بزدن ساقها و
کردن اسبها یا آنکه برگردانید آفتاب را برای من پس مسج کرد
ساق و کردن خود را برای وضو و نماز کرده و لکن فتنه سلیمان
و القینا علی کرسیه جسد اناب یعنی و بتحقیق امتحان کردیم
سلیمان را و انداختیم بر کرسی او بدنی را پس انابه کرد و توبه
نمود بسوی ما و علی بن ابراهیم گفته است در تفسیر این آیات
که سلیمان اسبان را بسیار دوستی داشت و مکرر و طلبید
و بر او عرض میکردند پس روزی مشغول اسب دیدن شد
تا آفتاب فرو رفت و نماز عصر از او فوت شد غم عظیمی باین
سبب او را عامر ض شد پس دعا کرد که حق تعالی آفتاب را بر او
برگردانید که صلوة عصر بکند پس برگشت آفتاب تا نماز
عصر را ادا کرد پس اسبان را طلبید و بشمشیر کردن آنها را زد
و پی کرد تا همه را کشت چنانچه حق تعالی فرموده است شروع کرد
بمسح و ساق کردن اول کسیکه سعی میان صفا و مروه کرد
علی بن قینا و اله و علیه السلام بود در طلب خواست مرتبه

از صفا بروه آمد و بر کشت باین سبب مقرر شد که هفت
 شوط در میان صفا و مروه بنحویکه آدم کرد طواف کنند
 حیوة القلوب امیدوار است که خداوند متعال نصیب نماید
 که مشرف شوم اول نانی که آدم بخورد کج بود در مناخج الطالبین
 اول ملوک البحر من بنی فہم خذیمہ الدرش ابن مالک ف
 سبائك الذهب اول من مثل الرجال بین بدیه بالتیوف
 المرفقة موسى الهادی که از خلفاء بنی عباس است در سبائك
 الذهب اول آسی نامدار که در ایام عرب پدید آمد آسی بود
 از اسبان سلیمان تربیان بود که قوی از جانب تخان برای
 ساختن مهمات پیش سلیمان رفتند چون حاجت ایشان
 بانجام مقرون شد وقت مراجعت گفتند ای پیغمبر خدا از
 اینجا تا دیار ما مسافت بسیار زادی فرمای تا ما را بمنزل
 رساند سلیمان آسی بدیشان داد و گفت مردمان بهر
 منزل که فرود آید چندانکه خواهید با و صید کنید که
 هیچ صید از او نمی آید ایشان بهر منزل که فرود می آمدند
 چندان صید میکردند که ایشان را کفاف دهان اسب
 را از اد نام نهادند چون نام او در عرب منتشر شد آن اسب
 را بر مادیان خود انداختند و از او نتاج گرفتند و اسبان
 عرب از آن وقت پدید آمدند فی نفائش الفنون محمود
 الدین اول کسی که سوار بر کوی باخت طوسه من بود در مناخج

اول کیست که باز بشکار انداخت و اول کیست که پاری نوشت
 و اول کیست که مردمان را بر اسب سوار کرد و اول کیست که
 استر پدید کرد اول کسی که از ملوک دعوی خدائی کرد جشید
 بود در مناخج و اول کیست که دیوان و علم حساب ظاهر گردانید
 و اول کیست که از امن سارح فرمود و پیش از آن سارح از چوب
 و سنک داشتندی و اول کیست که شمیر فرمود ساختند
 اول کیست که جوشن و خود بنیاد نهاد و اول کیست که زن
 بر اسبان نهاد و اول کیست که کرباس فرمود بافتند و پیش
 از آن جامها از پشم و پوست جانوران می پوشیدند و اول
 کیست که بفرمود پنبه کاشتند و برشتند و بافتند و اول
 کیست که رنگها در جهان پدید آورد و پیش از وی هیچ رنگی در
 عالم نبود در مناخج الطالبین و اول کیست که منشأ بر سرش
 نهادند اول کسی که از اصحاب حضرت سید الشهدا عم
 مبارزت شهید شد حرمین یزید الریاحی بود در بحار الانوار
 از عبد الله بن عباس روایت است که اول ما نزل به جبرئیل
 علی محمد قال استغذ بایا محمد بالله السميع العليم من الشیطان
 الرجیم ثم قال بسم الله الرحمن الرحیم اقرء باسم ربك الذی خلق
 خلق الانسان من علق فی نفائش الفنون محمود الدین اول
 کسی که شمیر عمار اسلام بنا کرد حجاج بن یوسف سقفی بود در
 زهر الزیج اول کسی که کاغذ ساخت یوسف علی بنی نینا و اله و

عليه السلام بود اول کسیکه سر راه بر حسین تم گرفت حرم بریند
 الریاحی بود در روضه القضا بمحمدت امام حسین مبادرت
 نمود گفت ای قره العین البتول اول کسیکه بر تو خروج کرد
 من بودم اکنون رخصت فرمائی تا اول کسی باشم که پیش تو جان
 خدا کرده باشم اول کسیکه بضبط عالم و عالمیان پرداخت کعبیا
 بود در روضه القضا اول کسیکه ارد ساخت ذوالقرنین بود
 اول کسیکه عود سوزانید و انواع بخور ساخت خانی دخت
 بمن بود و اول کیت که غلامان را خصم کرد و خواجه سرا پدید
 آورد فی مناج الطالبن اول خلیفه استخلف سلطان الوثاق
 بیا لله هرون قال التیوطی فی کتابه فی سبائك الذهب اول
 خلیفه ولی الخلافة فی مصر من بنی العباس احمد المستنصر فی
 سبائك الذهب اول کسیکه از اهل بیت شهید گشت در
 روز عاشورا علی بن الحسین تم بود که امام عصر عجل الله فرجه
 در زیارت ناحیه مفیر ماید السلام عليك یا اول قتیل
 من نسل خیر سلیل من سلالة ابراهیم الخلیل اول من تسمی
 ابراهیم ابراهیم علی نبینا و اله و علیه السلام و هو اول من
 استشق بالماء و هو اول من شاب و هو ابن مائة و خمین سنة
 قیل لما فی علیه ستة تكلم و هو اول كلامه فقال یا اما من
 ربی قالت انا قال تم ومن ربك قالت ابوك قال تم ومن رب
 ابی قالت نمروذ قال تم ومن رب نمروذ فلطمته وقالت اسكت

و هو اول من هاجر من وطنه فی طاعة الله تم حفظا لایمانه
 حین سأل التمرود و هو اول من جرد من ثیابه فی سبیل الله فلذا
 کساه الله تم فی ذلك المحل قیصا من الجنة اول کسیکه نامیده
 موسی موسی علی نبینا و اله و علیه السلام بود پس زانکه اسید
 یافت او را و نام او را موسی نهاد و باغی عبری می شنیدست زیرا
 که یافت او را میان آب و درخت و مودر لغة عبری ماء است
 و سوشه و سادر لغة عبری شجر است اول من تسمی واحدا و احد
 الله صلی الله علیه و اله و اول عین نظر الی الله عز و جل هو النبی
 و هو اول الانبیاء فی الخلق و اخرهم فی البعث فی نزهة النواظر
 اول نذیر من الشریک التی تم قال السید مؤمن الشافعی فی
 نور الابصار فی ذکر النبی صلی الله علیه و اله و اما امرئ و فیه
 یا اذان بن سامان تم لدیهم امرؤ علی الیمین و هو اول امیر
 فی الاسلام علی الیمین و هو اول من اسلم من ملوک البحر و فیه
 یتزوج علی علی فاطمة حتی ماتت و كانت اول ازواجه قال
 ابن عباس لیس امة من کتاب الله تم یا ایها الذین آمنوا لا
 علی اوطها و امیرها و شرفها فی نور الابصار الشافعی باب
 عثمان عند العائشة فی حرب الجمل فقیل و کان اول من
 انصرم اوا من اذن لرسول الله صلی الله علیه و اله بلال
 بن رباح و لم یؤذن بعد لاحد من الخلفاء الا عمر لما فی
 الشام اذن بلال فتذکروا الناس التی فیکوا بکاء شدیداً

نور الأبصار للسيدة ومن الشلبي الشافعي أول من ملك من
العثمان في ممالك الروم الأمير عثمان الغازي بن الأمير
ارطغرل بن سليمان شاه في اخبار الدول وكان السلطان
اورخان بن السلطان عثمان خان بن بازيق جامعا ومدرسة
وهي أول مدرسة بنيت في الدولة العثمانية في اخبار الدول
ابي جعفر المنصور عبد الله بن محمد العباسي أول ما فعل ان
قتل ابا مسلم الخراساني وهو أول خليفة المقيميين وعمل باحكام
النجوم وهو أول خليفة ترجمت له الكتب السريانية والاعجمية
بالعربية ككتاب كليله ودمسته واقليدس وهو أول من رخم
الحجر قال صاحب تاريخ الدول قوما في وفي سنة ثمان وخمسين
ومائة شكى الناس ضيق المسجد الحرام فاشترى المنازل التي
حوله حتى زاد فيه وعمر مسجد الخيف بمى ورخم الحجر وهو أول
من رخمه محمد مهدي كرام بارة طريق مكة وقصر المنابر وصيها
على مقدار منبر رسول الله ص وهو أول من جهر القصر وعيته
لاهل الحرمين محمد ابو عبد الله بن المتوكل وهو أول خليفة
احدث الزكوب بحيلة الذهب وكان الخلفاء قبله يركبون
بالسليمة الخفيفة من الفضة أول من ملك منهم بالمغرب
ابو محمد عبد الله المهدي أول من ضرب على الحجر ثمانين جلد
وهو أول من حرم المنعة وهو أول من منى عن بيع امتهات الاولاد
وهو أول من جمع الناس في صاوة الجناز على اربع تكبيرات هو

أول من نصب القضاء في الامصار في اخبار الدول واخرج
البحاري في تاريخه عن ابن السيب قال أول من كتب التاريخ عمر
بن الخطاب بسنتين ونصف من خلافته فكتب لستة عشر من
الطيرة بمشورة علي بن ابي طالب واخرج بن سعد عن شاذان قال كان أول
كلام تنكح به عمر بن الخطاب وصعد المنبر ان قال اللهم
انني شديد فليته انني ضعيف فقوى وانني بخل ففخز اول
المهاجرين عثمان في اخبار الاول أول من كتب باسمك اللهم
امية بن الصلت الثقفي في تاريخ الدول أول من سكن الارض
امة يقال لهم الجح والبن نزل على ادم عشر حائف في عشرين وثمة
وهي حرف العجم وهي أول كتاب في الدنيا في تاريخ الدول أول
شيء اكله ادم في الجنة الغنم واخر شيء اكله قبل الخطة العنب
في تاريخ الدول أول من كتب بالخط العربي عبد الصم بن ارم
بن سام بن نوح علي نبينا وآله وعليه السلام يورد في سبائك
الذهب أول ملوك كيانيه كان كيقباد في اخبار الدول وانا
الاول أول من اتخذ انواع الاطعمة وقسم العناير على جيوشه
هو زاب بن طهماسب في اخبار الدول أول من نظر في علوم
النجوم والحساب ادريس بن ابي نبيات وآله وعليه السلام وهو
أول من سجن من ولد قابيل بن ادم فاسرق منهم في تاريخ ابن
اثير وحضرت ادريس أول كسيت كه خط نوشت در تاريخ ابن
اثير وانه در صاوح جارا لله اهل الى است باري تعالى زكتب

سماوی سی صحیفه بد و فرستاده را بخط خود نوشت و اول
کسب کنه سه جهاد و غزوات را در آنجا در تقویت شرح شریف
زد و در مناجات الطالبین و اول کسب کنه جامه دوزی کورد برای
بنی آدم در حدیث آمده که بر هر دوزی تسبیح میگفت و پیش از
وی کسی جامه بر نخفت و دوختن را ندانستی پوست چهار پایان
بر قامت راست کردی و در خویشتن بستندی و پیراهن وزیر
جامه را از جناب ساز کردی و بدست که حضرت رسول صلی الله علیه
و آله فرمود ای پسر عباس اول بخنیکه حق تعالی با من گفت این بود
که فرمود ای محمد نظر کن بر خود چون نظر کردی دیدی که حجابها
شکافه شدند و درهای آسمان گشوده شد آنجی اول کسب کنه قرآن
را جمع کرد و ترتیب داد و نوشت امیر المؤمنین علی بود در حق
الیقین اول کسب کنه وضع لغت و خط عربی کرد اسمعیل
بود در نقاش الفنون اول کسب کنه در تکیب اغذیه و تدبیر
ادویه مستحذات بدیع اند و منت مراد که اول سلاخین
عجم قبل از هبوط آدم است در ناسخ و غیره و اول کسب کنه ششم
از کوفتند باز کردن اموخت اول کسب کنه علم فال بینی که
مانند رمل خیریت اختراع کرد اول رطبفه دوم چین
قبل از هبوط آدم بود در ناسخ و در باب رمل چند کتاب انشاء
کرده و مرتب داشت و اول کسب کنه شیوه زنا ثوئی و
زفاف بمیان او مرد و اول کسب کنه برای صید هادام خشت

اول کسب کنه نحو تعلیم کرد امیر المؤمنین بود که ابوالحسن دلی
داخل شد بر امیر المؤمنین علیه السلام حضرت رعد بجانب
او انداخت نوشته بود بسم الله الرحمن الرحیم الکلیه ثلثه
اشیاء اسم و فعل و حرف جاء لعمری فالأسماء البناء من المسمی و
الفعل ما البناء عن حركة مسمی و المحرف ما أوجه معنی فی غیره
ابوالأ سود گفت یا امیر المؤمنین این کلام نیکوار چگونه با او بدست
که من نمیدانم فائده اش را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود
من شنیدم امر در بلاد شما غلط فاحش را دوست دارم که نوشته
بنویسم هر کس در او نگاه کند تمیز دهد بین کلام عرب و کلام
ان جماعت ابوالأ سود گفت و تقصایبک یا امیر المؤمنین اللصوات
فی زهر الزبج للستید البحرانی اول چیزیکه قوم هود را بر وقوع
عذاب شریف و تنبیه کرد باد بود که در آمد ایشان را که نگاه
کردند و مردان و کودکان و چهار پایان را دیدند که در هوا
بین الارض و السماء پرواز کردند و باد سنگها را از زمین
به هوا پرتان می کرد بر سر مغزهای ایشان میزد و هلاک می
کرد در مناجات الطالبین اول کسب کنه در زمین آتش پرستید
قابیل بود فی کامل ابن ایثر و مناجات و غیره است قابیل چون
هابیل را بکشت ابلیس بیامد و گفت دانی که آتش را قربانی
برادر ترا قبول کرد و از آن تورانه قابیل گفت نمیدانم گفت
برای آنکه هابیل آتش پرستیدی تو نیز آتش را سجد کن

تا آنکه خوشنود شود و مملکت زمین با تو بماند قایل به قول
شیطان رحیم عمل کرد اول یعنی که هوشنگ در جلوس سلطنت
گفت این بود که ما بخدا ایم خوشنود و پر خشمیم از برای بنی آدم
و شیطان و اول کسیست که ملقب به پیشداد شد در مناخج که
از غایت معد لیس باین لقب خوانده شد و اول کسیست که فرستاد
از یلو و قال بر زمین انداخت و اول کسیست که بر تخت جلوس کرد
پیش از آن شاهان را این رسم و آیین نبود در مناخج و اول کسی
است که مردم را بر شتر سوار کرد علامه مجلسی با سنانید معتبره بیا
نقل کرده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که از
حضرت رسول خدا پرسیدند که بچه سبب تو سبقت
گرفتی بر پیغمبران و از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه
مبعوث شدی فرمود زیرا که من اول کسی بودم که اقرار به
پروردگار خود کردم و اول کسی که جواب گفت در وقتیکه
حق تعالی میثاق و پیمان گرفت از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان
را بر تنه های ایشان که گفت اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ یعنی یا نیست من پروردگار
شما گفتند بلی پس اول پیغمبر که بلی گفت من بودم پس سبقت
گرفتم بر ایشان در اقرار بخدا در حیوة القلوب اول کسی که روز
عاشورا از انصار حسین شهید شد مسلم بن عوسجه بود که در
زیارت ناحیه اگر خوانده باشی اقامه فرماید و گشت اول من
شری نفسه و اول شهید شهید الله و قضی نخبه اول کسی که

سنت نهادد و مرکب نماز را در نزد قتل خبیب بن عدی از
کبار اصحاب سید مختار بود عن ابی هریرة اول من من الرکعتین
عند القتل لانه قتل جبر خبیب در غزو رجیع اسیر گشت بمکه
آوردند منافقان فرخواستند او را دختر حارث بن عامر بصد شتر
خرید که در ازای پدرش حارث که مقتول یوم البدر بود شهید
نماید در ناسخ اول کسی که گفت انا لله وانا الیه راجعون
امیر المؤمنین علیه السلام بود در مصیبت برادرش جعفر طیار
پس از اینکه خبر قتل جعفر جمیع امیر المؤمنین علیه السلام سید
فرمود انا لله الخ و در نور العینین و در ضیاء التفاسیر از میر محمد
صادق موسوی خوانداری آمده در حدیث است که بشیر
الصّابرين در حق امیر المؤمنین علیه السلام است که چون خبر
شهادت برادرش جعفر را از مویه آوردند حضرت فرمود انا
لله وانا الیه راجعون و هیچکس پیش از امیر المؤمنین این
کلمات را نگفته بود حق تعالی فرمود من این راست گفتم تا بعد
از وی هر مصیبت زده که اقتداء بوی کند من صلوات و
رحمة نامتناهی با و کرامت فرمایم عبد الله بن عباس گفت که
اول چیزی که بعد از قلم مخلوق شد لوح محفوظ بود اول کلام
که قلم بفرمان حضرت باری تم بر لوح نوشت این بود بسم الله
الرحمن الرحیم انا لله لا اله الا انا و محمد صلی الله علیه و آله
رسولی من استسلم بقضائی و صبر علی بلائی و شکر علی نعمائی

ورضی بکشتی بختیوم القیامة مع الصدیقین ومن لم یسلم
بقضائی ولم یصبر علی بدائی ولم یشکر علی نعمائی ولم یرض بکفتی
فلینزل الیهما سوانی بعد از آن آنچه در علم الله مقدر بود در دنیا
مخلوقات تا روز قیامت قلم بحکم الله بر صفحات لوح ثبت گردید
اول خونی که بر زمین ریخت خون هابیل بوده در آن روز ربع
مرد مرگشته شدند قاله المجلس فی حیوة القلوب اول من
کتب الشرح المرحی من اصحابنا هو الشهيد الثاني ره فی وضاحت
البحثات مؤلف این وجیز گوید که اول کسیکه شرح مزجی
نوشت از سلمای امامیه خواجه نصیر الدین طوسی بود و اکنون
ان شرح حاضر است کویا بنظر مصنف روضات نرسیده باشد
اول کسیکه در جهان خطبه خواند کیومرث بود چون
ملکت او را مسلم شد بهر شهری که رسیدی خطبه کردی
و خدای جل جلاله را حمد و ثنا گفتی در مناجات الطالبین
مؤلف گوید خطبه غرار بلسان سربانی املا کرد بزبان
عربی این القاط امده الحمد لله من علینا بکرامته واصطفی
بدینه وامانته احمد علی الائه و نشکر علی نعماء الذی علی
انبیائه یقول دعوتہ و شمول نعمته عباد الله انبئوها من
نومته الغفول واستفیطوا من رقطة الذهول وانظروا
العیون الاعتبار الی ما صبت من البوار علی بیات زمانکم
والمجاهرین بالعصیان جمعوا للدارین من البغی والخمار

حتی ابتلاهم الله بخراسیف و حر النار الخ چون مبنای این رساله
بر اختصار است از باقی خطبه چشم پوشند اول منجینی که در
دنیا ساخته شد منجینی بود که برای ابراهیم در کوفه ساختند در شهری
که از او نام میگویند در قریه که از افطامامینا مند و شیطان
او را ساخت و چون ابراهیم را در منجیق نهادند و خواستند که
بناش اندازند جبرئیل آمد و گفت السلام علیک یا ابراهیم
ورحمه الله وبرکاته ایا تو را حاجتی هست گفت اما الیک
فلا یو حاجتی ندارم پس در آنوقت ایزد متان ندا کرد بناش
که سر دباش در حیوة القلوب اول کسیکه سفیدی در
محاسنش پدید آمد و حال آنکه پیش از آن بیاض در محیه
افراد انسان ظاهر نگشته بود چون پدید آمد ابراهیم مضطرب
گشت حقیقت انحال را از بارگاه احدیت سوال نمود خطاب
رسید که ای ابراهیم این وقار است که تو از زانی داشتیم آن
حضرت مسرور گشت گفت اللهم زدنی وقارا و اول پیغمبر
است که در راه خدا هجرت فرمود اول کسی را که روز جزا حله
خواهند پوشانید ان جناب خواهد بود و اول کیست که
قتال بشمشیر کرد و قیمت غنیمت نمود و اول کیست که فر
ضیافت کسزد و اول کیست که سواک کرد و اول کیست که
قطع موی لب کرد و اول کیست که مضمضه و استنشق
کرد و اول کیست که فرق موی کندن و موی بغل و ستردن

انه نمود و اول کسیت که ناخن چید و استخا باب و پوشیدن
 سر و پیل بیا موخت و اول کسیت که ختنه کرد در سبائك الذهب
 و هو اول من صالح هانق في سبائك اول كسيكه از مردان بر رسول
 خدا و ایمان آورد و بنیوت او قرار کرد علی بن ابیطالب علیه السلام
 بود در حیوة القلوب و اول کسیکه از زنان بحضرت سید
 انبیاء ایمان آورد و جمیع مال خود را در رضای او صرف کرد
 خدیجه بجلله بود اول جماعتیکه پیش از همة محشر بایان
 که شیعیان امیر المؤمنین هستند وارد بهشت می شوند
 حواریون محمد و علی و امام حسن و امام حسین و علی بن
 الحسین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق می باشند در
 بحار اول روزها نور و زاست که در او آفتاب طلوع کرده است
 و باد های آسین کنند درختان و زید است و کلهای زمین
 و شکوفهها افریده شده است در زاد المعاد اول کسیکه بعربی
 تکلم نمود حضرت اسماعیل بود در حیدب السیر اما اکثر اهل
 تحقیق گفته اند اول من تکلم بالعربیة یعرب بن قحطان بن
 هود کائنات مؤلف گوید برار باب دانش مکشوف باد که
 تفریق بین الزواینین بدین طریق ممکن است که بگوئید
 اول کسیکه از اهل بنی بعربی تکلم نمود یعرب بن قحطان بود
 و اول کسیکه از متوطنان مکه بدان لغت سخن گفت اسمعیل
 ذبیح الله بود اول کسیکه دار کشید و قطع اعضا کرد خنکاک

مادر دوش بود فی اخبار الدول و اول کسیتکه متله کرد و کوش
 و بینی را برید و اول کسیت که نازیانه زد فی ناسخ التواریح
 و اول کسیتکه مال مردم را بظلم گرفت فی خزائن اول کسیکه
 طنبور بیاخت قوم لوط بودند اول کسیکه خندق ساخت
 منوچهر بن ایرج بود و هو اول من وضع الذهبنة وجعل لكل
 قرية دهقانا فی اخبار الدول اول کسیکه قرارداد نافله ما
 رمضان را بجماعت کند و بشهرها نوشت که چنین کنند
 و خانه رو به ثقفی را سوزانید که نبید میفر وخت عمر بود و اول
 کسیتکه عسی و شکر دی را اختیار کرد و اول کسیتکه
 نازیانه برای تادیب مردم مقرر کرد و می گفتند که نازیانه
 با عمر مهابتش بیشتر از شمشیر با حجاج بود و اول کسی بود که عمال
 خود را جریمه نمود و نصف اموال ایشان را گرفت و مسجد حضرت
 رسول را خراب کرد و زیاده کرد و از جمله آنچه داخل گردخانه
 عباس بود اول کسیکه سبحان الله گفت جبرئیل بود چون
 خدای تعالی را بیا فرید چشمش بر عظمت عرش افتاد گفت
 سبحان الله هر که بگوید ثواب جبرئیل یابد در بحر العافی
 اول کسیکه الحمد لله گفت آدم علی نبینا و اله و علیته
 بود و چون روح بقائب وی درآمد پر توان بر منظر دماغ
 افتاد آدم عطسه زد و گفت الحمد لله هر که بگوید از فضل
 آدمه نصیب یابد و اول کسیکه لا اله الا الله گفت نوح

نبی بود که چون طوفان از تور آمد و نظر نوح بر هیبت و شدت
آن بلا افتاد لا اله الا الله گفت هر که بگوید از ثواب نوح علی نبینا
واله وعلیه السلام هر یابد در بحر المعانی اول کسی که الله
اکبر گفت ابراهیم علیه السلام بود که چون حق تعالی کشتی فدای
اسماعیل فرستاد که فدیناه بذر حج عظیم و ابراهیم علیه السلام
کیش را دید گفت الله اکبر هر که بگوید از فیض ابراهیم قسمتی
بوی رسد اول کسی که لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
گفت حضرت رسالت بود که هر که بگوید شفاعت رسول الله
در یابد در بحر المعانی اول کسی که برای وی قرعه زدند
مریم بنت عمران بود اول کسی که بی واسطه از دست تعالی
با او سخن گفت حضرت موسی علی نبینا واله وعلیه السلام
بود که متکلم خدا شد اول کسی که مصافحه کرد در روی
زمین حضرت خلیل الرحمن و ذوالقرنین بودند چون مقابل
یکدیگر رسیدند و ابراهیم ملاقات کرد او را با او مصافحه
کرد در حیوة القلوب اول کسی که حجة اخراج املاک و ضبط
املاک جریدها و حساب مرتب داشت انوشیروان بن قبا
بود و اول کیت که درخت کل و مرزنجوش از بلاد روم به
ایران آورد و اول کیت که جوارش گونا فرمود ساختند
اول چیزی که قلم نوشت این بود انا التواب اتوب علی من تباب
اول عضوی از اعضا آدمی که خدا خلق کرد فرج بود ششم

قال هذا اما نتي عندك فلا تضعها الا في حقها اول قریه
که در زمین بنا شد قریه ثمانین بود که نوح بحی الله بنا کرد و وقتی
که بیرون آمد از کشتی و موسوم ساخت از این ثمانین خیراتین و
سمیت با اسم الثمانین و الذین كانوا معه في السفينة مؤلف
گوید از نزهة القلوب احمد الله مستوفی مدسوق ثمانین
دهمی بوده است در پای کون جودی که نوح پیغمبر بوقت آنکه
از طوفان خلاص شد ساخت و آن اول مقامی است که بر روی
زمین بعد از طوفان ساخته اند و اکنون خراب است اول
حائطی که بعد از طوفان بر روی زمین وضع کردید حائط خزان
دمشق بود فی تاریخ ابن عساکر اول کسی که تعیین ساعات
دوازده گانه را کرد نوح بود در کشتی از برای شناختن اوقات
نماز همچنانکه گفته است ابن عباس اول کسی که مسجد بنا کرد
عمار بن یاسر بود و در او نماز گذارد اول کسی که خطبه بر منبر
انشا کرد حضرت ابراهیم بود اول درختیکه نوح بعد از طوفان
غرس کرد شجره اس بود اول آیه که بر خاتم رسل نازل شد
بسم الله الرحمن الرحیم بود اول کلمه که حضرت رسول فرمود
و قتی که داخل مدینه شد اینست ایها الناس اجمعوا الطعام
وافشوا السلام وصلوا الارحام وصلوا باللیل والناس بیا
فادخلوا الجنة بسلام چنانکه این خبر از عبد الله بن سلام
رسیده است در روضات الجنات اول من اتخذ الخصال

لخاص خدمت معویة اول من جعل القضاة الاربعة من كل
مذهب قاضی القضاة الطاهر بيسر بن بمصر في سنة ثمان
وسبعين وست مائة ثم جعل ذلك في الشام وحلب اول
كسيكه حفظه كورن مجيد را ابو الاسود الدثلي بود بامر
عبد الملك بن مروان وقيل الحسن البصري اول من وضع
الهمزة والتشديد والروم والاشمام الخليل عليه السلام
اول كسيكه تصنيف كرد غريب القرآن را ابو عبيد معمر بن
المنثري بود كه اخذ كوده از اصلية نافع بن الأزرق از ابن عباس
واول كسيست كه تصنيف كرد غريب الحديث را وقيل النظر
بن شمیل اول كسيكه تصنيف كرد احكام قران را امام شافعي
بود اول من دون الحديث ابن شهاب الزهري كما ذكره المحقق
ابو التميمي اول من صنف فيه ورتبه على الابواب مالك اول
كسيكه در علم رجال سخن كرد شعبه بود اول كسيكه تكلم كرد
در مختلف الحديث وتصنيفي ساخت شافعي بود اول من
رتب انواعه ونوعه الأنواع المشهورة الآن بن الصلاح في
مختصره المشهورة اول كسيكه در مغازي تصنيف كرد
عروقه بن الزبير بود اول كسيكه اورا شاهنشاه نام گفتند
عبد المذول له ابو الشجاع قبا حشر بن حسن بن ال بويه
بود واول كسيكه بر منابر بغداد بعد از خليفه نام او
مذكور كرد بود اول كسيكه از نقباء دوازده كانه با حشر

رسالت بيعت كرد ابو الامام بود اول كسيكه علم نحو را با
ارشاد وافي امير المؤمنين عليه السلام نندوين فرمود بود
ظالم بن عمرو الدثلي البصري بود اول كسيكه از صحابه در روز
صفين بدرجه رفيعه شهادت رسيد ابو السجاح البجلي بود ابن
داود كويد عبد الله بن علي بن ابي شعبه الحلبي اول كسيست كه
از اصحاب حضرت امام جعفر الصادق عليه السلام كه در
فقه و حديث اماميه تصنيف فرمود اول كسيكه در فقه
تصنيف كرد ابو حنيفة بود اول كسي كه حديث كوفيان را در
بلد قم مندرج ساخت شيخ ابراهيم بن هاشم الكوفي الفنى بود
اول كسيكه از مجتهدين اماميه با مالك موافقت كرد در
انكه اب قليل تجرد ببلافات نجاست نجس نميشود حسن بن
علي بن ابي عقيل النعماني بود اول من فاس مرزبان بر آيه
ابليس اخرج ابو نعيم في الحلية اول كسيكه در علم كلام
تصنيف ساخت ابو حذيفة واصل بن عطاء المغزلي و
هو اول من ستمى معتزليا واول من قال الحق يعرف من جوده
اربعة كتاب مناطق وخبر مجتمع عليه وجه عقل واجماع من
امته اول من صنف في الأصول الفقه الشافعي بالاجماع
اول من وضع اللغة على الحروف الخليل بن احمد بن قيس
الأزدی البصري واول كسيستكه اختراع علم عروض كرد
وايزاميران شعر ساخت ومنشاء اختراع اوان بود كه

روزی در بصره در کوچه کاگران میگذشت از کوفتن کدین
ایشان اوازهای مختلف شنید و با خود گفت که از اینجا
اصلی را میتوان استنباط نمود که کسی بران سبقت نکرده
باشد انگاه عالم عرض را بر وجهی که در میان مردم شایع
وضع نمود کدانی تذکره عبدالله معتر اول کسیکه در ولایت
قرساکن شد سعد بن مالک بود در کتاب خلاصه الاقوال
علامه مسطور است که علی بن اسماعیل بن شعیب الاسدی
الکوفی البصری اول کسیست که بر قافوی علماء کلام در مذاهب
اهل بیت کرام تکلم نمود و دران علم تصنیفی فرمود اول من
قصده القصاید مهمل و قبل امرأة القیس اول من نظم
الشعر الفارسی ابو عباس بن جیود المروزی و این قول
سیوحی است مؤلف گوید دیده شد اول من قال الشعر
بلغه الفرس هو بهرام بن بهزاد المذنب و همیشه قال
من ان یلذمان و من انشیریکه نام من بهرام گوید و کینه و جمل
اول کسیکه زبان بختن و وزون بر کشاد هوشناک داور
پادشاه قدیر نجم بود در مجمع الفصحاء و قبل بالاول
منهم ابو جعفر بن حوض بن سعد بن عمر قندی کان فی سنة
ثلثمائة و الشعر هذا اهوی کوهی در دشت چکونه رود
بارقارونی چکونه رود اول کسیکه بواسطه خوابی که دیده
بود از مطالعه اهل کتب اهل سنت اجتناب ورزید و به

این آوازها را از بیابان شنید

بتحصيل علوم حکمت و کلام اشتغال نمود امیر صدرا الدین
محمد الدشتکی شیرازی زه بود اول کسیکه علم صرف را وضع
کرد ابو مسلم معاذ بن المسلم الطهری الکوفی بود و اینکه
شیخ کافجی گفته که واضع ان معاذ بن جبل بود خطاء است در
بحال المؤمنین اول شبهه که در عالم پیدا شد شبهه ابلیس
بود منشاء صدور ان استبداد بود برای خود در مقابله
نصر الهی و استکبار بر مآده افرینش خود که آتش بود بر مآده
افرینش آدم که کل بود حیث قال انا خیر منه خلقتی من نار
و خلقتی من طین مؤلف گوید از ائمه طاهرين مرویت
که فرمودند بچند و تعظیم بر آدم از جهت نور محمد و آل محمد
صلی الله علیه و آله اجمعین بوده همه ملائکه سجده کردند
و پیشانی مسکت بر زمین نهادند جز ابلیس کاند تکبر نمود
که خود را بر از او تصور نمود بفرمود ایند که ای بی ادب
چه باشد ترا زین تکبر برب بگستاخرین کار ناید خوشم
که آدم ز خاک و من از آتشم کجا خاک را بچند ز آتش خوشم
که آتش طبع خوشتر است پس بر عارفان معلوم شد شیخ
ادیب ارباب شاعر معاصر شیخ الزینیس خراسانی حائری گوید
تا که شد از تارکش تاج تبارک و اشرف قول که منابنی آدم شد
آدم را خطاب گشت مسجود ملائک آدم خاکی از انک
داشت اندر جبهه نور پاک ان و الاجناب ورنه بر آدم

صلوات در سجده و امر عجیب نور و انکه بند خاک آنه شی عجاب
و اینها اول شبهه که در مدلت محمدی علیه و اله شرافت
بالنقیات بطور و سید رفیع بن بطاخ معروف بود چه ام
نیز در مقابله نصر حضرت رسالت پناهی که ایقونی بدوات
و قرطاس اکتب لکم کتاب ان تفضلوا بعدی یغیاورید پیش من
دوات و کاغذ تا از برای شما چیزی بنویسم که اگر بان عمل کنید
هرگز گمراه نشوید اول من صنف فی البدیع و متاه بهد الام
عبد الله بن المعتز اول کسیکه تصنیف کرد در مدانی بیان
شیخ عبدالقاهر جرجانی اول کسیکه احداث کرد فلسفه و
حکمت دوم بود در زمان حضرت موسی اول من اشتهر بالفلسفه
و نسبة الیه الیکه فلوطوخی بمصر اول من تکلم فی الرياضات
و افرد علماء و فکید و س اول کسیکه حله را عمارت کرد و در
انجام نزول نمود امیر سیف الدوله صدقه بن منصور بن علی
بن مزید الاسک اول کسیکه قاهره مصر را احداث کرد جوهر
غلام معتز الدین الله علوی فاطمی اسماعیلی بود اول کسیکه
موصل را احداث نمود و زواید بن یوراسف نام داشت و
نام او در لسان فرس نوادر شیر بود این مقنع گویند که اول
شهریکه بعد از طوفان نوح بنا کردند و بانی آن معلوم نیست
اول کسیکه اخراج علم طب کرد از ساطط الیس بود از اهل
استخر در عهد اردو شیر بن دانا بوده اول کسیکه وضع کرد علم

طب را بقراط بود اول کسیکه تاریخ نهاد هجرت نبوی را
عمر بن الخطاب بود بمشورت مولای مقتیان امیر المؤمنین
علیه السلام در سال شانزدهم هجرت و هو اول من وضع اسم
الدیوان لدفتر یکتب فی اهل الحیش و اهل العطیه کافی القاموس
و کاتبه فوضع فیہ بعد ذلك فتمی اتباع الملوك و الامراء و الحکام
الدنیویه جمیعاً باهل دیوان اول کسیکه جرجان را بنا کرد
یزید بن مهلب بن صفه بود اول کسیکه از سادات غطا
موسویه در مشهد مقدس رضوی نقیب شد سید طاهر بود
و از آن وقت تا این زمان نقابت موسویه در نسل او باقیست
فی مجالس المؤمنین لولانا القاضی نور الله الحسینی الشریع
نور الله مرقد اول کسیکه در شهر مصر در ترتیب حالات و
مقامات اهل بلد سخن گفت ذوالنون مصری بود اول من
تغنی ابلیس ثم زمزم ثم حوا و رده فی الغر و س عن علی بن ابی
طالب علیه السلام و اول من دل علی ترکیب الافلاک و
قدر مسیر الکواکب و کشف عن وجوه ناشراتها و درین علم
ذکره الثعالبی فی لطائف المعارف قلت و فی اخبار الامامیه
ان اول من وضع علم الرمل و اخبر بالملاحم و کتب اختصار
السنة هو ادانیال علیه السلام اول من زاد فی الکتاب بعد
الحمد لله و اسئله ان یصلی علی محمد صلی الله علیه و اله کان
هرون الرشید اول کسیکه حکم بلغن اعدای اهل بیت

علانیه کرد خاتم المجتهدین شیخ علی بن عبد العال الکرمی
 قدس سره العالی و رساله لعنیه از مصنفات او است زیاده
 از بیست نفر اصحاب را اسم برده است و آن نسخه در نزد مؤلف
 موجود است اول ابی که در راه اسلام پی کردند اسب
 جعفر بن ابی طالب در مومنه بود چون بمجادله کرد و از مرکب
 پیاده شد اسب او را پی کردند در مجالس المؤمنین اول
 من اتخذ الدفاتر للحساب فی الدیوان خالد بن برمک فی
 ایام السفاح و کانت قبل ذلك تکتب فی ادرج اول من
 خلع علی من ولد من اهل الدوله الرشید خلع علی جعفر
 البرمکی حین ولده الوزارة اول من مات حتف انفه
 رسول الله صلعم سید اجل مرتضی زککاب مستفی این
 دو بیت را از عبد الله بن ابی سفیان بن حارث در مدح
 حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل نموده است
 و کان ولی الامر بعد محمد علی فی کل المواطن صاحب
 وصی رسول الله حقاً و جاره و اول من صلی و لدن جانب
 قال التیوطی اول من قال جعلت فداک ابن عمر قیل علی بن
 ابیطالب قلت و کلامه ذلک منزه فی مجالس مخاطبه مع
 رسول الله صلی الله علیه و آله کما نقل عن صاحب الکشاف
 اول کسیکه اجور انخته کرد هاشمان بود اول کسیکه انصار
 را بر خلافت سعد بن عباد داشت خرمیه بود که او گفته علی

علیه السلام در خانه ساکن شد بتقریر رسول خدا مشغول
 شد و قرشی دیگر لائق اینکار نیست شیخ ابو جعفر طوسی در
 کتاب امالی از قیس بن سعد روایت نموده قال سمعت علی بن
 ابیطالب علیه السلام یقول انا اول من یحتوی بین یدی الله
 عزوجل یوم القیمه المخصوصه بقی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
 که من اول کسی خواهم بود که نزد خدای تعالی جهت خصوصت مخالف
 خود را فو بر زمین خواهم زد در خبر است که مرد شامی خدمت
 علی را سؤال کرد از اول زنیکه دامن خود را بر زمین کشاند
 فرمود ها جر بود هنگامیکه فرا کرد از دست سار و سئل
 عن اول من جرد ذیل من الرجال قال قارون اول کسیکه
 نعلین پوشید ابراهیم بود در عیون اخبار الرضا اول کسی
 که از انصار در روز سقیفه با ابی بکر بیعت کرد بشر بن
 سعد بن ثعلبه المخرجمی الانصاری بود در تواریخ الامه
 اول کسیکه در شعب عقبه بحضرت رسالت بیعت کرد
 براء بن معرو و انصاری بود و اول کسیکه رو بکعبه
 نماز کرد و اول کسیکه بثلاث مال خود وصیت نمود اول
 سر که در اسلام از شهری بنهر بر برد سر عمر بن الحبحر
 انحرای ره بود که زیاد از قن جدا ساخت و بنزد معاویه
 فرستاد و اول کسیکه خواند در آخر خطبه ان الله یا امر
 بالعدل و الاحسان الخ عمر بن عبد العزیز بود اول کسی

كه قرائت كرد در آخر خطبه ان الله وملائكته انخم مهك عتبا
 بود اول كسيكه متناهي مرك كرد يوسف بنى بود قال السيوطي
 اول من نقل من قبر الى قبر على بن ابي طالب مقلت وهو باعقفا
 المخالف لما هو الحق والتحقيق ثم قال اول من اتخذ الكيميا
 قارون وهو ايضا اول من لبس الثياب المخور من اطال الثياب
 وتحتها كما ذكره الغالبى اول زنيكه رسول خدا تزويج كرد
 خديجه بنت خويلد بو اول از پسران ادم صفي الله قاسيل
 بود اول فتنه في بنى اسرائيل كانت في النساء اول قضيه
 ردت من قضاء رسول الله عارانية دعوة معاوية زياد اخرجه
 ابن عساكر عن سعيد بن المسيب وغيره واخرج عن عمرو بن نفجه
 قال اول ذل دخل على العرب فل الحسين عليه السلام و
 ادعاء زياد اول هاشمية ولدت هاشمية ولدت الهاشمي
 ام علي بن ابي طالب عليه السلام فاحمى بنت اسد اول من بنى
 البجن في الاسلام علي بن ابي طالب عليه السلام وكانت
 الخلفاء قبله يحبون في الديار اول من استخرج الحمر في زمن
 نوح النبي عليه السلام وهو اول من اتخذ الكلب للحرسه
 اول من اتخذ الجار بالجار والولى بالولى مروان بن الحكم
 اول ذنب عصه الله به الحسد اول من اتخذ السلاح وجاهد
 اسرق الرقيق ادريس علي نبينا واله وعليه السلام بو اول
 من قاتل في سبيل الله ابراهيم عليه السلام حبس لوط والرو

فخر ابراهيم حتى استنقذ ومنهم وهو اول من عمل الفنى كما عن
 ابن عباس وعنه ايضا اول من ركب الخيل اسماعيل وكانت
 قبل ذلك وحشا اول ما برقع من هذه الامة الحباء والاباء
 عن النبي انه قال في زينة المجالس ان اول من سجد الى ادم
 من الملائكة سجدة تحية اسرافيل فكتب الله على جبهته كل
 القرآن اول من اتخذ الجهم جان افريدون في كامل البهائي
 اول من ارتج عليه في الخطبة عثمان اول من خطب جالسا
 حين كثر شجره وعظم بطنه معاوية اول من استراح في الخطبة
 يوم الجمعة عثمان بن عفان في كتاب السيوطي وهو اول
 من خطب في العيد قبل الصلوة واول من فوض اخراج
 زكاهم اول غزوة غزاه رسول الله صلى الله عليه واله
 بنفسه غزوة ردان في صفر من السنة الثانية قبل بدرو
 لم يحصل منها طلاق قال الغزالي في كتاب احياء العلوم
 اول من سن دعوة المبتدعة بالمجادلة الى الحق علي بن ابي
 طالب عليه السلام وقد ناضرة المحدث في مناقبات
 القرآن في كتاب صراط المستقيم للشيخ نور الدين علي البيا
 رة قال رسول الله صلى الله عليه واله اول من ياكل من
 شجرة طوبى علي بن ابي طالب عليه السلام ايضا في قال
 علي حين بلغه انه يكذب علي من الكذب علي الله تعالى
 فاوّل من عبد ام علي رسول الله فانا اول من صدق ايضا

فيه عن سلمان قال النبي صلى الله عليه وآله أولكم ورودا على
 الخوض أولكم إسلاما علي بن أبي طالب عليه السلام أيضا
 فيه عن ابو ذر قال النبي صلى الله عليه وآله ما انت أول من آمن
 أيضا فيه عن زيد بن ارقم قال أول من صلى مع النبي صلى الله عليه وآله
 بن أبي طالب عليه السلام أيضا فيه قال خزيمة بن ابيات
 اذا سخن بايضا على فحسبناه ابو الحسن مما تخاف من الفتن
 الى قوله وأول من صلى مع الناس كلهم سوى خيرة النشوان
 والله ذو المنن أيضا فيه وقال كعب بن زهير حمد النبي وخير
 الناس كلهم فكل من واحد بالفهم مخور صلى الصلوة مع الله
 أولهم قبل العباد ورب الناس مكفور وقال ربيعة بن جابر
 عند البيعة ما كنت احسب الامر منصرف عن هاشم ثم عن ابي
 حسن البير أول من صلى لقبيلتهم واعلم الناس بالانارو
 التين الى قوله ما ذا الذي ردكم عنه فعلمه ها ان أول
 بيعتكم من أول الفتن أيضا فيه قال مالك بن عباد
 رايت عليا لال بيت قرنه اذا ما دعاه حاسرا ومن صلا
 هذا وفي الإسلام أول سلم وأول من صلى وصام دهلا
 وايضا فيه قال زفر بن زيد فحطوا عليا واحفظوه فانه وصي
 وفي الإسلام أول أول وقال فليس بن سعد بن عباد
 هذا علمه وابن عم العسفي أول من اجابه حين دعي ايضا
 فيه عن ام سلمة والله لقد سلم علي بن أبي طالب عليه السلام

أول الناس وما كان كافرا روى قتادة عن الحسن ان علي
 أول من آمن وهو ابن خمسة عشر سنة عن علي بن ابي طالب عليه السلام
 قال أول من بغى في الأرض وجاهر بالمعاصي استخذه الشيطان
 وحرفهم في وجوه التهر عنق امر عوج وكان قد انزل الله على ادم
 اسماء العظيمة تطيعها الشياطين وامر ان يدفنها الى حرامى
 لخر من بها فاعفلهما عنقا وسرقها واستخدمت بها الشيطان
 وتكلمت بشئ من الكهانة فدعا عليها ادم وامنت على ذلك
 حوا فامرسل الله اليها اسدا اعظم من الفيل فجم عليها
 وقتلها وذا لك بعد ولادتها عوج بسنين في كثر اللبيب
 لما حوذا الأديب الشيخ الفاضل احمد البغدادي دام عمره
 أول من عاقب بالنار امر القيس الثاني المعروف بالمحرق
 في كثر اللبيب أول من قال الموت دون الجمل الجمل عبد
 الرحمن بن عتاب بن اسيد بن ابي العاص بن امية وكان
 يقاتل يوم الجمل ويرتجز في التواريخ أول من قال من مال
 جعد وجعد غير محمود جعد بن الحصين الحضرمي في الجمع
 قال محمد بن كعب القرظي ان رسول الله صلى الله عليه وآله
 قال ان أول دخول الجنة لعبد اسود كذا في الجمع أول من
 قال الحديث ذو شجون جنة بن اذ بن طابحة بن الياس بن
 مضر قال المفضل أول من قال ان البلاء موكل بالمطق
 ابو بكر أول من قال ان البيع مرتخص وغال اجرة بن حلاج

الارسی سید یثرب اول من قال رب ذارع لنفسه حاصد سواه
 امر بن الصرب اول من قال رب رميته من غير دام المحكم بن عبد
 اليعوث المطري وكان ارمي اهل زمانه قال المفضل اول من
 قال ذكرني الطعن وكنت ناسيا زهيم خون الهلا الى اول من
 راي الحمية شيت بن ادم عليه السلام اول من جاهد سبيل
 ادريس عليه السلام وعن عايشة ان قال رسول الله صلى الله
 عليه واله وسلم اول من يلحقني منكن اطولكن باي فكننا نطاول
 بالأيدي حتى ماتت زينب بنت جحش فقلنا ما هذا الا من
 صدقها وكانت امرأة ذات صنعة بيدها اول كتي كفت
 اين مثل راغبتك غير من غيرك معن بن عطية مدحی بود
 بسبب انك در حوبی كه میان قبيله بنی مدح و قبيله ديكر از
 عرب واقع شده بود و برادر معن روق را با مهر بنی مدح
 اسير کرده و روق بحاق و بيعقل مشهور بود معن برفت و
 برادر خود را از ایشان درخواست و با خود بچی رسانید
 ایشان گفتند سید بنی مدح و شاعر ایشان از در دست
 خصم بگذاشتی و روق احمق را بجواستی معن گفت غثك خير
 من من غيرك در مناج و نفائس الفنون محمود الدلی خیر
 قليل و فضعت نفسه كويند اول كسيكه اين مثل را زود فاق
 بود زن مرقه الاسدي و او خوبترين زنان عرب بود چون بچين
 فاش شد اين مثل زد يعني اين حسن اندك چيزيست و نفس

من بدان رسوا شد في نفائس الفنون محمود الذيلي اول
 كسيكه اين مثل را كفت عيش و حيا ترى عجب امارت بن عباد
 بود و سبب ان بوده كه چون پير شد يكي از زنان او بدخوي
 آغاز كرد حارث او را طلاق داد مردی ديكر او را بجواست زن
 در مراعات ان مرد بغايت ميكوشيد و خوي نيك پيش می
 گرفت ان مرد پيش حارث نعت و شكر اين زن ميكفت حارث
 اين مثل زد في نفائس الفنون اول كسيكه اين سخن كفت رسول
 خدا صلى الله عليه واله بوده كه يا خيل الله اركبي اول كسيكه
 اين سخن را كفت ربيعة بن جواد الاسلي بوده كه ما جعل العبد
 كرتبه في جمع الامثال الكرمانی اول كسيكه اين سخن كفت اكثم
 بن صيفی بوده كه من استرعى الذئب ظلم في جمع الامثال اول
 كسيكه اين سخن كفت عامر بن الظرب بوده كه من طلب شيئا جدي
 اول كسيكه كفت من عزيز جابر بن رالان از بنی ثعلب بود اول
 كسيكه كفت من يشري سيفي وهذا اثره حوث بن ظالم بود اول
 كسيكه اين مثل بزد كه ما و راءك يا عظام حارث بن عمرو ملك
 كند بود از مالك عرب في تاريخ مناج جار الله الهلا الى اول
 كسيكه اين سخن كفت هذ تملك والبادي ظلم فرزدق شاعر
 بود اول كسيكه كفت العجب كل العجب بين جمادى و حبيب
 عاصم بن مقشر الضبي بود اول كسيكه كفت في الصيف صنعة
 اللبن قول بنت العبد بوده كه مال و منال بسيار داشت

از مرد خود طلاق گرفت و پشیمان شد میخواست که مرد رجوع
کند و شوهر او را میخواست برفت و شوهر دیگر ببرد و زوج اولی
را باز رغبتی تمام پیدا شد پیش زن فرستاد و اظهار تعلقی
کرد زن گفت انزکتی حتی اذا علقیت ایضاً کالظن انشاء
تطلب وصلنا فی النصف صفة اللین اول کسیکه گفت اسع
بجذک لا یبکک حاتم بن ابراهیم بود اول کسیکه گفت عنک
خداش بن حابس التیمی بود اول کسیکه گفت ذهب امس بمافی
خمنه بن عمرو البریعی بود اول کسی که این سخن گفت خیر قلیل
یفتحت نفسی زن ترا سدی بود که خوب ترا زوی در زنان
عرب نبوده و بحسن و جمال در جهان معروف گشت این مثل
بدان زد بگو حسن چیزی اندک است و نفس من مبارک بدان
رمواشد فی مناجح الطالبین اول کسیکه گفت علف تذکرة
خطیبه ام عتبه بود اول کسیکه گفت بواذ غیر فی زرع ابوالعباس
بود در تاریخ آمد که وقتی ابوالعباس از همدان با صنفهاری آمد
انفاقا آن روز که وارد شد کودکان چنانکه عادت ایشان
جنگ است سنگ بیکدیگر میزدند سنگی بر سر ابوالعباس
آمد بشکست اشناش داشت بی طلب کرد و نیافت با حالت
رنجور و مجبور با سر شکسته در گوشه مسجدی نشست و پایی
از خستگی راه آمده کرده بود و گرسنه هم بود بامیدانکه در آن
مسجد از امام بامام و مجال او که شوند هیچ افرید ملتفت

او نشد در انتظار طعام شب را بصبح به بخوابی گذرانید و از
غایه جوع او را میزد داشت روز دیگر برخواست و بنزد اشناش و همسایه
شناخت که وزیر مملکت بود از ابوالعباس پرسید که در کدام روز
بشهر درآمدی گفت فی یوم نحس مسمی گفت در کدام ساعت
گفت فی ساعة العسرة گفت کجا فرود آمدی گفت بواذ غیر فی زرع
ابوالمطلب را حسن جواب او خوش آمد و تمامت اسباب او را مهیا
داشت و مرتب فرمود اول کسیکه گفت العود حق بان میخورد
بن حابس تمیمی بود و حکایت او در کتب امثال معروف است که
پروزی رباب نام عاشق شد آخر به وصل او رسید فی ففاس در
حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز دو
شنبه در وازده شب از ربیع الاول گذشته بجانب مدینه
رفت و نصف النهار آن روز بود که بقبا آمد و در خانه
کلثوم بن هدم فرو آمد و تا روز جمعه آنجا اقامه فرمود
پس عزیمت مدینه کرد و در بنی سالم نماز جمعه گذاشت و آن
اول صلوة جمعه بود که در اسلام گذاشته شد در مناجح
اول کسیکه هجرت کرد برای دین ابراهیم بود کما قال الله تعالی
وَاتَى ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّهِ سَبْعَ مِائَةٍ رَجُلٍ مِنْ لَدُنْكَ رَحِمَةً
وَأَخْبَقَ بِالصَّالِحِينَ و مراد باین ذهاب هجرت یعنی از
دار کفر هجرت کنم و در راه رضای تو بیرون روم در مناجح
اول جماعتیکه بنی خلیل الرحمن بنج خانه خدا شناختند

اهالی یمن بودند و ایشان بیشتر و بیشتر حج ایند اول کسیکه
 ذره یافت داود علی نبینا و اله و علیه السلام بود چنانچه خداوند
 در قرآن مجید فرموده و عَلَّمَا مُحَمَّدًا بِدَلَاوَدَ وَ هَر ذَرَّةً رَا
 بچهار هزار درهم بفرختی و طعمه خود و عیال از آن در ارم مرتب
 داشتی و باقی را بصدقه دادی و هرگز ذخیره نهدادی و فقرا
 و مساکین را خوش داشتی در تاریخ و اول کیستکه زنبیل یافت
 و بعضی گویند سلیمان نبی بود در مروج الذهب للمعتمد الشیخی
 اول کسیکه در عرب برای میهمان ثرید شکست هاشم پدر
 عبدالمطلب بود در منا حج اول کسیکه مکه حنیفیه را تعمیر داد
 و احسان و او ثانی در حوالی کعبه بنیها و عمیر بن مجاز بود در آثار
 آمده که رسول خدا ص فرمود که شب معراج عمیر بن مجاز را دید
 که در میان آتش و وزخ او را می کشیدند پرسید که با تو
 و یگر کی هست گفت هر که متابعت من کرد تا ظهور نبوة تو بامن
 قرین خواهد بود در منا حج الطالبین اول کسیکه جمعه هدیه
 بیت الله شتران را قربانی کرد الیاس بن مضر بود فی تاریخ
 الطلالی و اول کیستکه بعد از طوفان نوح و هدم و بحوالی آثار
 کعبه ارکان آنرا پدید آورد و بر خلق ظاهر گردانید و اول
 کیستکه از اولاد آن مضر که بعله سل وفات کرد او بود
 اول کسیکه بعد از رسول وفات کرد و بدو پیوست زینب
 بنت جحش زوجه آن جناب بود اول کسیکه در سقیفه

باب ابو بکر سببیت کرد بشر بن سعد بود در ناسخ التواریخ است اول
 کسیکه حمل شد در اسلام و نقل از بلد ببلد دیگر شد سر محمد بن
 ابی بکر بود اگر صحیح باشد حملش بسوی معاویه مؤلف گوید
 در احادیث شیعه آن سر عمر بن الحق انحرای است که از
 اصحاب سید اوصیاء علی علیه السلام بود چنانچه گذشت
 اول کسیکه قبا پوشید سلیمان نبی علیه السلام بود اول
 کسیکه عمامه پوشید ذوالقرنین بود و تحقیق پوشید عمامه
 را از سبب قرینه اول کلمه که ابراهیم در وقت بانتر رفتن
 میفرمود حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ اول کسیکه بعد از مرگ
 سخن گفت هارون وصی موسی بود چون هارون رفت
 یافت بنی اسرائیل مقام ساختند موسی را که او هارون را
 گشته است زیرا که میل ایشان بسوی هارون بیشتر بود پس
 خدا املهار بر ائمه حضرت نمود آنکه امر فرمود ملائکه را
 که هارون را مرده آوردند و بر مجالس بنی اسرائیل گردانیدند
 و گفتند که خود مرده است و موسی بری است از کشتن او این
 وجه از حضرت سید الوصیین امیر المؤمنین علیه السلام
 منقول است و در روایت دیگر آنستکه موسی بر سر قبر هارون
 آمد و نداد در داد و هارون بامر حق تعالی از قبر بیرون آمد
 و گفت که موسی مرا نکشته است و باز بقبر برگشت و دیگر عمر
 نبی بود اول مجری که در حضرت رسول خدا ص ظاهر گشت سایه

انداختن ابو بود بر سران حضرت در حیوة القلوب اول کسب
کتاب یونانی را عربی کرد خالد بن یزید بن معاویه بود فی زهر
الربیع در حدیث است که چهار روز عید فطر و عید قرار داد
شد زیرا که از برای مسلمانان اجماعی است که جمع می شوند در
از روز پس حمد می کنند خدا را بر آنچه منت گذاشته است بر
ایشان و بجهت از روز اول سال است که در او اکل و شرب
حلال است بجهت آنکه اول سال زو اهل حق شهر رمضان
است که شهر رمضان اول شهر است نزد رسول خدا هم
چنانچه وارد شده است و در روایات و در تقویم المحسنین
فیض کاشی قدس سره تصنیفی که در اسلام شد خلافت است
و شیخ جلیل محمد بن شهر آشوب را در معالم العلماء که نسخه
از آن کتاب در نزد مؤلف هست از غالی شافعی نقل کرده است
که اول کتاب ابن جویج است در آثار و حروف التفسیر از
بهاهد و عطار در مکه پس کتاب محمد بن راشد صفائی در
پس کتاب موطاء مالک در مدینه پس جامع سفیان طوری
بعد فرمودند بلکه اصح از آنست که اول کتاب امیر المؤمنین
و بعد سلمان پس ابو ذر پس اصبع نباته پس عبدالله بن ابی
رائع پس صحیفه کامله و ابن جویج مذکور عبدالله بن
عبد العزیز بصیرت که در سال صد و پنجاه و پنج وفات
کرده و در کشف الظنون فی اسماء الکتب و الفنون دیده

شد است که از بعضی نقل که اول تصنیف سعید بن عروه
است که در شتر وفات کرد و بعضی گفته اند ربیع بن خبیع
است که در سال صد و شصت وفات کرد و بعد سفیان بن
بمینه و مالک بن انس در مدینه و عبدالله بن وهب در
مصر و معمر و عبدالرزاق در مین و سفیان ثوری و محمد بن
فضیل بن ذکوان در کوفه و حماد بن سلمه و روح بن عباد
در بصره و هشیم در واسط و عبدالله بن مبارک در خراسان
اول کسی که داخل خانه کعبه شد در زمان جاهلیت رسول
خدا بود که چون قریش کعبه را در جاهلیت غراب کردند
و خواستند بسازند نتوانستند پس در دل ایشان افتاد که
شخصی از ایشان گفت که هر يك از شما باید که پاکیزه ترین
سال خود بیاورد و بیاورد مال را که از قطع رحم یا حرام
دیگر بهرسانیده باشید چون چنین کردند مانع بر طرف شد
و متمکن گردیدند از ساختن آن پس شروع کردند در بناء
تا آنکه بموضع حجر رسیدند پس منارعه کردند که کلا
يك حجر را در جای خود نصب کنند تا اینکه نزدیک شد
که در میانه ایشان حرب قائم شود پس راضی شدند بحکم
هر که اول از در مسجد الحرام در آید پس اول کسی که داخل
شد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود چون
بزد ایشان آمد و حقیقت حال خود را بر عرض رسانیدند

حضرت امر کرد که جامه را پهن کردند و حجر را خود برداشت
و در میان جامه گذاشت و فرمود که رؤساء قبائل طرفهای
جامه را گرفته بلند کردند پس حضرت حجر را برداشت و در جا
خود گذاشت و حق تعالی او را باین کرامت مخصوص گردانید در
سبائك الذهب اصحاب حواریه گویند که اول روزیکشنبه
که اول دنیا است در عجائب المخلوقات اول کسیکه از اولاد آدم
نبی الله علیه السلام کتاب آموخت و م. م. نوع خط بنوشتی اردن
صدیع بود در مظاهر الانوار اول کسیکه چهار نائب بر
مسکون تعیین کرد که حکمت و شریعت او را رواج دادند در
نجاست اول زنیکه حائض گشت حواما در میان بود و آن
روز سه شنبه بود در عجائب المخلوقات اول کسیکه اختراع
کیوم کرد که موزمایت معروف کیون بود در فرزند
انجمن اراء مسطور است که در سفر ترکستان که به طلب
کیمبر و رفته بود و چند سال در آن بیابان میگشت و آن
موزه بود زیران چرم و روی آن ریشمان اکنون تکمیل یافته
مستادول است و بهترین آن کیوه بیکانی است و بیکان دهی
از اصفهان اول شهریکه در اراضی بلخ بنا گشت شهر پیشک
در تاریخ هرات اول کسیکه کافر شد و کفر ایجاد کرد شیطان
لعین بود در عیون اخبار الرضا اول کسیکه متلفظ شد به
کلمه لا اله الا الله برك بن عبد الله تمیمی بود در کتاب شرح النشا

مفید و موسوم بتجفہ سلیمانی مؤلف گوید که این برك نامش
حجاج است و کسی است که میخواست معاویه را بقتل برساند
و با ابن ملجم و عمر بن بحر هم عهد شدند در باب قتل ستم و قضا
انها مشهور است اول کسیکه پاریسی گفت پارس بن هوشنگ
بن سیامک پیشدادی بود در تاریخ در فرهنگ انجمن اراء
ناصری آمد اول کسی که کلاه درویشی ساخت که چندین
ترك دارد الشيخ صفی الدین شاه اسماعیل صفوی او رحمه الله
علیه بود که شاه اسماعیل صفوی مروج طریقه اشعی عشری
برای تمیز این طبقه از دیگران از ماهوت سرخ کلاه دوآزده
ترك دوختن فرموده بود و در هر ترکی نام یکی از ائمه اشعی عشری
دوخته و این اعلا خلقی و افسری بود که به بزرگان شیعی داده
شد است اول کسیکه در مکه کاغذ ساخت میکائیل نام
کشمیری بود و آن در سنه هشتاد و هشت هجری بود در فرهنگ
انجمن اراء اول کسیکه حضرت امام حسن عسکری جهنم و کالت
حضرت صاحب الامر علیه السلام منصوب ساخت عثمان
بن سعید العمري اول کسیکه با رسول الله ص در مسجد نماز
گذاشت امیر المؤمنین علیه السلام بود در خصائص النساء
اول کسیکه ختنه کرده شد از زنان هاجر مادر اسماعیل
بود که ساره او را ختنه نمود و این موسوم ماند در نزد مردم
در ماثر سلطان آمد اول پادشاهی که نام خلیفه را از

خطبه بپفکند ظاهر ذوالیمینین بود اول کسیکه قرشت
برای او ثابت شد مالک نضرت زیرا که قولش نقب نضرت
در نقاش الاخبار اول کسیکه در مجلس منصور دوانقی هلاک
شد عبدالله بن حسن بن حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام
اول سلاطین عباسیان ابوالعباس صفاح بود فی التواریخ
و در کتاب بضاعة الایمان آمده که معاویه هزار کس را بعلقه
دوستی امیر المؤمنین علیه السلام بقتل رسانید و اول کسی بود
که در میان صفا و مروه سواره سعی نمود و اول کسی بود که علامه
شراب خرمیکرد و ساز و سرور بان ملحق ساخت و میل بخورد
اکل و اباحه آن نمود و اول کسی بود که بحیله و مکر کتابت
نمود و اول کسی بود که سر مسلمانان برای وی بحدیه آوردند
و اول کسی بود که بر تخت سلطنت نشست و تشبه بکاسره
و فراغنه شد و اول کسی بود که بموت مسلمانان شهادت میکرد
چنانکه در تواریخ و سیر مطبوعه است که وقتی که خبر شهادت
امیر المؤمنین بنان ملعون رسید امر کرد که مردم شام بیست
و عشرت مشغول شدند و اول کسی بود که بامشکان بی اخذ
بخزیه حبلی کرد و اول کسی بود که بت فروخت و بت فروشی
برقرار نهاد و هر ساله چندین کشتی بت بطرف هندی
فرستاد که فروخته قیمت آنرا از قماش و متاع بیاورند
و از تجارت نام نهاد و چشم داشت ثواب هم داشت و اول

کوی بود

کسی بود که داسر مسلمانان بفروخت و اول کسی بود که خلافت را
در میراث نهاد و حواله در میراث نهاد و حواله بر پسر خود کرد
و اول کسی بود از پادشاهان اسلام که زندان ساخت و متهمین
در مسجد ساخت و خواجه سربان بخدمت خود تخصیص کرد و
اول کسی بود که نشسته میخواند بواسطه همین وعظم شکم بر پای
نمیوانست بایستد و اول کسی بود که جسد مسلم را در جوف
شکم خرموده گذاشت و سوزاند و اول کسیکه اخبار را بچهار
قسم منقسم ساخت احمد بن موسی بن طاووس بود پس علامه حلی
و پرامتاعت و وزید از علمای اعلام نیز همان طریق را مسلم
داشتند در روضات الجنات للسید العالم الفاضل المعاصر المیر
محمد باقر الموسوی الخوئاری مد ظله اول از علامات
ظهور خصار بن در و در کوفه است بحصار و خندق اول
جماعتی را که مختار بن ابی عبید ثقفی بدست آوردان ده
تنی بودند که خیل بر بدن شهادت تا خستند و در دند انجماعت
را پس حکم کرد که ایشان را بر پشت خوابانیدند و میخهای
اهن بر پشت و دستها و پاها و ایشان کوفتند و سواران
خود را گفت که بروی اجساد خیل ایشان تا خستند تا قطعه
قطعه شدند پس از این ایشان را با شش سوزانیدند و اول کسی
که با ابوبکر بیعت کرد شیطان ملعون بود و اول فرجی که از
بنی هاشم بقتل کوفته شد ام کلثوم بود دختر امیر المؤمنین

علی علیه السلام بود که عمر بن خطاب بزور خطبه کرد مؤلف گوید
 این مطلب را گواهی است فی الحدیث قال الصادق علیه السلام
 هو اول فرج غصب متانی کامل البهائی و غیره فاضلی رد
 کرده است و رساله رد موسوم بارغام انا ف المخصوصه است
 آنچه معلوم میشود از اخبار و تاریخ بدستاری عباس بنما
 رسید بعینه این عقد چون عقد سیه بنت مزاحم بود با فرعون
 اول کسیکه با امیر المؤمنین بیعت کرد طلحه و زبیر بودند
 و بعد بیعت را شکستند اول کسیکه غالی شد در حق اسد
 الغالب علی بن ابیطالب بی نصیری بود فی مفرج الاخبار
 اول کسیکه نماز بر پیغمبر گذارد خدای عز و جل در بالائی عز
 کبریائی خود پس از آن جبرئیل بعد میکائیل و اسرافیل و
 ملائکه مقربین و امیر المؤمنین علیه السلام اول دفعه که
 پیغمبر صلی الله علیه و آله بیعت امیر المؤمنین علیه السلام
 را از انصار و خلفاء گرفت در دارالندوه که موضع شوری
 بود دو مرد بیعت رضوان در زیر درخت در سال خدیجه
 سوم در روزیکه نشسته بود در خانه ام سلمه چهار مرد در غدیر
 خم اول کتابی که در حدیث ساخته اند موطاء مالک
 بود و شافعی گوید ما اعلم شیئا بعد کتاب الله احق من موطاء
 مالک اول کسیکه در علم و رایه تصنیف کرد ابن حجر مکی
 بود در روضات الجنات اول نامه های کلام الله المجد

قرآن است در نفائس الفنون اول کسیکه بسنک مقنن
 رسید و بحاصییت او علم بهر سانسید حکیم دانشمند با هو
 مستر کلین بود وی مردم جزیره العرب و بلغت عربی و تمام
 السن بر دم فرنگ عالم و صاحب عز مر بایند بود موجب
 فنون ریاضی و هندسی بطریق فرنگ است از مضاططین
 قطب نما ساخت و بجهات عالم را که یافت که در روشنی و
 تاریکی روز یا شب در دریای خشکی بهر سمت که خواسته باشند
 رسد و جهاز با این دستگاه و اسباب آن بخو یکروز و اج
 دارد از نتایج افکاران و حید عصراست در کتاب تحفه
 العالم سید عبد اللطیف خان نجل سید نعمه الله جزای
 شوشتری مؤلف گوید این حکیم جلیل اول کسیکه عالم
 دیگر را که او را بنکی دنیا و امریکا نامند ظاهر و اشکارا کرد
 اول کسیکه دست بیعت شاهی بهرام کورد را آورد خسر
 کسری بود که مدعی سلطنت بود در منتخب الحکایات
 اول کسیکه حضرت قائم آل محمد را شست رضوان خازن
 بهشت بود با جمعی از ملائکه مقربین که او را باب کوثر و
 سلسیل شستند بعد از آن شست او را حلیمه خوانون
 دختر حضرت امام محمد بن علی الرضا علیه السلام در نجف
 الثاقب العلامة التوری مد ظله اول کسیکه نسب آل
 ابی طالب را جمع کرد سید یحیی نقیبه است صاحب کتاب

انساب آل ابي طالب و از معروفين و رواة است و او جد عالم
جليل سيد حسن بن شاد قم مدني است في نجر النقيب
للفقيه النبية العالم العامل الكامل المولانا الجليل الحاج ميرزا
محمد حسين نوري طبرسي نور الله قلبه اول كشته كه از خون او
باز خواست ميشود بحسن در خون طيبه فرزند فاطمه زهرا
سلام الله عليها است در ساله شيخ عارف احمد انصاري اول
ايه كه در قال آمد اين بود فقارنا و اني سبي الله ان الله ينقذنا من
الحق في جواهر التفسير لا الحمد المذموم بحسن الكاشاني در دعاء
لعن الله الكفار العن اول ظالم ظالم حتى محمد و آل محمد و آخر
ما يعي له على ذلك اول كسيكه بقدر اسلام رفتار كرد
و عبد الرحمن بن حسان را محبت امير المؤمنين عليه السلام
بر و ايت ابن اثير و ابن خلدون زنده دفن كرد عبد الله بن زينا
بود و اول كسيكه ولايت عراقين كرد و اول كسيكه ست
علي بن ابي طالب عليه السلام را در عراقين تشيد و ترويج داد
پيغمبر اكرم فرمود يا علي اول كسيكه سر از زمين بر مي دارد
محمد است بعد تو و اول كسيكه پوشيد ميشود محمد است
بعد تو پس امير المؤمنين عليه السلام بر روي زمين افتاد و
سجد حق بجاي آورد و حمد كرد في مناقب موفق الدين الخوارزمي
الملكى اول كسيكه بجي ناميد شد بجي بن ذكوانا بود قال
الله تبارك و تم باذكري انا نبشرك بك بغلام اسمه ايمحى لم نجعل

له من قبل سمي اول نبي نبى الله بعد ادرين فوج عليه السلام
وهو اول نبي لنخت شريعة آدم على نبينا و اله و عليه السلام
وهو اول نذير من الشرك لاهل الارض وهو من اولوا العزم
وهو اول نبي عذبت الله بدعوتيه اول هاشمية ولد سبط
فاطمه بنت اسلام امير المؤمنين عليه السلام و جعفر و عقييل
و طالب اول من قال جعلت فداك على عليه السلام هذا روى
عمر بن عبد ود الى الرزمر و الحارثية يوم المحدث و لم يحبه
احد قال على عليه السلام جعلت فداك يا رسول الله انما
الى قال انه عمر بن عبد ود قال انا على بن ابي طالب فخرج اليه
فقتله فاخذ الناس منه اول من اخذ مال الناس بالظلم
القصاص اول من سمي عبد الملك في الاسلام عبد الملك
بن مروان اول من غزل حواغر لث صوف الضان تميم
ادم جنة نفسه و در عا و خارا الحوا اول من وضع البقول
في الخوان كخسر بن سياوش اول من عمل قصعة لشراب الله
والدين و نحوها قينان بن افوش بن شيب بن ادم قال الشيخ
جمال الدين بن النبابة اول من غنى على العود باحسان الفرس
النظر بن الحرث بن كلة اول من غنى في الاسلام باحسان الفرس
سعيد بن مسيح اول من اتخذ العود بطلبهوس الحكيم اول شبهة
وقعت في البرية شبهة ابليس لعنه الله و مصدرها الاستبداد
بالرى في مقابلة النص واختياره الهوى في مقابلة الامر و

لاستكبارة بالمادة التي خلق منها وهي النار على ما دمر
عليه السلام وهو الطين أول من صلى الجمعة في البحرين بعد انجها
في الدولة المصطفوية المنتهية الى الشاه سلطان حسين المؤيد
الصفوي الحسيني الشيخ محمد بن الحسن رجل المعاني صلا والاصلا
منزلا كذا في تولوة البحرين وروضات الجنات وغيره أول من ترك
مطالعة احاديث العامة العمياء من هذه التسلسلة العلية
الذشنتكية واشتغل بتشديد قواعد الحكمة والكلام على سيا
ارباب البصير من طوائف الاسلام هو جناب العالم الحكيم
الأمير غياث الدين منصور بن الصدر الدين الحنفى الحسينى
الثيرازى الذشنتكى الأول صاحب مدرسة المنصورية بالثيراز
في حبيب التير وغيره أول من خلع عليه التواد العالم الصفى
السيد الرضى كذا في عمدة الطالب في انساب ال ابي طالب الأول
كسيكه مادرش دختر حضرت امام حسين است عبد الله
بن محض بن الحسن المثنى وفاطمة طاهره دختر سيد الشهداء
زوجه حسن المثنى بن الحسن المجهى عليه السلام سهر دآ
اول عبد الله المحض دوم ابراهيم الغمر قوم حسن و ابراهيم
غمر الحنفى الحسينى جد اجد مؤلف كتاب است و پير او اسمعيل
ديباج است و پير او ابراهيم ملقب بطباطباء است ونسب ابن
فقير بهى ورو واسطه ب حضرت امام ثاني حسن بن علي بن
ابي طالب عليهما السلام است واز سلاله طباطباء الحسن

الحسينى ميباشم بدین طریق شجره جمال الدين السيد محمد الحائر
مؤلف هذا الكتاب ابن السيد العلامة حسين الطباطبائي
اليزدي بن السيد مرتضى بن السيد احمد بن مير حسين بن
مير سامع بن مير غياث بن مير محمد مؤمن بن السيد نور الدين
بن السيد مراد بن الشاه اسد الله بن السيد جلال الدين امير
بن الحسن بن محمد الدين بن قوام الدين بن اسماعيل بن عباد
بن ابي المكارم بن عباد النسابة بن طاهر المدفون بالخوزستان
بن ابي الحسين علي الشاعر بن ابي الحسن محمد الشاه الاصغر بن
المتوفى سنة اثنين وعشرين وثلاث مائة بن احمد بن ابي
جعفر محمد بن ابي عبد الله احمد الرئيس بن ابراهيم الملقب
بطباطباء بن اسماعيل الديباج الاصغر المكنى بابي ابراهيم
الملقب بالشريف المخلص بن ابراهيم الغمر المتوفى مع اخيه
عبد الله المحض وجمع من السادة في حلب المنصور بن حسن
المثنى بن الامام المجهى سبط المصطفى ابي محمد الحسن بن الامام
ابي الائمة امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليهم السلام اول
كسيكه مادرش دختر امام حسن است امام محمد باقر فرزند
امام زين العابدين عليهما السلام ميباشد اول بنايكة در
ولايت خراسان واقع كشت قصبة فوشنج است در روضة
الصفاء اول بقعة كه در خراسان ساخته و پر داخته شد
قلعه شميرانست در روضة الصفاء اول كسيكه امر كرد در

را بخت کردن ابراهیم خلیل بود چنانکه در حیوة القلوب
 منقوش است اول کسیکه سعی صفا و مروه را سواره کرد و معانی
 بود و اول کسیت که میل بخوردن کل کرد و انرا حلال دانست
 فی تذکرة الأئمة اول کسیکه بثلث مال وصیت کرد براء
 بن معرو و زانضاری بود و اول کسیت که وصیت در قبر
 بجانب قبله قرار داده شود و اول کسیکه در استنجا استسما
 آب نمود و اول الآیات طلوع الشمس من مغربها مؤلف گوید
 اول آیات قیامت است که پیش از نفع صور واقع می شود و اول
 کسیکه اقرار بر بوبیت کرد در وقتیکه خدا فرمود اَللّٰهُ بِرَبِّکُمْ
 حضرت رسول خدا بود در علل الشرایع از حضرت امام جعفر
 جعفر الصادق علیه السلام روایت شد که فرمودند از حضرت
 پیغمبر پرسیدند که بچه سبب سبقت گرفت بر پیغمبران و
 از همه بهتر شدی و حال آنکه بعد از همه مبعوث شدی و فرمود
 که زیرا که اول کسی بودم که اقرار بر پروردگار خود کردم و اول
 کسیکه جواب گفت در وقتیکه حق نعم میثاق و پیمان گرفت
 از همه پیغمبران و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای ایشان که
 گفت اَللّٰهُ بِرَبِّکُمْ ایا نیستیم من پروردگار شما گفتند بلی پس
 اول پیغمبر که بلی گفت من بودم پس سبقت گرفت بر ایشان
 در اقرار بخدا اول کسیکه و سه ساخت همامان بود بجهت
 فرعون کفان و سه را بموی خود خضاب کرد سیاه شد

و فریب خورد فرعون از همامان فی تواریخ و زبدة ابتدا و سه
 در زمان فرعون بود بر وز و ظهورش از سارود و غار و ده که
 دو برادر بودند کردید تعلیم نمودند جماعتی را در خبری ۱۲
 هزار الهی هزار نوشته اند فی تواریخ السیر اول رسولیکه
 امت بدعای او هلاک شدند نوح علیه السلام بود در
 روضه الصفا اول نعم طیب ولادت است در معانی الخبا
 من ولایت از حضرت رسول خدا که فرمود من احبنا اهل
 البيت فلیحمد الله اول النعم قیل وما اول النعم قال طیب
 الولادة ولا یحبنا الا من طاب ولادته ولا یغضنا الا من
 خبث ولادته اول بقعة که خدا را بر روی آن عبادت
 نمودند دشت کوفه بود که غری باشد از حضرت علی بن
 ابیطالب منقول است که اول بقعة که خدا را بر روی آن
 عبادت کردند دشت کوفه بود که نجف اشرف باشد چون
 خدا امر کرد ملائکه را که آدم را سجده کنند در آنجا سجده کردند
 در حیوة القلوب و اعتقاد شیخ عارف احمد احسانی آنست که
 جنت اول موجود است چنانچه در شرح و معنی حدیث و
 روح القدس فی جنان الصاغوره ذاق من حلا ثقتنا الباکور
 الخ رجوع نمایند و اعتقاد من بنده آنست که جنت و هر چه در
 او است از برکت نور حضرت سید الشهداء خلق شد است
 محمد بن جبر طبری گوید اول کسیکه با امام حسن علیه السلام

بیعت کرد قیس بن سعد بن عباد خرورجی انصاری بود
و گفت با تو بیعت میکنم بحکم خدا و سنت پیغمبر خدا و جهاد
با دشمنان خدا حضرت امام حسن فرمود بیعت کن بحکم
خدا و سنت رسول کذا فی تاریخ اول کسیکه از اولاد علی بن
ابیطالب است که در زمان عباسیان حاکم مکه و مدینه شد
عبدالله بن حسن بن عبدالله بن فضل بن عباس بن علی
بن ابیطالب است بود فی نقاش الفنون اتلی اول ما کتب الله
فی اللوح المحفوظ انی انا الله لا اله الا هو انا من رضى عنه
والذ فانما من راض ومن سخط علیه والذ فانما علیه سخط
فی مصابیح القلوب قال الخواجه استم ان اول الفرائض بعد
معرفة الله ثم الصلوة واول ما يحاسب به العبد الصلوة فان
قبلت قبل ما سواها وان ردت ردت ما سواها فی مصابیح القلوب
اول خليفة من نبي هاشم علی بن ابیطالب علیه السلام فی
سبائك الذهب اول کسیکه دعوی حضرت نبوی را آنجا
کرد شاه مردان و شیریزدان بود گفت که خدمت را از آن
بر میان بسته ام تا هر چه فرمائی بدان قیام نمائیم
من کربستم بجان ایستادم منتظر تا چه فرمائی تو ایستاده ای بجانم ان کنتم
و در جائی آورده چون در ایمان بر همه سابق بود که سبقتکم
الاسلام طبرانی استادم منتظر تا چه فرمائی او ان حلی در مصابیح خواجه
صلی الله علیه و اله فرمود که میدانید اول کسیکه در هشت

رود که باشد گفتند خدا و رسولش عالم ترند گفت درویشان
مهاجر که فقرهای مسلمانان بد عا و ایشان دفع کردند و
مصابیح القلوب در خبر است که سید رسول چون از سفری
سراجعت میفرمود اول بخانه فاطمه زهراء سلام الله علیها
رفته از او تفحص احوال میکردند خداوند در شب معراج
بجانبش محمد فرمود یا محمد علی اول من اخذت میثاقه من
الاوصیاء و علی اخر من اقبض روحه من الاوصیاء فی
مصابیح القلوب اول منزل من منازل الاخره و اخر منزل
من منازل الدنیا فی الخبر چون اسلام نوی شد جبرئیل
آمد که حق تم میفرماید که در هائیکه در مسجد گشاده اید
بر ارید جماعتی از اصحاب گفتند هانا این خطاب با ما نباشد
اول کسیکه سازان کرده که در بر او و علی بن ابیطالب
بود خواجه استم بحجیر فاطمه در آمد و علی استم را گفت ای
علی تو از منی و من از تو انت متی و انا منک اول من
امن بالبداء عبد المطلب اول ملوک برومیه خالیوس
فی ابن اثیر صیدانی در لغة الترد و الترید می نویسد فی
المحدثات اول من ترد الترید براهیم و اول من هشتم الترید
هاشم و بیان الفرق بینهما ان الترد و فی غیر الیاس و هشتم
فیه قال الجوهري هشتم کسر الیاس یقال هشتم الترید و یبر
سمی الهاشم فی ساری التامی اول زمینیکه خدای تعالی ما من

خلق قرار داد قبل از آنکه مکه را حرم خود کند زمین کربلا
 بود در تاریخ عسکری سیف ذی زن و فتنه حاضر مجلس
 عبدالمطلب شد عبدالمطلب گفت ای پادشاه دیشب
 در ریش تو مویهای سفید دیدم که امر و زنجیرین سفید
 من خضاب میکنم گویند او اول کسی بود که خضاب کرد در
 حوق القلوب اول کسی که وضع کرد و مرتب ساخت با اثر
 تواریخ ولادت و وفات را امیر عبدالحجواد رضوی بود در
 شهر در وفات یکی از عمر فقه هندوستان از آنوقت الی
 زماننا هذا معمول افتاده خاصه در نزد افاضل هندوستان
 ابوالصلت هروی گفت خدمت امام رضای عرض کردم
 که چون حضرت قائم شما خروج کند اول کاریکه میکند
 چیست فرمود اول کاریکه میکند قطع میکند دستها
 طائفه بنی شید را زیرا که ایشان دزدان خانه خدا
 هستند در عیون اخبار الرضا اول کسی که از درخت
 تخم گرفت و خاها را در فرمود ساختند هوشناک بود
 مناجح الطالبین اول کسی که از ملوک دعوی خدائی
 کرد جمشید بود در مناجح اول من یَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ سَلَامُ
 اللَّهُ عَلَیْهَا فی انوار الهدایة لملا حسن فاضل بزدی اول
 من بحق بالنبی فی الجنة من اهل بیت فاطمه سلام الله علیها
 فی انوار الهدایة لفاضل المذکور اول کسی که زیر جامه

پوشید ابراهیم نبی بود در افس العالم و در علل الشرایع
 از حضرت صادق علیه السلام مرویست که خداوند
 فرستاد بسوی ابراهیم که زمین شکایت دارد نزد من بجهت
 حیا از دیدن عورت تو پس قرار ده میان خود و میان او
 حجابی پس قرار داد چیزی که بزرگتر از جامه و پست تر از
 سراویل بود پس آنرا پوشید و آن تا از انوهایش بود مؤلف
 گوید که آنرا اینست که آن تنبان باشد که از زیر جامه کوتاه تر
 و از نوچه چهار انگشت تجاوز نکند و دید که امر ملاخان کشتی
 بجهت پوشیدن و بهمین سر عورت را میکند اول کسی که
 بیعت کرد با مسلم بن عقیل در کوفه مختار بود فی بیضة
 المجاهدین اول کسی که امر کرد بقطع دست فرعون بود
 و قتی که صحرا ایمان بوسی آوردند فرعون گفت سر آدم
 شما را و آن اینست لَا قُطْعَنَ اَیْدِیْکُمْ وَاَرْجُلُکُمْ مِنْ خِلَافِی
 وَلَا صَلْبُکُمْ اَجْمَعِیْنَ فی زبدة الصانف اول ما انزل القم
 علی آدم کان قدر بیض النعام و قیل له صد زرق و رزق
 نبیک قم فاحرق و از رع و لم تزل المحبة علی ذالک ثم نزل
 علی قدر بیض التجلج ثم الی الحمامة ثم الی التبدق و کان
 فی زمن عمر بن عبد العزیز علی قدر المحضرة فی حیوة الحيوان
 للدمیری و قال ایضاً اول من زرع حبة المحنطة آدم علی
 بنیسا و اله و علیه السلام و و فی الخبر ان الله تم انزل

علی آدم ثورا الحرا وبقرة حمراء فخرت لها فانا ه جبرئیل
 بثلاث حبات من الخنطة فدفعها آدم علیه السلام حتی
 صرنا قطعا ثم زرعها ونثرناها فنبث الثعیر فلما بقیت
 بالقرآن بالحرارة الخ قال بعض العرفاء منه شیخ عزیر النخعی
 قال رسول الله اول ما خلق الله العشق اول ايام عجموز
 بیست و ششم شباط باشد خدای تعالی قوم عاد را هلاک
 کرد عجموزی از ایشان بماند و برای ایشان نوحه کردی و مژیم
 کفکی بدلت سبب ان ايام را عجموز گویند و عجموز سبب لغت
 آخر را گویند و این ايام را بجهت ان عجموز گویند که آخر زمستان
 است و نوروز اول روزیست که آفتاب بروج حمل رسد
 و در انوار التغمیة در کیفیت ظهور امام عصر آورده که
 اول روزیست که در ان آفتاب طلوع کرد اول کسیکه
 پادشاه شد کیومرث بود چنانچه اشاره شد و کیومرث
 لفظی است سریانی بمعنای عربی حتی ناطق و بفارسی
 زندگویی باشد و بعضی کیومرزدانند کیومعنی بزرگ
 و مرز یعنی زمین و در روضه الصفاست چون قبل
 از قصدی او بر اسم ایالت و سروری انواع جور و تعدد
 و هرج و مرج و احوال ساکنان رجع مسکون راه یافت
 طائفة از عقلا و اشراف در باب دفع ظالم و بیدار اندیشه
 تمام بجای آوردند انتظام عالم و مشق و ترفیه احوال بنی

آدم را بوجود مدبری ذواقتدار و فرمان دهمی رفیع مقدار
 یافتند که ذات پسندید سمانش مجید و نصیبت و معدلت
 از استه بود تا طبقات رعایا ببل کافه برایا از اسب و قمر و اهل نمر
 و طغیان ساله ماند در مها و استراحت مرفه و اسود زندگانی کنند
 و استشاره قرعه اختیار بنام کیومرث افتاد و او چون بپایان
 اهل ملک و ملکت را در باب مطاوعه بایمان مولد گردانید
 و تاج شاهی بر سر نهاد و بر سر بر سلطنت متمکن گشت
 فردوسی گوید: نخستین خد یویکه کشور کشود آخ اول
 کسیکه در جاهلیت به خمس مال خود را در راه خدا داد عبد
 المطلب بود کذا فی حیوة القلوب ابن عباس گفت رسول
 خدا فرمود صدیقان امت سراندا اول جیب بخار دوم
 حرقیل سوم علی بن ابیطالب علیه السلام و علی افضل از
 همه صدیقان است در صواعق المحرقة ولی در بعضی از نسخ
 بنظر حقیر این طور رسیده است سیاق الامم ثلاثة الکفر
 بالاله طرفه عین علی بن ابیطالب و صاحب یاسین و مؤمن
 ال فرعون و هم الصدیقون و علی افضلهم شیخ در امالی
 پسند خود از قیس بن سعد بن عباد و روایت کرده که از
 حضرت علی بن ابیطالب شنیدم که فرمود انا اول من یخاصم
 بین بدی الله عز وجل للمضومة یعنی اول کسی هستم که
 در روز قیامت برای خصومت زانو بر زمین خواهم زد و در

غاية المرام واول چیزیکه از اسباب شفاعت است و ظاهر
ظاهر بمجتمعی او و عمامه خون الوده شوهرش علی است در
جمع المعارف از عامه است در تفسیر ایه و من لیلم و حجه
الی الله و هو محسن الف بن مالک گوید این ایه در شان علی
نازل شد و اول کسی بود که بخدا ایمان آورد و هو مؤمن
مؤمن ذکره ابن شهر آشوب فی تصنیفه اول کسیکه ایمان
بر رسول خدا آورد و متابعت کرد از زنان خدیجه و از مردان
امیر المؤمنین علیه السلام بود فی سیر النبی و مناقب مرتضو
و جامع الاصول قال علی علیه السلام انا صلیت مع رسول
الله سبعة سنة قبل ان یسلم احد و یصلی احد اول کلمه که
بر لواء احد نوشته شد بسم الله الرحمن الرحیم بود بعد الحمد لله
رب العالمین بعد لا اله الا الله محمد رسول الله علیا
ولی الله اول مطر نزل من السماء فی یوم عاشورا و اول
رحمة نزلت فی یوم عاشورا فی غنیة الطالب الشیخ عبد القادر
انجر جانی فی مجلس فضیلة یوم عاشورا قال رسول الله
صلی الله علیه و آله وسلم اول من اتخذ علی بن ابیطالب
اخا من اهل السماء اسرافیل ثم میکائیل ثم جبرائیل و
من احبه منهم حمله العرش ثم رضوان خازن الجنة ثم
ملك الموت و ان ملك الموت یترقم علی محبت علی بن ابی
طالب علیه السلام کما یترقم علی الانبیاء یعنی اول

کسیکه

کسیکه گرفت علی بن ابی طالب را بر آدوی گرفت از
اهل آسمان اسرافیل است بعد از ان میکائیل پس از ان
جبرائیل و اول کسیکه دوست داشت علی را از اهل آسمان
حاملان عرشند و بعد از ان رضوان خازن بهشت بعد
عزرائیل و بدرستی که ملك الموت ترقم میکند بر انبیاء
در مناقب المرتضوی و قال علی فی خطبة الحمد لله الاول
فلائی قبله و الاخر فلائی بعد و الظاهر فلائی فوقه
و الباطن فلائی دونه فی نهج البلاغة از ابوذر غفاری
و سلمان فارسی مرویست که پیغمبر دست امیر را بدست
حق پرست خود گرفت و فرموده ان هذا اول من امن بی
و نیز از سلمان روایت شد است که ان سرور فرمود اول
هذه الامة ورد و اعلی الحوض و لها اسلاما علی بن ابیطالب
علیه السلام خیمه بن ثابت الانصاری در مدح علی علیه
سلفه میفرماید ما کنت احسب هذا الامر منصرفا بحسن مقام
منها عن ابی حسن الیسر اول من صلی بقیلتم و اعلم
الناس بالفرقان و التسن و یکی از فصحا ی عرب اشارت
بسبق اسلام امیرم موده میگوید قل لابن ملجم و
الافکار غالیة هدمت و ذالك الاسلام ارکانا رسول
خدا فرمود که ساعتی پیش از ان جبرائیل امین بر من نازل شد
و گفت انکثر تحقیقی در دست کن زیرا که عقیق اول سنگی

است که شهادت داد و اقرار کرد از برای خدا بر وحدانیت
 و از برای توبه و توبت و از برای علی بوصایت و از برای اولاد او
 بامامت و از برای شیعیان علی بدخول بهشت در غایت المرام
 از این معارفی در نص رسول بر علی قال البقی صلی الله علیه و
 آله یا علی انت اول المسلمین اسلاما و اول المؤمنین ایمانا
 سید اجل بحادث علامه بحرانی در غایت المرام نقل از ابن بابویه
 می نماید که وی بسند صحیح از حضرت صادق روایت کند یهود
 خدمت حضرت امیر المؤمنین آمد و عرض کرد مرا خبر ده از
 قول سنکی که بر روی زمین نهاده شد و از اول چشمه که از
 زمین جوشید و اول درختی که از زمین روئید فرمود ای
 یهودی اما اول آن سنکی که بر روی زمین نهاده شد شما
 می گوئید که آن سنکی است که در بیت المقدس است و دروغ
 گفته اید بلکه آن سنکی است که آدم از آن بهشت با خود فرود
 آورد و آن حجر الاسود است و در کعبه نصب نمود یهودی گفت
 راست گفتی و بنحدا قسم که آنچه گفتی بخط هر و ن و املاء حضرت
 موسی است و فرمود شما می گوئید اول چشمه که بر روی زمین
 جوشید و جاری شد چشمه بیت المقدس است و دروغ
 گفته اید آن چشمه زندکانست که یوشع بن نون ماهی
 شور را در آن چشمه شست و حضرت از آن آشامید و احدی
 از آن نیاشامد مگر آنکه غیر عرض کرد راست فرمودی و

عذافتم

بنحدا قسم که چنین یافته بخط هر و ن و املاء موسی مؤلف
 گوید این قصه چنان بود که اسکندر روز و آخرین بطلب آب
 حیوة با سپاه عظیم روانه شد تا اینکه بعد از زحمت بسیار چون
 خضر نبی بر مقدمه لشکر او بود و باب رسید از آب بخورد
 و اسکندر بحر و مرماند و شما می گوئید اول درختی که از زمین
 روئید درخت زیتون بود و دروغ گفته اید بلکه آن درخت
 خرما می عجو است که آدم از بهشت با خود آورد یهودی گفت
 راست گفتی بنحدا قسم بخط هر و ن و املاء موسی حاضر است
 مؤلف گوید عجو نخل خرما نیست بسیار خوب گویند
 در مدینه طیبه و نواحی آن از این درخت بسیار است و غیر
 مکر و میفرماید هر کس هفت عدد خرما می عجو هر روز
 تناول نماید از کزندگان و اسب زهرهای آنها درمان
 خواهد بود و جمعی از افاضل در کتب خود نوشته اند که مکر
 بجز به رسید است خوردن هر صباح از این خرما می عجو
 و فی القاموس الجوه بالبحر از التمر الحش و تمر بالمدینه و
 و در تفسیر الکتاب بر یکم و محمد بن یکم آن آمد اول میثاق
 ربوبیت را از انبیاء عموما گرفت و اینست که میفرماید
 وَاِذَا اخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ يَعْنِي يَادَاوُدَ اِيَّاكَ
 نَهَانِي وَاَكْهَرَ اَكْرِفْتُمْ اَزْ اَنْبِيَاءِ مِيثَاقِ اِيَّاكَ وَاَوْذَكَوْكَ
 هَر اَنْبِيَاءَ رَاْعُوْا بَعْدَ اَزْ اَنْبِيَاءِ سَلْسَلَةُ اَنْبِيَاءِ وَاَبِيَانِ

فرمود و نام برد که منک محمد یعنی پسر اربابان اخذ
 میثاق از تو کرد برای محمد خصوصا و رسول بر سایر انبیاء
 مقدم داشت اول پادشاهان عدالت گستر نو شیروان
 فرخنده سیر بود و در حقش کافی است که پیغمبر صلی الله
 علیه و آله فرمود و لدت فی زمن ملک العادل نو شیروان
 فی خلاصة التواریخ اول کسیکه نامه بستید الشهداء
 نوشت عمرو بن الحجاج بود اول کسیکه در کربلا شمشیر
 بردن مقدس حضرت ابی عبدالله الحسین نزد و بدست
 مطهران سرور و راجح روح نمود همین لعین ولد الزنا بود
 در کتاب حدائد السیوف و شدائد المحتوف از سید رضا
 حیدری یزدی اول کسیکه بعد از شهادت سید الشهداء
 احوام زیارت آن بزرگوار را بست و باین نعمت عظمی فائز
 گردید جابر بن عبدالله انصاری بود و در ریاض الشهداء
 اول کسیکه از اسرای اهل بیت وارد حرم رسول خدا شد
 زینب خواندن بود عرض کرد یا جد اکرمی هاشم نبودند
 من برهنه می شدم تا به بینی چکونه بدنم سیاه و مجروح آ
 و قصی اول کسی بود از اولاد کاند که پادشاه مکه کشت
 در مقام اقا محمد علی بهیهای اول من امن علی بن ابیطالب
 علیه السلام و این کلمه در اعداد مطابق است با علی بن
 ابیطالب اول کسیکه وضع کرد شطرنج را صمصمه بن

ظاهر الهندی بود و تاریخ این خلکان و برخی گویند واضع
 شطرنج ناموغ بن حام بن یافث بن نوح علیه السلام بوده است
 اول کسیکه وضع کرد زرد را در دوازده خانه اردشیر بن بابکر
 پادشاه فارس بود و از این جهت او را زرد شیر خوانند و تاریخ
 این خلکان اول کسیکه شراب را بصدق بفقراء داد این
 درید لغوی مشهور بود ابو منصور ازهری لغوی گفت
 سائلی از وی چیزی خواست ظرفی از شراب با و بداد یکی
 از غلامانش گفت شراب را بصدق میدهی در خمر سوطی
 در جواب غلام این ایه را خواند لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا
 مِمَّا تَحِبُّونَ وَ فی الحدیث پیغمبر اگر مفرمود یا علی خدای
 تعالی بمن عطا کرد هفت چیز را که تو بامن می باشی می
 فرماید یا علی اول کسی هستی که از قبر برخیزی بامن و اول
 کسی هستی که بر صراط بایستی بامن و اول کسی هستی که
 پوشانیده شوی از لباس بهشت بامن و اول کسی هستی
 که در علین ساکن شوی بامن و اول کسی هستی که از
 رهیق مختوم بیاشای بامن و اول کسیکه بنای شهر همدان
 کیومرث بود و اول پادشاهی که در میان فرزندان
 خویش خطبه انفقاد کرد و او بود و تاریخ معجم فضل الله
 اول کسیکه از وادی نجد اسب نجد و مادیا ن عربی فرستاد
 آوردند و در بیابان قراء دشتستان در ایل خود رها

کرد شیخ ناصر بن شهر حاکم بوشهر و مضافات و بحرین
و بنادر بود و آنچه اسب عربی معروف فارس میباشد
در شیراز و غیره از همان تخته است در وقت الصفه ناصر
صدایت رده اول کسیکه بجهت منصب قاضی القضاتی
ادای وجه قرازداد ابو العباس عبدالله بن حسن بن ابی
الثوارب بود در بغداد و بیست هزار درهم هر سال بدین
بداد و رایتام معزالدوله بن بویه در مستطم ناصر اول
کسیکه در واز طعن بر بجهت بن کشاد و فرقه ناجیه
امامیه اثنا عشریه را بدو قسم منقسم گردانید یکی
اخباری و دیگری بجهتدی ملا محمد امین استرآبادی
صاحب فوائد المذنبه بود در کتب رجال اول کسیکه
بر بامت قبر حضرت امام حسین علیه السلام آمد جابر
بن عبدالله انصاری با ال رسول و بنی هاشم آمدند
در یوم بسمه صفر سنه هجری بود چه خوب گفته شاعر
ز اثر اول جناب جابر است | جانفدای آنکه اول ز اثر است
اول کسیکه در مسجد سپه سالار که در طهران واقع و
بجامع سلطانی موسوم است بنماز جماعت ایستاد شیخ
جعفر الترمذی بود در مآثر الآثار در حدیث است که
حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند چون خداوند
ولایت و امامت و محبت ما خانواد طاهره را بر اسماءها

عرض کرد اول اسمان هفتم قبول کرد و چون بر زمینها عرض کرد
اول زمین کعبه قبول کرد و چون بگویند عرض کرد اول کوه
عقیق اقرار کرد اول کسیکه از سلسله جلیله خوانتون آباد
بمنصب رفیع امام جمعه نایل گردید السيد العالم میر محمد
حسین بن میر محمد صالح الحسینی الحائری خوانتون آبادی بن
بنیت المجلسی الثانی فی مآثر الآثار اول کسیکه از خانواد
علی علیه السلام بجهت استقبال امام زین العابدین و
مآثر زده کان از در واز مدینه بیرون رفت اقرالبنین
مادر حضرت عباس بود در تحفه الذاکرین اول کسیکه
از مدینه مشرفه رسول مهاجرت را قبول کرد و در کتب
فراهمان او در ورا بنما توطن فرمود و هم در انجا سعادت شهادت
یافت و در هزار آیه مد فون کشت سلطان بن احمد بن حسن
بن افطس بن علی الأصغر بن الإمام علی بن الحسین علیه السلام
بود در تاریخ شیخ جعفر توشتری رده در خصائص الحسینیه
در بیان اول مخلوقات میفرماید اول مخلوقات نور
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله میباشد یا نوران بزرگوار
یا نور سائر ائمه پس بجهت تقدیر میگوئیم بدو سنیکه اول
مخلوقات نور شریف حضرت حسین است بجهت اینکه
پیغمبر فرمود حسین منی و انا من حسین یعنی من از حسینم
و حسین از من است پس او اول مخلوقات است و اول آن

چیز است که صادر شد از اول و هر مخلوق و شیخ رئیس
معاصر حائری گوید صادر اول نبوی حضرت کر از اول
مصدری ممکن نبود افلاک را از هیچ باب در خبر آمد پس
از آنکه حبیب بن مظاهر سدی بجانب قبیله خود در
نواحی کربلا رفت و طلب یاری کرد بر وایت خصائص حسینی
مردی از بنی اسد از جای خود برجست که او را عبدالله بن
بشر می گفت و گفت منم اول کسی که اجابت نماید این دعوت
را پس از آن شروع بر جز خواندن نمود و در ثواب زیارت
زوار مقبول میانواحتیات در خصائص امام صادق علیه السلام
فرمود اول کسیکه زیارت فرمود بعد از شهادت حسین بن
و اذات ابد س خداوند علی اعلا است و این کنایه است
از توجیه خصوصیات الطاف کثیره الهیه با جناب بعد از آن
زیارت فرمود رسول خدا و عطا فرمود بوی کاسه آبی که
نکه داشته بود او را از برای شرف و سائل المحبتین فی رحمة
خصائص الحسین للفاضل المعاصر حاجی میرزا حسین
التبریزی منع الله المسلمين بطول بقائه اول کسیکه حسین
را بعد از دفن در آن نشاء زیارت کرد لذا انبیاء پیغمبر خدا خاتم
انبیاء و از اوصیاء علی و از ملائکه جبرئیل و بعد میکائیل
بعد اسرافیل و در خصائص الحسینیة آمده و اما اهل این
نشاء اول کسیکه زیارت نمودن سرور را بعد از دفن او

سید سجاده بود و حق که دفن نمودن جسم مطهر را بعد از
سه روز که بر روی خاک افتاده بود و ایضا در ثواب زیارت
در خصائص کان اول من یصالحه رسول الله و امیر المؤمنین
علیهما السلام و اول قطره من دمعه یغفر له بها کل خطیئة
اول من اتقل من الکوفه الی القم من السادات الرضویه
کان ابو جعفر موسی بن محمد بن علی الرضا علیهم السلام فی سنة
ست و خمسين و مائتين یعنی اول کسیکه از کوفه ببلد قم
از سادات رضویه منتقل شد ابو جعفر موسی پس محمد بن
علی الرضا بود در سال دویست و پنجاه و شش در مجلد
ثانی عشر بحار الانوار قال رسول الله صلی الله علیه و آله
ان اول من اشفع له من امتی اهل بیتی الا قرب فالأقرب
یعنی سید رسل فرمود که تحقق من اول شفاعت میکنم از
امت خود قرب اهل بیت خود مرا اقرب پس تا آخر حدیث در
کتاب ابن حجر المکی قال النبی لعلى ان اول اربعة یدخلون الجنة
انا و ائمتنا و الحسین و ذرارینا خلف ظهورنا و از و ابناء خلف
خلف ذرارینا و شیعتنا عن ایماننا و ثمانین یعنی فرمودن
حضرت ای علی اول چهارگانه که داخل بهشت شوند من
و تو و حسن و حسین میباشیم اما ذرّیه در عقب سر ما و زنا
مؤمنات مادر پشت سر آنها و شیعیان مادر جانب چپ
و راست ما باشند اول کسیکه اختراع کرد و در بین را

که در فرنگستان از چوب و شیشه سازند و از کوهستان هوار
 گران تر بمصرف رسانند حکیم عالیشان مستر کویر نکوس
 بود کذا فی تحفة العالم اول کسیکه مقام بر سر قبر حضرت
 سید الشهدا ملبساخت انجمن سواران جهان محمد بن ابراهیم
 بن مالتک اشتر مخفی بود در مونس الاخیار فی احوال المختار
 بلسان المحدثی للسید الجلیل محمد تقی الموسوی الهندی اول
 کسیکه سکه زد بدینهم و دینار غرور بن کغان بود فی عبود
 اخبار الرضا اول ضرب سکه که سلاطین مسلمانان از
 اسلامبول زدند در سنه صد و هفتاد هجری بود بوزن و
 عیار یکه خلفای بنی امیه در دمشق معمول داشته بودند
 در مستطلم ناصر اول کسیکه او را صوفی خواندند فریدون
 بود اول کسیکه امر کرد بقرامه سبز که علامت سیادت
 باشد ملک اشرف شعبان بن پادشاه مصر بود بدانکه در
 کتب اهل سنت و جماعت مسطور است ان هذه القامة المحضرة
 لیس لها فی الشرع والسنة ولا كانت فی الزمن القديم وانما
 حدثت سنة ثلاث و سبعین و سبعمائة بامر الملك الاشرف
 شعبان بن حسین مؤلف گوید اکنون که باینصددوسی و
 اوسال است که معمول افتاده و این سیر ممدوح و شایع
 کشته و منع آن مقدوح است و صاحب شرح الفیه مشهور
 بدراعی و بصیر که اندلیسی مولد است در شان عثمانی سادات

انشاد کرده جعلوا الابیاء الرسول علامة ان العلامة من
 من لم یسهر نور النبوة فی وسم و جوههم یعنی الترفیع عن الطران
 الاخضر و بعضی از افاضل نوشته اند پوشانید مامون
 عباسی را امام رضا علیه السلام را و امر کرد بان لباس سبز
 بنی هاشم که پوشند اول کسیکه تشکد ساخت و آتش
 پرستید قابیل بن آدم بود در تاریخ ابن اثیر و نیز در آن
 تاریخ آورده در احوال بولس بن لامک که کان اول من یکن
 القباب و در احوال تو بلین بن لامک گوید کان اول من
 ضرب بالرمح والصیخ و در احوال تو بلقین بن لامک گوید
 کان اول من عمل التماس و الحدید مؤلف گوید بولس
 و تو بلین و تو بلقین هر سه بن برادران نوح نبی الله بودند
 و ابن اثیر گوید ان اول من اتخذ الماراهی من ولد قابیل
 رجل یقال له ثوبال بن قابیل اتخذها فی زمان مهلائیل
 بن قینان اتخذ المرامیر و الطنابیر و الطبول و العیدان و
 المعارف فانهمک و لد قابیل فی التی و در احوال مهیار
 بن قینان گوید اول من بنی البناء و استخراج المعادن
 و ایضا فی انهم امراهل زمانه بان اتخذ المساجد اول عربی
 قسم لذلک و مثل حظ الانثی بن عمار بن خثیم فی در المعادن
 اول من سلب التواب عمرو بن یحیی اول من سن الدبیر
 مائة الأبل عبد المطلب اول ما یلقی به الارض من وجهه

الذوق وقيل اول ما يلقي الارض هوا بجملة والانف لا
الذوق اول من سماها جملة الانصار وذلك قبل قدوم
النبي صلى الله عليه وآله الى المدينة وقيل نزول سورة
الجمعة الخ في مشكلات العلوم التراقي قيل اول من سماه
جمعه كعب بن لوى لاجتماع الناس فيه اليه وهذا الرجل
اول من قال كلمة اما بعد اجمع الاطباء على ان القلب اول
عضو يتكون واخر عضو يكم وهو انه اول عضو يخفى
من اختراع القول بحجة اقامة الجمعة في زمان الغيبة
الشيخ حمزة سار الدبلي تلميذ سيد المرتضى والمفيد في
روضات الجنات وقال صاحب روضات الجنات مد
خله في ذكر شيخ الورع الامام خليل بن احمد الثموي و
ابوه احمد كان اول من سمي بهذا الاسم بعد رسول الله صلى
عليه وآله اول استرخاء اعضاء دماغ است اول كسيكه
مشرف ومستوفى قرار دادر اسب شاه كيانى بود كذافي
حبیب التیر اول پادشاهی که بکسر لقب یافت نوشیروان
بن قباد بود کذافي حبیب التیر اول کسيكه زن پدر خود را
بر ناکرفت شریوید بود عبدالله بن بسمارنی اول شخصی است
که در قبلتین نماز کرده و آخر صحابی است که در شام در گذشت
در منتظم ناصری اول پادشاه مسلمانان اسپانیا که خود
را خلیفه و امیر المؤمنین و الناصر لدين الله لقب داد عبدالله بن

سید پادشاه اسلامبول بود بهام چندی خلفاء علوی فرقیه
بود در منتظم اول پادشاهی که در ایالات شمالی فرانک
سکه زد امپراطور کانوت اعظم پادشاه انگلیس دینارک
و نرور بود و قبل از او طوائف دینمارک و سود و نور
معاملات خود را با شمش طلا و نقره می نمودند فی منتظم
اول کسیکه امر کرد در بغداد در اذان حتی علی خیر العمل
بگویند المستصر علوی بود اول علامات خروج قائم
الائم طلوع ستاره داود است که در آسمان دوام کند
و عالم هرج و مرج شود و مردم مختلف گردند در غایه
المرام ابن بابویه نقل کند که رسول خدا فرمود به علی
بن ابیطالب علیه السلام یا علی تو اول کسی هستی که بمن
ایمان آوردی و مرا تصدیق کردی و تو اول کسی هستی
که مراد را منبوت من اعانت نمودی و بادشمن من جنگ
کردی و تو اول کسی هستی که با من نماز گذاردی و خدای
عز و جل بعزت و جلال خود سو کند یاد کرده است که
از عقب صراط نکذرد مگر انکه برات ولایت تو و ولایت
ائم از اولاد تو با او باشد و تو اول کسی هستی که بر حوض
من وارد شوی و دوستان خود را از آن حوض سیراب
گردانی و دشمنان خود را از آن برانی و توفیق منی در
وقتی که بر بالای مقام محمود باز ایستم تا از تو طلب عتق

کند و توشفاعت ایشان کنی و تو اول کسی هستی که در آ
بهشت شوی و لوای من که لوای حمد باشد بدست تو
خواهد بود و آن لواء هفتاد و پنج شقه است و هر شقه
از آن بزرگتر از آفتاب و ماه و نور صاحب درخت طوبی
در بهشت اصل در خانه تو است و شاخهای آن در خانه
شیعیان تو است در غایه المرام رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود فاطمه سید زنان عالم است از اول
دنیا تا آخر دنیا و فاطمه اول کسی است که بمن ملحق خواهد
شد از اهل بیت من در حدیث است که پیغمبر روزی
جامه او خن پوشید بود اصحاب عرض کردند یا رسول الله
این جامه را که بشما داد فرمود و حق و صاحب سخا و
و امرت علم من و برادر من و اول مؤمنان در اسلام اول
نداشیکه امام عصر عجل الله فرجه میکند اینست الالعة
الله علی القوم الظالمین چنانچه پیغمبر خبر داده باصحا
که فرمودند ثواب او او از دهد در ماه رجب اول نذر
کند الالعة الله علی القوم الظالمین اول کوهی که اقرار
کرد بر امامت علی علیه السلام کوه عقب بود و روایتی که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود
یا علی تو اول کسی هستی که از قبر برخیزی با من و اول کسی
هستی که پوشانده شوی از لباس بهشت با من و قتی که من

پوشانده می شوم و اول کسی هستی که در عیبتن ساکن
بشوی با من و اول کسی هستی که از حق بخورم یا شای با من
اول کسی که خیاطت کرد جمشید بود مؤلف گوید چه بسیار
از باب اخبار اختلاف کرده اند و برخی بر آنند که یونس
بنی خیاطت می نمود و از این صفت از آن جناب است و
الله اعلم اول کسی که علم فراست را ظاهر نمود اقلیمون الحکیم
بود قالوا اهل البیت اقلیم الحکیم معروف با الفراسته و کان
یستدل علی اوصاف النفس و ملکاته با بالصوره و تناسل
المخلقة فارادوا اختیاره فی ذلك فعل تلامذة بقراط الحکیم
در صورت و اصورته علی لوح من عذیم و اتوه بها و قالوا تامل
فی هذه الصورة و احکم بما عندک من اوصاف صاحبها
فلما تامل فی دقائقها و تناسب اجزاءها قال صاحب
هذا الصورة صاحب خدعة و مکر و فسق و هو یحبت
الزنا فلما سمعوا ذلك ارادوا قتله و قالوا ایها الجاهل
انما اعلی اهل الارض واعد لهم و اتقیهم و خبرهم فی جمیع
الامور فقال انما سئلتهم عن علی و اخبرتهم به فرجعوا
الی بقراط و اخبروه بما قال فقال صدق الحکیم فی
جمیع ما قال و لکنی لما رايت قمی هذه الامور ترکتها و
حفظت نفسي عن مباشر مصلوة الطراویج التي هی من
بدع عمرکما اعترف به و لم ینکروها علی جمیع ترویجها و

هي المرة الواحدة من الراحة تسليمه من السلام وسميت
لذلك لانهم اول ما اجتمعوا عليها كانوا ايتريجون بين
تلميذين في كتاب الكشكول من تصنيفات العالم المعاصر
الحاج سيد علي الميبدى سلمه الله قيل ان اول من وضع
الكتاب العربي والترباني والكتب كلها ادم على نبينا و
اله وعليه السلام قبل موته بثلاثة مائة سنة كتبها في
الطين ثم طججه فلما اصاب الارض الفرق كل قوم كتابهم
فكتبوه فكان لاسماعيل بن ابراهيم عليهما السلام في كشكول
السيد المذكور قيل اول من وضع الخاتمة في يد اليسرى
جشيد فقتل له لم تترك اليمن مع اولي بالزينة فقال قد
تمت زينتها باليمن وقال اخواني ذلك لم يرزل اهل الفضل
بحر وما ولد لك كانت اليمن بخارة الشيعة في كشكول
السيد المذكور احمد بن محمد اهروي اول من صنف في
غريب الحديث وعرضه على عبد الله بن طاهر فاستقمه
في وفيات الاعيان اول من تكلم على مذهب الامامية
وصنف كتابا فيه الامام علي بن اسماعيل بن شعيب بن
يقيم بن يحيى ابو الحسن الميثمي الخ اول ظهار كان في الاسلام
ظهارا وليس بن صامت من المجادلة اول لعارج كان في
الاسلام لعان هلال بن امير مع زوجته قال رسول الله
صلى الله عليه واله يا انس اول من يدخل عليك من هذا

الباب امير المؤمنين وسيد المسلمين وقائد غير المجملين
وخاتم الوصيين قال انس مكث في نفسه اللهم اجعل
رجلا من الانصار اذا جاء على عليه السلام فقال من هذا
يا انس فقلت على عليه السلام فقام مسرورا مستبشرا
فاغتنقه وبمخ عرق وجهه بوجهي الخ في مطالب التناول
قال رسول الله انا سيد النبيين وعلى سيد الوصيين
وان اوصيائي بعدك اثنا عشر اولهم على عليه السلام واخوهم
قائمهم في مودة القربى شافعي قال اول من خاصم من هذا
الامة بين يدي الرب تعالى على عليه السلام ومعه
يعني اول كسيكه خصومت ازاين امته در قيامت نزد خدا
تعالى نمايد على عليه السلام بامعاويه ميا باشد در فردوس
الاخبار بغير فرموده امر امت برميان رفتاري قانراست
تا قيام مرگه او اول انكس باشد كه رخنه و خلل در
دين من بيندازد و از بني امية نامش بريد ميگويند در
فردوس الاخبار اول كسيكه سبقت گرفت بر تاختن سب
بر بدن امام حسين عليه السلام حسين بن نمير ملعون
بود در مصائب الزينبية شيخ عطار سني منعقب در
مدح خليفه اول كويد خواجه اول كه اول بار اوست
ثاني اثنين اذهما في النار اوست علامه بحلي رحمه الله
ميفرمايد كه حق تعالى خلق كرد خوار از زيادتي طيفت

آدم بر صورت او و خواب را بر او مستولی گردانید بود
 پس این را در خواب با و نماند و این خواب اول خوابی بود
 که در زمین دیدند پس بیدار شد و حواریان نزد سر خود دید
 پس حق تعالی وحی کرد که ای آدم کبست اینکه نزد تو نشسته است
 گفت آنست که در خواب بمن نمودی پس با و انس گرفت و
 نیز در کتاب مذکور نقل شده که از سلمان فارسی ره
 منقول است که چون حق تعالی خلق کرد آدم را اول چیزی
 که از او خلق کرد دیده های او بود پس نظر میکرد بکعبه و بدانش
 که چگونه مخلوق میشود و چون نزدیک شد که تمام شود
 هنوز با هایش تمام نشده بود خواست برخیزد نتوانست و
 لهذا حق تعالی میفرماید إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ غَافِلًا و نیز در
 همان کتاب از حضرت صادق علیه السلام مرویست که
 اول کسی که قیاس کرد شیطان بود قیاس کرد نفس خود
 را با آدم گفت مرا از آتش خلق کردی و آدم را از خاک خلق
 کردی اگر قیاس میکرد که آن جوهری را که روح آدم را از آن
 مخلوق شده با آتش هر آینه نور و روشنیش بیشتر از آتش بود
 قال رسول الله أول خلق الله يوم القيمة يكسر ابراهيم
 يکسی ثوبین ابیضین فی ابن جوزی قال یا علی ما املت
 اثر اول من یدعی به يوم القيمة انا فاقوم من بین العرش
 و یبار و یلبسون حلا خضرآء من الجنة ثم یدعی بالتین

بعضهم علی اثر بعض فقومون ساطین علی بین العرش و یبار
 و یلبسون حلا خضرآء من الجنة وان امتی اول من یدعی يوم
 القيمة للحساب ثم انت اول من یدعی بک لقربک منی و
 منزلک عندی و یدفع الیک لوائی و هو لواء الحمد فی ابن
 جوزی قال ابن عباس اول من شری نفسه ابتغاء مرضات الله
 علی بن ابیطالب ابن جوزی در خطبه امیر المؤمنین میفرماید
 اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّيَ أَوَّلَ مَنْ أَنَابَ وَ سَمِعَ وَ أَجَابَ أَرْعَبُ
 الْأَوَّلِ صُوفِي وَ أَوَّلِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْرَافِيلَ وَ أَوَّلِ حُسَيْنِ بْنِ
 صَفْوَانَ وَ أَوَّلِ أَبِي بَكْرٍ فَرَشِي مَعْرُوفٍ بَابِ ابْنِ الدُّنْيَا زَائِرُ
 أَوَّلِ جَنَابِ جَابِرٍ اسْتِ جَانِ فِدَائِي نَكَّةَ أَوَّلِ زَائِرَاتِ
 أَوَّلِ كَسِيكِهِ أَرْسَادَاتِ رَضْوِيَةِ بِقَمِ أَمْدِ أَبُو جَعْفَرٍ
 مُوسَى بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بُوَدَ دَر
 سَنَةِ دَوِيت وَ بِنِجَاهِ وَ شَشْ أَرْكَوْفَةِ بِقَمِ أَمْدِ وَ بِقَمِ مَقَامِ كُوفَةِ
 وَ بِوِيسْتِ بِرَقِعِ بَرُوي فَرُومِيكَ ذَائِقِي تَا نَكَاةِ كَعَرَبِ قَمِ
 بَدِ وَ بِخَامِ فَرَسَادِ نَدَكَةِ نَوْرِ أَرْجَاوَرْتِ وَ هَمِ سَائِكِي مَا
 بِبُرُونِ بَايَدِ كُورِ بِسِ ابْنِ جَعْفَرِ مُوسَى بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
 أَرْقَمِ بَكَاشَانِ رَفْتِ دَرِ كِتَابِ بَدِ رَشَعِ دَرِ أحوالِ ذَرْتِي
 مُوسَى مَبْرَقِ أَرْصَقَاتِ جَنَابِ عَمِّكَ الْعَلَمَاءِ الْعَامِلِينَ
 قَدَوَةِ الْفَقَهَاءِ الْكَامِلِينَ حَافِظِ الشَّرْعِيَةِ وَ فَخْرِ الشَّعْبِ
 ثَالِثِ مَجْلِسِينَ الْمَبَرِّينَ مِنْ كُلِّ شَيْخٍ مُوَلَانَا الْجَلِيلِ الْحَاجِّ مِيرَا

حسين التوري الطبري نور الله قلبه صاحب حقائق الارض
كويد اول خبري كه در وقت نزول آدم تناول فرمود جوز هند
است و اشاره باین آیه الم تر كيف ضرب الله مثلا كلمة طيبة
كثيرا طيبة اصلها ثابث وقرعها في السماء تؤتي اكلها كل حين
يا ذين ريتها و ابن مردويه از عبد الله بن عباس روایت كند
كه ابن عباس گفت در تفسير توتی اكلها كل حين ان درخت
جوز هند است مؤلف كويد جوز همان نارجيل معروف
است و ان درخت است شبيه بنخل خرما و بعد از هفت سال
از غرس ان كه گذشت ثمر خواهد داد و در جوف نارجيل ابی
شبيه شير است و بسیار خوش طعمی باشد و كويند عمر
درخت نارجيل صد سال است در لغت جوشن در قاموس
كويد و ذوالجوشن شرجيل بن فرط الاغور الصيماني لانه
اول عربي لبسه و شرجيل و الدشمراين است اول من
كتب في احكام القران هو قاسم بن اصبح بن محمد القرطبي
اللقبى الانصارى الاندلسى اول من نفع علم الحكمة و
اسقط مضيقها و قرر طلب اثبات المدعى و طريق التوجيه
ارسطاطاليس تلميذ افلاطون و كان قبله ياخذون الحكمة
تقليدا و لذا يقال له المعلم الاول و هو اول من استس
اساس المنطق و وضع علمه و خالف استاده و ابطال التنازع
و هو اول من وضع علم المجسطى و عرف حركات الافلاك

وسير الكواكب بالبراهين الهندسية و وضع الاطرلاب
و التقويم هو بطليموس الحكيم قال شايخ رسالة ابن زيدون
بطليموس صاحب كتاب المجسطى النبير و جبر انباء الاطرلاب
و كتاب القون الثمانية و غير ذلك و هو اول من شرح القول
على هيئات الفلك و اخرج علم الهندسة من القوة الى
الفعل و اكثر الروايات يقولون انه ثالث ملوك اليونان
بعد الاسكندر و بطليموس لقب ملوكهم و زال بعض بحققى
التاريخ بل هو رجل حكيم كان في زمن احد ملوك الروم
بعد اليونان في كشكول السيد العالم المعاصر على بن محمد
على الحسينى الميبدى اليرزدى سلمه الله تعالى من وضع
علم الطلسمات هو بليناس الحكيم اول من وضع الشطرنج
ناموغ بن حام بن يافث بن نوح عليه السلام اول من ابطال
الحمد الشرعى هو الارل و قيل اول الخلفاء من بنى امية
و هو معوية تكافى ربيع الابرار اول من اسام من علماء الحكمة
و الفلاسفة ابو نصر محمد بن احمد الفارابى الملقب بالمعلم
الثانى و هو اول من شرب الخمر و اتبع الشهوات بالحكمة
قال علي بن الجهمه اول شئى اكله آدم حين مضى الى الارض
الكثيرى في سجة المرجان اقول ان صاحب حصر الوسائل
اول ما اكل آدم من ثمار الارض حين مضى النبى و اقول
لا يخفى على الطبع التسليم اذ لا منافاة بين الاثرين لان التنازع

فی اولیتر اکلہ من ثمار الارض بخلاف الاول والتبق
ثم التدر اول کسیکہ مدفون شد در خاک بنحیف خبا
بن الامریت بود از اصحاب رسول خدا علی علیه السلام در
غزوات رسول خدا مانند بدر واحد حاضر بود و در غزوة
صفین و نهروان مورخین متفقند در رکاب امیر المؤمنین
حاضر بوده و چند سال در کوفه اقامت کرد و در اینجا و فائ
فرمود فی الخبر صلی علی علی علیه السلام و وقف علی قبره
وقال رحم الله خبا با اسم راغب و هاجر طاشا و عاش
بجاهد و ابلی فی جسمه احوالا و لا یضیع الله اجر من احسن
علا و شیخ ابو علی صاحب منتهی المقال و دیگران از ارباب
رجال در کتب رجالیه مرقوم داشته اند اول کسیکہ میثا
گرفت از مردم برای دیگری اول بود که بجهت ثانی گرفت
اول کسیکہ در عالم شعر گفت آدم صفی الله بود و سبب
ان بود که چون بفرمان رب الارباب ان مظهر پاک به
عالم خاک نزول فرمود ظلمت این زندان فانی بچشمش ناخوش
نمود کرد عالم بندامت میکردید و دنیا ظلمنا کویان جویان
خفوا کریم میبود و بعد از خلعت غفران بدیدار زوج و
بعد از ان بقدم اولاد کرام تسلی شد در ان حال هابیل
مظلوم را قایل میثوم بکشت و آدم را باز غربت و ندامت
نازه شد در ان حال بقتل هابیل و ندامت دنیا آدم

در موشیر فرزند شعر گفت و شیخ ابو علی سکویه معاصر شیخ
الرئیس بو علی سینا در کتاب اداب العرب و الفرس این
قصید را بدین مثنوی بیان میفرماید که قال الحسین بن
علی علیهما السلام کان ابی علیه السلام بالکوفه فی الجامع
اذ قام رجل من اهل الشام فقال یا امیر المؤمنین اتی سئلاک
عن اول من قال الشعر فقال علیه السلام آدم علیه السلام
قال و ما کان شعوره قال علیه السلام لما نزل من السماء فی
الارض فرأى ترابها و سعتها و هراها و قتل قابیل هابیل فقال
علیه السلام تغیرت البلاد و من علیها فوجه الارض مغیر
تغیر فی کل ذی لون و طعم
فوالسقا علی هابیل ابی
و جاوزنا عدو لیس بغنی
فاجابه ابلیس علیه اللعنه
و فی الفروع ضاق بك القبیح
و قلبك من ذی الدنیا مرج
الی ان فانک النخیر الراجح
یکفیک من جنان الخلد مرج
اول فتنه فی بنی اسرائیل کانت
فی النساء و عن النبی انه قال اول فریش هلاک اهل
بنی اخرجیه الطبرانی عن عمرو بن العاص اول من یکس
جله من النار ابلیس اول من یستظل فی ظل العرش

و قل بشاشه وجه الملیح
قتیل قد نضمته الضریح
لعین لا بموت فتسریح
تنوح علی البلاد و ساکنها
و کنت بها و زوجک فی قرار
فلم تنفک من کیک و مکری
فلولا رحمة الحبس ارضی

رجل انظر معسرا او محاسنه اول خبريکه از زن سوال نمايند
در روز قيامت از نماز او است و بعد از شورش وقتيکه
مرض جدری که ابله باشد ظاهر گشت عذاب الهی بود
بر قوم فرعون از انغماس الى حال باقی است و نيست ننی
که ابله بيرون نياورد اگر چه پير صد سال عمر باشد
اول زمانیکه اختراع ابله کوفی شد سنه احدى عشره
وما بين بعد الالف اول سکه که در اسلام زده شد
در سال هفتاد و پنج هجری بود و قبل از آن بود دينار بخط
رومی نقش می شد و بر درهم بخط فارسی بوده اول وقتی
که ظاهر شد شرب تن و تنباک و اساس خطب و قلیان
در سال هزار و دوازده هجری بود و در همان سال شاه
عباس صفوی اول در بلاد اذربايجان استیلا یافت
اول کسیکه علم باروت ساختن را و وضع قونبره در میان
فهاد یکی از علمای فلاسفه اسکندریه مصر بود در سال
چهارم هجری و در همان سال معویه بر سر شاهی در شام
مستقر گشت شیخ ابوبکر شیرازی گوید اول کسیکه از خرب
احد بکونخت عثمان بود در کامل البهائی اول زمان
که استعمال انفی شیوع یافت در اسلامبول در سال
هزار و پنجاه هجری بود اول من اختراع الخط البدیع الذی
ابن ابی خط الخط بعد ما کان المدار علی الخط الکوفی

هو الشيخ محمد بن علی بن مغلة الوزير في عصر المتوكل العباسي
وما بعد ثم اخذ في تجويد و تنقيح باقوت المستعصي الذي
هو من اقوان العلقم الوزير رایت صحيفه التجاريد بخطه الشريف
عند جناب العالم الفاضل الكامل الأديب الأريب للعصر
الشيخ على الخراساني الحائري الموطن الملقب بشيخ الرئيس دام
فضله اول من انقل النسخ الى خط الشيخ القليقي هو المير
على استاد المير عماد الحسيني المشهور الذي كان في عصر السلطان
شاه عباس الموسوي الثاني اول من خط المنكسر هو المولاي شيخ
الاصفهان اول من ابدع القشوف هو ابو ماشم الكوفي اول
من خلق راسه هو ابو نادم البصري عليه السلام اول حكيم
لازم باب الحكام هو ابو علي الرئيس وهو اول من كتب في
تفسير الحزن على ما هو الظاهر ابو الفضل محمد بن احمد الطبرسي
صاحب كتاب شامل وهو كتاب كبير مبسوط رایت نسخة
منه في سنة سبع و ثلثمائة بعد الالف في بيت احد الفضلاء
البصري وكان هذا الشيخ معاصر للشيخ ابو حامد الغزالي اول
من كتب في الملل والنحل المختلفة محمد الشيرازي و كتابه
المذكور طبع في بلاد مصر و ايران وهو الآن مشهور بين الخلق
والعام اول من خط بالعربي هر من از ابن مزة الانباري
و اول من نقل الخط الكوفي من الحيرة الى الحجاز هو حبيب بن
امية اول ما يوضع في الميزان الخلق الحسن عن ام الدرداء

هو الشيخ محمد بن علي بن مغلة الوزير في عصر المتوكل العباسي
وما بعد ثم اخذ في تجويد و تنقيح باقوت المستعصي الذي
هو من اقوان العلقم الوزير رایت صحيفه التجاريد بخطه الشريف
عند جناب العالم الفاضل الكامل الأديب الأريب للعصر
الشيخ على الخراساني الحائري الموطن الملقب بشيخ الرئيس دام
فضله اول من انقل النسخ الى خط الشيخ القليقي هو المير
على استاد المير عماد الحسيني المشهور الذي كان في عصر السلطان
شاه عباس الموسوي الثاني اول من خط المنكسر هو المولاي شيخ
الاصفهان اول من ابدع القشوف هو ابو ماشم الكوفي اول
من خلق راسه هو ابو نادم البصري عليه السلام اول حكيم
لازم باب الحكام هو ابو علي الرئيس وهو اول من كتب في
تفسير الحزن على ما هو الظاهر ابو الفضل محمد بن احمد الطبرسي
صاحب كتاب شامل وهو كتاب كبير مبسوط رایت نسخة
منه في سنة سبع و ثلثمائة بعد الالف في بيت احد الفضلاء
البصري وكان هذا الشيخ معاصر للشيخ ابو حامد الغزالي اول
من كتب في الملل والنحل المختلفة محمد الشيرازي و كتابه
المذكور طبع في بلاد مصر و ايران وهو الآن مشهور بين الخلق
والعام اول من خط بالعربي هر من از ابن مزة الانباري
و اول من نقل الخط الكوفي من الحيرة الى الحجاز هو حبيب بن
امية اول ما يوضع في الميزان الخلق الحسن عن ام الدرداء

مرفوعا اول ما يوضع في ميزان العبد نفقة على اهله
 اول ما يتكلم من الاوى فخذوه وكفنه اول من يدخل الجنة
 التاجر الصدوق عن ابي ذر مرفوعا اول طعام ياكلوه اهل
 الجنة زيادة كبد الحوت اول زمانيكه وضع كرده شد تاريخ
 فرستيد در سنه هجری بود و ابتداء تاريخ جلالی که معمول
 عليه مجتاهد حضرت است سنه بود و ابتداء تاريخ ايلخانی
 در سنه بود اول زمانيكه روزنامه نویسی مخترع گشت
 که بنویسند و باطراف جهان روانه دارند و اخبار عالم
 را بیکدیگر برسانند در ممالک اروپا در سال احد و خمین
 بعد الالف اول زمانيكه تلغراف مخترع شد و شیوع یافت
 سنه است و مائین بعد الالف بود اول زمانيكه کاغذ
 مخترع شد در مملکت ختاد در سال صد بعد از ولادت
 عیسی بن مریم در تاریخ انکلیسیه اول زمانيكه شراب
 انگور ساخته شد در مملکت جرمانیا در زمان دولت
 پادشاه رومه سیصد سال بعد از ولادت مسیح بن مریم
 در تاریخ انکلیسیه اول زمانيكه کاغذ از پنبه ساخته
 شد در سمرقند سنه ثمان و عشرین هجری بود اول زمانیکه
 که کاغذ را از چوب ساختند جماعت اعراب بودند در
 سنه تسع و ثمانین من الهجرة در تاریخ جهان شاهي اول
 از نیکه از لشکر امام حسین کشته شد و جبر و هب بن

عبدالله کلبی بود چون دید شوهرش مشغول جدال باشرار
 است عمو بدست گرفت و بجای شوهر جوانش آمد و میگفت
 فداك ابی و ابی قاتل دون الطیبین حرم رسول الله و
 چون شوهرش بادت برید کشته شد زن ببالینش آمد
 و خون از روی او پاک میکرد شمر اشاره بعلام خود غلام
 عمو را هنی بر سر او برد که سران زن شکافته شد و شهید
 گشت و بعد از آن مادر و هب بمجادله قدم نهاد پس از
 اینکه بروایت بخار سفر فرزند را برداشت و بعد از آن
 بسوی لشکر سپهر عدنان داخت و یکنفر را بان گشت پس
 عمو رخمیه برداشت بران گروه حمله کرد و نفر را گشت
 امام علیه السلام فرمود ارجعی یا ام و هب انت و ابک
 مع رسول الله فان الجهاد مرفوع عن النساء اول کسیکه
 احمد نامید شد خاتمه رسل محمد مصطفی صلی الله علیه و
 اله بود درخت باد بخان اول درختی است که شهادت
 بر ربوبیت رب و نبوت نبی و امامت ائمه اطهار کرد در
 سماء العالم اول کسیکه یوسف نامید شد یوسف بن
 یعقوب بود در خبر است که چون خداوند صورت
 انبیاء را بر آدم نمود وی ایشان را دید در آسمان ششم
 یوسف را باناج و جلال چنانچه در اخبار رسید دید
 عرض کرد خدایا این کیست نذر رسید که یکی از اولاد تو است

که در میان بر او حسد برند بجهت آنچه باو عطا نمایم
 عرض کرد آن چه باشد نذر سید ختی از حسن ادم او را
 در بر گرفت فرمود لا تاتف یا بنی وانت یوسف فی زبد
 انصاف مولانا حیدر اول مولودیکه در اسلام
 بدینیا آمد عبدالله بن زبیر بود اول کسیکه مرثیه
 گفت برای امام حسین علیه السلام بجا بود اول
 کتابیکه در شرح مزجی از امامیه نوشته شد شرح فصول
 خواجه است نسخه از آن دیده شد اول اذانی که بلال
 گفت بر کوه ابوقبیس بود در فتح مکه اول خداوندانکه
 میثاق گرفت و اول کسی که بلی گفت حجر الاسود بود از ائمه
 طاهریں روایت شد که خداوند و قتیکه اخذ میثاق
 کرد بر بوبیت خود و نبوت محمد مصطفی صلی الله علیه و اله
 و بوحایت علی علیه السلام تمام ملائکه صوامع جبروت
 و بار یافته کان عالم ملکوت بلورده افتادند اول کسیکه
 از ملائکه سرعت نمود باقرار باین میثاق حجر الاسود بود
 و از این جهت خدا او را اختیار کرد و میثاق را بدین او سپرد
 و حجر الاسود بیاید در روز قیامت و برای او باشد لسان
 ناطق و عین ناظر و شهادت دهد برای هر کس که با نمکان
 آمد و میثاق را حفظ نمود و حجر را از بهشت بیرون آورد
 تا اینکه ادم متذکر شود آنچه را که فراموش کرده از عهد

و میثاق و در وسائل و انوار العیانیه سید جزائی اول
 رایتیکه از کوفه بر باشد در ملافت امیر المؤمنین علیه السلام
 رایت ربیع بن خثیم بود اول خطبه پیغمبر برای مسلمین فرمود
 در سال اول هجرت بود در منتظم ناصر اول جزیه عجم
 در اسلام معالحه اهل حیره با خالد بن هزار در هجر
 در سنه یازده هجری در منتظم اول سر برده که در مینی
 زده شد سر برده عثمان بود که در سال ۲۹ هجرت کورد در
 اول مقصوده که در مدینه ساخته شد مقصوده مروان
 بن حکم بود در منتظم اول کلمه که امیر المؤمنین علیه السلام
 فرمود در نهج البلاغه فی بداء اول کلمه که ذکر یا گفت در
 وقتیکه منشار بر سرش نهادند این بود الحمد لله الواحد
 الاحد القمد فی تاریخ و قتیکه ادم مهبوط بر زمین نمود
 اول کلمه بزبان سریانی گفت فارسیتر اینست شکر توانا
 و اگر از عالم نور بند خلکی خود را بعاله خاک رسانید
 در تاریخ و قیل ان اول من تکلم بالعربیة ادم علیه السلام
 فی الجنة فی حل المشكلات فی المسائل المهمات اول
 من لقب بالصاحب من الوزراء اسماعیل بن عباد فی
 تاریخ ابوالفداء اول من ینتصر ملوک الروم هوشابور
 ذی الکناف فی ابن اثیر اول من بنا القبة علی الفاطمة
 زینب سلام الله علیها بنت امام الجواد اول من اتخذ

له العشر فاطمة عليها سلام الله أول من اتخذ الزايات الخليل أول من
 رمى في سبيل الله سعد بن أبي وقاص أول من كتب لعماد الحكيم
 في جعفریات أول من شهد في الإسلام بمجمع في جعفریات أول من ولد له
 عبد الله بن زبير في جعفریات أول من دفن في البقيع سعد
 بن زرارہ في جعفریات أول من ارتبط الفرس في سبيل الله
 المقداد في جعفریات أول من مسمي محمد نبيا صلى الله عليه
 وآله في جعفریات أول من سجد لله شكرا امير المؤمنين
 عليه السلام ليلة البيت واخبره لسلامة نفسه الشريف
 في جعفریات أول من تحل له الحق بهويته الذاتية السادية
 في المظاهر الكونية كلها وأول من جلع الله عليه صفاته
 الثبوتية الحقيقية من اولاد آدم عليه السلام بعد الفناء
 فيه والبقاء به ابراهيم الخليل عليه السلام درناخ
 آمد فیشاغورس اول کسیتکه در بقوال دهرتون
 وطبعون از امیر المؤمنین است که خداوند عرضه داد
 ولایت مرا بر طيور اول کسیکه از آنها قبول کرد باز سفید
 و قبره که نوعی است از عصافیر در نفاش الاخبار در
 خبر در سماء و العالم مجلد مجاور وایت کرده قبره مرغی
 است که هدیه برای حضرت سلیمان آورد هدیه او را
 قبول کرد و دست بر سر او کشید و از برای ایشان دعا
 کرد و از اثر دست انجناب کاکل بر سر آنها روئید شد

مؤلف

مؤلف گوید مناسب این خبر این اشعار وید شد
 جاشت سلیمان يوم العيد ^{میر} انت بفخر جرادکان فی فیها
 ترنمت بفتح القول واعتدلت ان الهدایا علی مقدار هدیها
 و نیز بفارسی انشاد بجهة تحف بجانب بزرگان
 لا یق نبود قطره بعمان بردن خار و خس صحرای گلستان بردن
 اما چکم که رسم موران باشد پای ملخی نزد سلیمان بردن
 و ایضا علی علیه السلام فرمود که اول مرغیکه از اینها انکار
 نمود بوم و عنقا بودند اما بوم از صفت او اینست که در روز
 ظاهر نمیشود بجهة عدالت سائر طيور با او و اما عنقا پس
 او میان دریا پنهان می شود اول کسیکه در عقاید
 حق امامیه تصنیفی نمود شیخ جلیل خواجه نصیر المله
 والذین محمد بن الحسن الطوسی بود کتاب تجرید در معرفه
 و توحید نام نهاده یقول صاحب کافی الکفات فی مدح
 علی علیه السلام حاله حاله هرون لوسی فافهاها
 اعلى حب علی لا من القوم سفاهها اول الناس صلوة
 جعل النجوم حلاها ردت الشمس علیه بعد ما غابتها
 در ذکر فاطمه بنت اسد ابن جوزی گوید قال اهل السیر
 اول هاشمیه ولدت خلیفه هاشمیه و لا یعرف خلیفه
 ابو ام هاشمیان سوی امیر المؤمنین علیه السلام و همی اول
 امراة هاجرت عن مکه الى المدينة ماشية حافية و هي

رسول ص مسلمین رسید خبر قتل ذوالنهار سهله بن کعب
بن عوف بود فی منتظم اول کسیکه امر فرمود هر دو تن بر
سر یک ظرف طعام بنشینند حضرت یوسف علی نبینا
واله وعلیه السلام بود چه در توارنج آمد باز ده برادر او
چون بر سفره ضیافت نشستند و هر دو تن بر سر یک ظرف طعام
بن بامین تنها بماند حضرت یوسف علیه السلام که با بنی
از یات مادر بودند بر سر ظرف طعام در جنب او بنیشت
اول کسیکه بال و پر ترتیب داد و بهو اطیران نمود ارسطو
طالین حکیم بود و اکنون از باب صنایع فرنگ ساخته اند
اول ظهاریکه در اسلام واقع شد قصه اوس بن صامت
است باز وجه اثر خوله بنت خویلد یا بنت ثعلبه و این
قصه چنانست که اوس خواست رفتی با او نزدیکی کند
زن قبول نمیکرد اوس در غضب شد گفت بزنی خود ات
علی کظهر ای تو بر من چون پشت مادر منی و این طلاق
جاهلیت بوده پس نادام شد اوس بزنی گفت کان نمیکند
که تو حلال باشی از برای من پس گفت بر و از پیغمبر صلی الله
علیه و الهه سوال کن زن بخد مت پیغمبر آمد و حکایت
خود را عرض کرد رسول خدا فرمود تو حرامی بر او زن
صحیح زدن و ناله کشید و عرض کرد بار پروردگار ای فرست
بر زبان پیغمبر خود چیز بر اعایشه سر پیغمبر داشت و شوی

داد در آن حال وحی آمد و آیه ظهار قد سمع الله قول الله
تجادلک فی زوجهما نازل شد رسول طلبید اوس را پس فرمود
می توانی از ادکنی غلامی را عرض کرد قوه ندارم فرمود و
ماه پی در پی روزی بدار عرض کرد من پیرو ناتوانم اگر روزی
سه مرتبه طعام نخورم بدینائی من تمام میشود فرمود میتوانی
شصت مسکین طعام بدی عرض کرد نه حضرت فرمود
اعانت کنم تو را بپانزده صاع عرض کرد خدا و رسول میداد
که افقرا من در میان مکه و مدینه نیست فضیلت رسول
الله و قال اذهب الی اهلك اوس خوش دل شد اول
زمانیکه چاپ مخترع گشت سنا ربع و خمین و ثمانمانه
بود اول زمانیکه با سینه سنگی مخترع گشت سنا هزار و
دویست و ده هجری بود اول زمانیکه قنار چقدر
ساختند سنا اثنا عشر و مائین بعد الاف بود و در
این سال سلطان عادل خاقان مغفور جلوس نموده
و افاستید مهدک بحر العلوم طباطبائی وفات نموده و اقا
ستید مرتضی واعظ جده مؤلف این رساله تولد یافته
اول کسیکه بخندق کندن و نقاره زدن صبح و شام
اشارت کرد منوچهر بوده در حبیب التیرافطوس که در
سالت حکام فرنگ انتظام داشت رایت استقلال بر
افراشت و افسطوس در حبیب التیر اول پادشاهی که

اورا قیصر خواندند بتقریب آنکه وقتیکه متولد میشد
مادرش فوت شد شکر مادرش را شکافتند و را بیرون
آوردند مثل این مولود را در فرنگستان قیصر گفتند و چون
بسن رشد و بهمانی رسید بمان نام قیصر میخواندند و
تمامی ممالک روم و شام و مصر بحجز نفوذ و تسخیر او درآمد
در حبیب الیر و البر بر جیل من الناس یقال اول من ستمهم
هذا الاسم افریقیس الملک لما ملک بلاد و قد جاء فی الحدیث
الباء فی اهل بربر فی مجمع البحرین هذا ماناجی به امیر المؤمنین
علیه السلام عند قبر النبی صلی الله علیه و آله اللهم هذا
اول العدد و صاحب الابد و نورک الذی قهرت به
غواصق العدم و بواسق الظلم و جعلته منك و نیک و الباء
و علیک و الاد لیلاد و حه لفتح الاحدیه فی اللاهوت
و جسد صورة معانی الملک و الملکوت و قلبه خزانة
الحی الذی لا یموت طاور الکبریاء و حمام البحر و تبیین
قال علی علیه السلام ان صلی الله علیه و آله اول العدد
و هذا لانه کان صلی الله علیه و آله اول ما خلق الله و ما
کان قبله موجود سوى الباری تعالی و هو الاول بلا
آخر و لکنه لیس من قبل الاعداد و لا یطلق علیه اتم عدد
كما قال به اهل الحساب لانه تعالی واحد و الواحد علی
الافصح لیس عدد و صلی هذا اول العدد هو النبی صلی الله

علیه و آله اذ هو نانی الموجودات و اول امکانات و نانی الواحد
عدد بلا خلاف و همما زیاده الکلام لتوضیح المرام خداوند
منان عز شأنه در کلام مجید در چند محل ذکر اول میفرماید
در سوره آل عمران میفرماید ان اول بیتی و ضیع للناس
لکذی بیکه مبارک و هدی للعالمین و در سوره انفصام
میفرماید فک انی امرت ان اکون اول من اسلم الخ و نیز
در همین سوره میفرماید و لقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم
اول مرة الخ و نیز در همین سوره میفرماید و نقلت قدیم
و ابصارهم کما لم یؤمنوا به اول مرة و نذرهم فی طغیانهم
و نیز در همین سوره میفرماید الله رب العالمین لا شریک
له و بذالک امرت و انا اول المسلمین و در سوره اعراف
میفرماید فلما افاق قال سبحانک تبت الیک و انا اول
المؤمنین و در سوره توبه میفرماید الا نقاتلون قوما
نکثوا ایمانهم و هموا باخراج الرسول و هم بد و کما اول مرة
الخ و نیز در همین سوره میفرماید انکم رضیت بالعودة
اول مرة فاقعدوا مع المخالفین و نیز در همین سوره میفرماید
لا تقسم فیہ ابدا لیس علی التقوی من اول یوم الخ
و در سوره کهف میفرماید لقد جئتمونا کما خلقناکم
اول مرة الخ و در سوره طه میفرماید قالوا یا موسی
اما ان تلحقنا و اما ان نكون اول من آتقی و در سوره

انبياء ميفرمايد يوم تظوى التمام كفى التجمل للكتب
 كتابدنا اول خلق اخ و در سورة شعراء مى فرمايد انا
 نطعم ان يغفر لنا خطايانا ان كنا اول المؤمنين و در سورة
 يس مى فرمايد قل يحيىها الذي انشاها اول مرة اخ و در
 سورة روم ميفرمايد قل اني امرت ان اعبد الله مخلصا
 له الدين وامرت لان اكون اول المسلمين و در سورة حم
 سجدة كه فصلت باشد مى فرمايد وهو خلقكم اول مرة
 واليه ترجعون و در سورة زخرف ميفرمايد قل ان كان
 للرحمن ولد فانا اول العابدين مؤلف كويد انايان
 دانند كه در قرار مجيد لفظ اول بسيار است و لى بجهت
 تيمن و تبرك بهمين چندين اكتفا نموديم اول خطبه كه رسول
 خدا صلى الله عليه واله خواند در قبا بود چون پيغمبر
 سازمدينه كرد در روز جمعه از قبا بيرون شد و بيشتر
 خویش بنشست چون بقبيله بنى سالم بن عوف رسيد
 هنگام نماز جمعه درآمد و ايشان قبل از ورود پيغمبر
 مسجد از بهر خود بنا كرده بودند پس ان حضرت از ناقة
 بز درآمد و در انجا رفت و خطبه داد فرمود بسم الله الرحمن
 الرحيم الحمد لله احمده واستعينه واستغفرو واستهد به
 واومن به ولا اكفره واعادى من يكفره واشهد ان لا اله
 الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

و امرسله بالهدى والنور والموعظة على فترة من الرسل
 اخ و تمام اين خطبه در كتب اخبار شيعه و اهل سنت در قصه
 هجرت مرقوم داشته اند و اين خطبه در افعاد جمعه مقرر افتاد
 و ان اول خطبه و نماز جمعه بود كه در ان اراضى پاي رفت
 قال السيد على خان فى سلوة الغريب اول من انتقل من
 اجدادنا الى شيراز المحروسه عليا ابوسعيد النخعي قال
 على عليه السلام ما لادن ادم والفخر اول نطفة و اخر جبهه
 فى نوح البلاغة و نيز امير المؤمنين عليه السلام مى فرمايد
 الحمد لله الاول قبل كل اول والاخر بعد كل اخر باوليتيه
 و جب ان الاول له و باخرية و جب ان لا اخر له فى نوح
 البلاغة اول شهر كه بخير نشاء بعد از طوفان نوح باشد
 شوشتر است در فرهنگ انجن اراى ناصري اول حكم
 عمر عزل نمودن خالد بن وليد و نصب ابو عبید جراح
 بود در منتظم اول صلوة جمعه كه در عراق بجای آورده
 شد در ماه صفر سنه شانزده هجرى بود در روز جمعه
 صلوة فتح بود كه سعد بن وقاص در ايوان كسرى بجاء اول
 اول شيعاء علم كيميا در ميان اعراب در سال صد و
 بديست و يك هجرى بود اول شخص از خلفاى علويت بن ابو
 محمد عبدالله بن محمد العلوى بود فى منتظم ناصري تاليف
 اعتماد السلطنة زيد عزه اول كسيكه بوق ساختن مؤ

بود در مجالس المتقین شهید آمد در قصه ابراهیم که
خواست از خدا عذاب بجهت نمرود و قومش خداوند پسر
فرستاد بروایتی آن قدر پشه آمد که مردی را صد هزار
پشه کرد آمد از خوردن و خفتن و نشستن و ایستادن
ماندند متحیرانه عاجز و هلاک می شدند حتی پشه ها
جمع لباسها و گوشتهای ایشان وزین و اسباب اسباب
بموردی نمرود گفت خانه از من بجهت او ساختند
که هیچ شکافی نبود در او مگر یک سوراخ بسیار تنگ
همان قدر که نفس بیرون آید حق تعالی پشه فرستاد
تا از آن شکاف داخل شد اما از تنگی سوراخ یک پر
او هم شکست و در بینی نمرود رفت تا مغز او رسید
بروایتی ناسر زده شبانه روز مغز او بمجورد نمرودی
طاقت شد امر کردند تا بوقها ساختند و میزدند تا
او از بوق بودی ساعتی آرام بودی گویند آن کل بنای
بوق نمرود نهاد مؤلف گوید توجیه این بوق بر سه وجه
است یا بوق سالچین است که او را گوناخوانند یا بوق
درویش و قلندران و فلاشان است یا بوق خمایی
است که بجهت اخبار مردمان زده می شود یا بوق حکم اول
من وضع الفوتوغرافیا رجل فرانسوی اسم شارل ویرل
انگلیس اسم دانی داول فی در المکنون فی الصنایع والفنون

اول ماعمل التمع فی الهند واستحضروضع منه فی بلاد الهند
ثم فی البور توغال ثم فی اسبانیاء ومن هناك امتدت معرفة
علمه الی فرنسا فی کتاب در المکنون اول کیست که در مالک
ایتالیای لوی حکمت برافراشت و در فشر علوم و ثبت حکم
پرداخت و هنوز در آن ملک قانون دولتی بنای سلطنت
میسود و در تاریخ التواریخ اول خون خوکای مانک بنجاس
اول سلطان چین است در تاریخ التواریخ از دختر حضرت
خاقان مغفور حاجیه شمس الدوله اول کیست که از این
سلسله رجالا و نساء مجاورت عتبات اختیار نموده در تاریخ
خاقانی از تالیفات سلطان احمد میرزا عتبات الدوله
اول و فیکه استعمال باروت شیوع یافت در سده
شش صد و هشتاد و شش بود اوائل ظهور دولت عثمانیه
اول زمانیکه توپ ساختند در سده هفتصد و شصت
هجری بود در سلطنت امیر تیمور خاتمه الکتاب ابوذر گفت
ان رسول الله قال علی اول من امن بی و اول من یصالحه یوی
القیمة بدرستیکه رسول گفت علی است اول کیست که ایمان آورد
بمن و اول کیست که در روز قیامت مصافحه کند با من در کامل
السقیفة البهائی در نکات الفصول عجلی آمد که فاطمه زار رسول
بشارت داده که اول کیست که من رسد از افرای من تو باشی و
فاطمه اول بنو هاشمی بود که متوفی شد در کامل البهائی موقوف

در مدح امیر المؤمنین علی علیه السلام میگوید فقدان کتب
علمی پایان نیت دیگر بجز علی علا کو حکیم است و عالم اشیا
اول حق بود بار اول اخلاق بود بار آخر و در جادیکو گوید
اول اخرا و بود در دین ظاهر و باطن او بود بخدا پیام اول
الامه ختم شد بر او باب فضل مخفی نماد که در جمع این رساله
ترتیب ملحوظ نبوده الحمد لله وله المنه که آنچه مکنون خاطر بود
بیاری جبار و طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در حیرت خیز
در آورده و بر صفحه ظهور جلوه کرده بود شکر او را بر فیض
حق بقال ختم شد این نامه در قریب سه سال حالتی خواهم
ما از روی حال لیک باید بکنظر از خبرال ناشو مقبول
طبع خاص و عام للنبی من تحت و السلام الحمد للمهم
السرائر کامد بمبارکی باخر پیوست بخوشترین زمان انجام
در عام هزار و سیصد و هشت اتمام الحمد لله اولاً و آخر
باطنا و ظاهرا و صلی الله علی محمد و اهل بیته الطاهرين
و قد تمت هذه الرسالة الشريفة في اخبار الاوائل مع
تردد البال وكثرة الاشتغال في السنة الثامنة من المائة الرابعة
بعد الالف من الهجرة النبوية في كربلاء المعلى على مشرفها
الاف التحية والتناء حامداً مصلحاً مستغفراً
كتبه بيضاء الدائرة الخاتمة العبد المذنب جمال الله
محمد الطباطبائي الورع الكاظمي
عفی عنہ

بسم الله الرحمن الرحيم
تقریظ جناب عمدة العلماء العاملين قدوة الفقهاء الكاملين
العالم البارع والبحر الواسع والمحقق العلامة والمدقق الفقيه
المحدث الفقيه المتبوع النبي حاوی الفروع والأصول جامع
المعقول والمنقول بمحقق الحقائق مدقق الدقائق مصباح
الهدى مفتاح الدجى حتى ثانی التبطين مولانا الحاج ميرزا
حسين النوري الطبري نور الله قلبه وفتح الله المسلمين بطول بقا
بسم الله الرحمن الرحيم
لله در السيد السند والحجج المعتمد جامع فنون المضائل و
حاوی صنوف المعالي والفواضل وما حوى مساوى الاخلاق
والرزائل النقاد البصير والمضطلع الخبير علم السادة ومعاد الفضل
والتعادة الأجداد المؤيد جمال الدين السيد محمد باقر الله
تعالى ما يمتناه فقد احسن واجاد في هذا التأليف الشريف
واغرب وافاد في هذا الجمع المنيف اللطيف وادع فيه من
شوار والآثار ما تشهيه الانفس وتلذذ الابصار واجمع
فيه من نوادر الاخبار ما تروى به قلوب الاخبار فجزاه الله
عن السلف الصالحين والخلف الباقين خير جزاء الحسنين
والحمد لله و صلواته على خير خلقه محمد وآله الطاهرين كتبه
ابيمناه الدائرة العبد المذنب حسين بن محمد تقى النوري الطبري
عفی عنہ

تقریظ منظوم از جناب مستطاب خاتم الفضلاء وزبدة
الادباء قدوة الازکیاء عین الفضل و بحر الادب و کشف
معضلات من لغات العجم والعرب الفاضل المجلل العالم
التبیل الادیب الاریب الشاعر الماهر المعاصر فاشیخ علی
الخراسانی الاصل الحائری الموطن الملقب بشیخ الزبیدی رحمه الله افضاله

بسم الله الرحمن الرحیم

قطعه در تقریظ کتاب مستطاب از شکسته خامه و طبع افشر
این محبت حقیقی و مشفق صمیمی شیخ الزبیدی علی الخراسانی عفی
عنه وعن والديه بر صفحه این صحیفه اجرا یافته تا اینکه از این
حقیر هم بخودی در اش و تازی در قماش در این صفحه ایام
باقی ماند شاید ببرکت اجداد طاهرین مؤلف از برای این
عبد عاصی در یوم الفرع الاکبر بر نجات و خلاص حاصل آید

تعالی الله از این تالیف کامل	که در روی جمع امد هراو ائمل
تعالی الله از این شیرین کتابی	که نبود در کتب ان را بما ائمل
چو عقل اول این اول کتابیت	که در جمع او ائمل کشته حاصل
زهر اول در این فن امد آغاز	زهر شهر و دیار و هر قبائل
در ان بنهاده بحر از معانی	بالفاظی خوش و لطف و شمائل
بی در و کمر به هفسته در روی	که رخسار درش همچو مشاعل
کتابی صمد ارباب دانش	کتابی مونس اهل فضائل
مهد اندران اثین تاریخ	بوجهی شامل و بر نحو کافل

ندیده دید اهل بصیرت	چنین تالیف با چندین مشاعر
ز نون خامه استاد تحقیق	جمال عقل و دین صدر افاضل
جمال الدین محمدانکه امد	بدانش فخر اقران و اما ائمل
مهمین نوباره ختم رسالت	حسین مرتضی خوش سار ائمل
فر وزان کوکب درج مناقب	در خشان کوهر درج خصائل
از او علم رجال امد مسدود	چنانچه در حدیث امد و ائمل
محیط دانش او بیکرانه	بحار پیش او بی سوا ائمل
کلامش کشته مفتاح تواریخ	بیانش جمله مصباح مشاکل
ز تصنیفات و کاند رجوافی	بد او در هر دری سائل
حروفش تحفة الاخران سالک	روزش در ذرة البیضاء عاقل
رئیس از بهر تار بخشش و روز	چو مهر و مهر روان و مهر ائمل
که ناکه هاتق غیش کفتا	بگوشت نام اخبار الاوائل

تقریظ منظوم از جناب قدوة الفضلاء وزبدة
الادیب الاریب اللیب مولانا السید محمد، الطیب
الحائری المشهور بالشمسستانی دامر عمره
جزیت خیر اجمال الذین حین صمت
منك العلوم و كان العلم محبوبا
فقتعت ظلمات قدا طل بها
جهالة فاستنار الحق نوبا
احیا الاوائل اعجازا ببارقت
منه الا نامل منظوما و مشورا

كيف النكير والتأليفات نطقت
بفضله وبعي جاء مشكورا
فانظر الى كسبه تنظر الى صور
فيها النفوس اقامت للعلی شورا
ما معطل قط الاقدانار بها
برهانه واحوال الشك تفسيرا
سل البلاغة هل تذكر لمنطقه
لدى البيان بديعا كان ما ثورا
سقى الاجداث ابناء له سافت
وعلمهم خلل في الاجداث مسطورا
حتى اذا هضت ابناء هاورشت
وقد بدا منهم ما كان مغمورا
تقريب منظوم من جناب المستطاب زبدة الفضلاء العالم
الفاضل الا واحد الكامل الموحد مولانا صارم الدين الميرزا
محمد زید عزه سبط العالم الرتاني والفاضل الصمداني
مولانا محمد صادق الاردستاني اليزدي الحائري طاب
عاده الواعظين محمد من تنزه من صباه عن الرزائل
جمال الدين من عليا نزار حليف المجد من خير القبائل
تجلى بالكارم والماثر تجلى بالمحسن والفواضل
ركن لوزع المعنى ربیب العالم محمود الامثال

توارت عن ابيه الفضل قد ما
شريف الاصل بمدوح التجايا
له في المكرامات شهود صدق
فمنها ما يزيد العين نورا
كتاب مستطاب اثره
ليسر القلب اخبار الاوائل
تقريب منظوم من جناب الفاضل الجليل والعالم النبيل
الشيخ موسى الحائري دام عمره العالي صاحب كتاب تحقيق الاحكام
بشراكم قدانا كخير تاليف بخير طرز واسلوب وتوصيف
من بحر فضل جمال الدين من سما
سما مجد وتفهيم وتشريف
كفاء تاليفه فضلا وفيه عنا
عن ذكر مدح وتبجيل وتوصيف
احيا بما فيه اخبار الاوائل
المرجو خير الجزاء عن كل عطف
تقريب منظوم از جناب مستطاب فاضل كامل شاعر
ماهر ادیب ارباب اسيد هاشم واعظ خلف جوم جناب
قدوة الفقهاء العظام محقق الحقائق مولانا الحاج
سيد محمد باقر الطباطبائي اليزدي طاب ثراه صاحب
كتاب وسيلة الواصل في شرح الوسائل
اكرهوا من اخبار ابيدك يا خيرا بمؤلفه من زلف شوق اخبار الاوائل

و کو خواهی ز اسرار لدنی الهی یابی
 که بنمائی توصیف خویش هرگاه کامل
 چه خوش باشد که با وی انس گیری تا دم مرگ
 که مونس گشته او پیوسته از باب فضائل را
 حکایت میکند از لوح محفوظ خداوند
 که موجود است و هستی او عالم را جاهل را
 گوش بانور بنویسد بر رخسار حور العین
 روا باشد چه الفاظش منور میکند دل را
 بود جمعی لطیف از بدر برج دانش و بیش
 که وصف ذات او حیران نماید عقل عاقل را
 سلیل احمد از حد لیل شرح پیغمبر
 مثال جد خود حیدر گوگرد و خصائل را
 جمال الدین و الدنيا محمد زاده زهر
 که اندر عصر خود فخر است اقران و امثال را
 بود تاریخ تالیفش بعد ناصر الدین شه
 نه بنید در جهان چشمی چنین سلطان عادل را
 شهنشاهی که با اقبال گردید از ازل توام
 زاید مادر کیستی چه او فرزند مقبل را
 چه زرقی بکهار و سید و هفت باب از هجرت
 بانجام آمد این تالیف و زایل کرد باطل را

مدح این کتاب ای قطب عقلت شد چنین عاجز
 که در عمرت نخواهی حل نمود اینگونه مشکل را
 تقریظ منظوم از جناب مستطاب قدوة الفضلاء العابد
 الزاهد الشاعر الماهر المعاصر المحمولى الاقا شيخ جواد الدزفولى
 الحایری المتخلص بوا مقسمه الله تعالى بر کتاب اخبار الاول
 و مونس از باب الفضائل
 تبارک الله از این اختتام طرفه کتاب
 بزرع علم تو کوئی چهره یار داب
 بحباب فضل همانا بفصل نیسانی
 هفت در صد ف فهم عرف در خوش
 گرفت مرید هزاره غیب روح قدس
 هزار عیبه جان افزین بهمد خواب
 بر غم مدعیان نوع و من جمله فضل
 فکند از رخ معنی هزار گونه نقاب
 به پرده چند سخن فاش گویت بملا
 که این کتاب در این علم گشته فتح الباب
 در اوست مندرج اخبار هر اهل هر
 بکانه کوهر پر نعمت بس نایاب
 نخست نفر کتابیت از مؤلف آن
 که متغنی است و مسلم بعتجه اصحاب

بیان وی همه نغمه و کلام او همه مغز
مطالبش بر اهلین عقل فصل خطاب
مورخین همه بر حقیقتش ز شاب و ز شیخ
محدثین همه در مدحش ز شیخ و ز شاب
انیس بی بدلی از برای اهل کمال
جلسین بی مثلی در برابر اولوالالباب
از آنکه گشت مرقد ز نوک خامه بجل
جمال مله والدین سلاله الطیاب
متی ختم رسل جامع لغات و علوم
حسین نژاد و حسن نسبت و تمام نسا
ر بوده کوی سعادت ز همگان در فضل
چنانچه مفتخر است در جهان بقم و زیاب
همین بس است بفضلش که در هدایت خلق
گرفته مسلك پیران دین بزمه شباب
بر تبه مجلس عصر خویش در تالیف
گرفته از کل اخبار روزگار کلاب
بکام سرعت تحریر نوک خامه او
رقم زنده زد و صد قصه در ذهاب زیاب
بیان وصف چنین نوحیسته ممکن نیست
ز وصف او توان گشت عالمی سیراب

زبان ببند تو و امق ز مدح و منقبتش
گذارد قصه مدحش سوی دعا بشتاب
الاهاره فلک تا که پرستاره بود
همیشه تا که بیارود مطر بخلق سیاح
بجای روی بختش با نسیاط سرور
بگو به چشم خودش چه دیرش میزاب
مؤلف این رساله معروض می دارد که در این ایام جناب
قدوة الفضلاء الکرام آقا شیخ جواد دزفولی الاصل که صاحب
تقریظ منظومه است ساعت صحن نجف را که از موقوفات
جناب جلالت مآب میرزا اسماعیل خان امین الملک دام
عمر است آنچه در شبانه روز که بیت و چهار ساعت است
از ربع ونیم و سه ربع تمام میزند در حساب اعداد باین
مصرع آخر مطابق نموده است و مجموع زدن ساعت در شبانه
(روز ششصد و سی و شش است)
ساعت صحن نجف گوید با و از جلی
کی و حی بعد متحدای قوام دین علی
بخواهش شیخ مذکور التمهیر بواقی سلمه الله بر قوم افتاد
کتب و رسائل مؤلفات جناب سید خبیر و فاضل بصیر
مؤلف این کتاب در این فهرست آسراج الامة فی احوال

الانبياء والائمة عليهم من الله الاف التحية والرحمة نجات
 المذنبين في مصائب ال طه ودين لطائف الاقوال في
 معرفة الرجال كنف الحجب الظلامية في اسماء الكتب الامامية
 تاريخ رياض الجنان لسان الغيب في علم المعاني غرائب
 البلدان حديقة الفضلاء وروضة الشعراء اخبار الاولاد
 ومونس ارباب الفضائل كهين كتابات رياض الملوك
 في التبر والتبر والتلوك مشتمل على الجداول والبوت
 تذكرة المصنفين من العلماء وترجمة المؤلفين من الفضلاء
 مفتاح التواريخ في ذكر حالات السلاطين الصغوية
 سوانح عمرى ماه ومهر في تاريخ بوشهر تحفة الاخوان
 في احوال سيد العارفين اقاخان الحسيني المحلاقي روضة
 الناصرية مخزن الدعوات المحترمة بنجوم الارض في ذكر
 محدثين العصر الذين اطاعة الناس لهم فرض احسن
 التقويم في الاختيارات بحر الحقائق وكشف الدقائق
 في الاشعار كتاب الكشكول المسمى بموائد السالكين
 وفوائد الحائرين ربيع القلوب فيما وقع لشهر الربيع
 زبدة الاخبار في تاريخ ائمة الاطهار تذكرة المعترين
 تحفة الانام في شرح وقايع الايام مرآة العالم في
 احوال بنى آدم مصباح المتقين في اعمال السنة مجمع
 التواريخ في تاريخ الولادة والوفيات العلماء دترة

البضاء في احوال فاطمة الزهراء بدايع الكلام فيمن فاز
 ببقاء الامام رسالة في احوال سيد العلماء الحاج سيد
 حسين اليروزى طاب ثراه منبه الشعب وتقويم الشريعة

تمت بالخير

حسب الفرياش جناب زبدة الاطياب ونخبة الانجاس
 قدوة الابرار زبدة الاخبار افتخار الادباء اقا

محمد رضا زبدة نجل جناب اشرف

الحاج والعمار والتجار الموفقين

الله الوفي والمؤيد بتأييد الله

علي الحاج غلام علي صان

بهماني حفظهما الله تعالى

من المحدثان امام

يزيرفت

كسبر اقل الاحقر المذنب الفقير محمد علي بن محمد وعفرا بانه اقا

محمد كاظم لاري طاب ثراه تاريخ

٢٣ شهر رمضان المبارك

در بندر مشهد امام

يزيرفت

سنة

١٢٨



